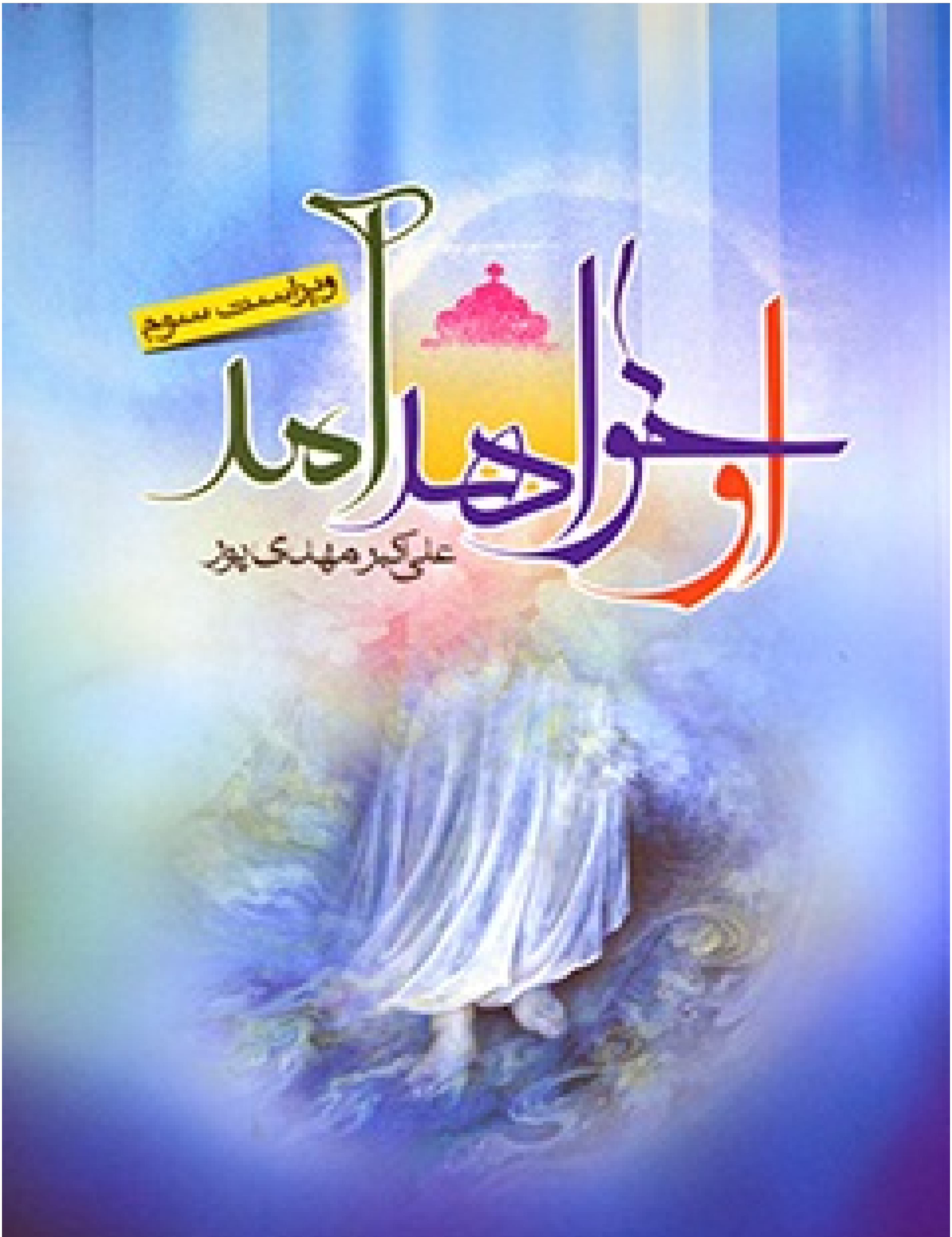

ویراست سوم
او خواهد آمد
علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

او خواهد آمد

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

او خواهد آمد

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : او خواهد آمد/ علی اکبر مهدی پور.

وضعیت ویراست : [ویراست ۳].

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲۰۷ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ریال: ۹۶۴-۶۸۳۸-۱۷-۰ ؛ ۱۵۰۰۰ ریال: چاپ سیزدهم: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۳-۸۱۷-۸

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : . He will come

یادداشت : چاپ دوازدهم.

یادداشت : چاپ سیزدهم : ۱۳۸۶

یادداشت : کتابنامه : ص. ۱۸۹ - ۲۰۳ ؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت-- مطالعات تطبیقی

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/م۸۸الف۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۱۰۲

ص :۱

اشاره

مقدمه

اشاره

به نام او که:

بی نام او جهان صفا ندارد.

بی یاد او جانها بها ندارد.

بی عشق او دلها نوا ندارد.

بی لطف او عالم بقا ندارد.

بی جلوه ی او ارض و سماء جلا ندارد.

بی نور او خورشید و ماه ضیا ندارد.

بی جود او درد ما شفا ندارد.

بی مهر او مشکلها دوا ندارد.

بی مهر او اعمال ما امضا ندارد.

بی ظهور او غم هجران انتها ندارد.

*** ای همه غمها را تو پایان

ای همه دردها را تو درمان

ای همه آشفتگیها را تو سامان

ای نور یزدان،ای مهر تابان

ای فروغ بی پایان،ای خورشید همیشه فروزان.

ص:۱۱

بیا تا ز پرتو رویت،شب تاریک سحر گردد،ورنه ای مهر تابان،بی تو هرلحظه تیره تر گردد.

من در این غار خسته و دلتنگ،انتظار تو را ستاره کنم،در این شب تار وحشت زا،لحظه های تو را شماره کنم.

گر بیائی ستاره های سحر،در نگاه تو رنگ می بازند.گر بیائی کبوتران امید،لانه ها را دوباره می سازند.

*** دنیائی که در آن زندگی می کنیم دردآلود و دردزاست،سراسر درد و اندوه است و آینده ای که در برابر دیدگانمان ترسیم می شود:تاریک، ابهام آمیز و یأس آور است.

انسانها می آیند و می روند و التهاب سوزان این:«فردای بهتر»را با خود به گور می برند،لکن روزی دیگر،انسانی دیگر،این امید بی پایان را از نو آغاز می کند.

امید به بهروزی و انتظار:«فردائی نکوتر»حدیث نفس انسانها و خواست مشترک توده هاست.

این انتظار و امید به نوار خاصّی از مکان و مقطع خاصّی از زمان محدود نمی شود،بلکه همه ی انسانها،در همه ی اعصار و امصار،در تب وتاب این انتظار می سوزند و می گدازند،تا روزی دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آید و آرزوی دیرینه ی جامعه ی بشری را برآورده سازد و رؤیاهای طلائی افلاطون را تحقّق بخشد و جامعه ای برتر از«مدینه ی فاضله» براساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

اگر نقّاشـهای چیره دست روزگـار دور هم نشـینند و تـابلوئی به پهنـای جهـان هستی ترسـیم نماینـد،هرگز نتواننـد که فرازهای برجسـته ی جهـان پر فروغ عصـر ظهور را منعکس سازنـد،که فروغ بی پایـان آن جمال الهی هرگز در آیینه ی بشـری منعکس نشود.

بـدیهی است که ما نیز در این سـطور در پی آن نیستیم که دورنمای جهان بعـد از ظهور را در این نوشـتار منعکس نماییم،بلکه می خواهیم با اقتباس از سخنان نغز و پرمغز معصومین علیهم السّلام گامی هرچند ناچیز در ارایه ی سیمای تابناک جهان بعد از ظهور برداریم و با منتظران ظهورش زمزمه کنیم:

اگر او بیاید:

۱.جهان با فروغ جمال عالم آرایش منوّر گردد. (۱)

۲.راهها امن شود. (۲)

۳.ثروت به طور مساوی تقسیم گردد. (۳)

۴.همه ی گنجها را استخراج نماید. (۴)

۵.جهان در آسایش و آرامش بی نظیر قرار گیرد. (۵)

۶.همگان از حکومت حضرتش خشنود باشند. (۶)

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۳۷.

۲- ۲) .ارشاد مفید،ص ۳۶۴.

۳- ۳) .عقد الدّرر،ص ۴۰.

۴- ۴) .الحاوی للفتاوی،ج ۲،ص ۱۴۶.

۵- ۵) .سنن ابن ماجه،ج ۲،ص ۱۳۶۶.

۶- ۶) .مسند احمد،ج ۳،ص ۳۷.

۷.زمین برکاتش را خارج سازد. (۱)

۸.پرچم اسلام بر فراز گیتی به اهتزاز درآید. (۲)

۹.امّت اسلامی مجد و عظمت فوق العاده ای پیدا کند. (۳)

۱۰.حکومتهای جابرانه ریشه کن شوند. (۴)

۱۱.شرق و غرب جهان به تسخیر آن حضرت درآید. (۵)

۱۲.ندای اسلام در تمام اقطار و اکناف جهان طنین انداز شود. (۶)

۱۳.فرهنگ بشری به والاترین حد خود برسد. (۷)

۱۴.جهان در ثروت و آبادانی غوطه ور شود. (۸)

۱۵.انسانها از رشد عقلانی برخوردار شوند. (۹)

۱۶.همه ی بدعتهای جاهلی ریشه کن شود. (۱۰)

۱۷.حسد و حیله از بین برود. (۱۱)

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۳۸.

۲- ۲) .کمال الدّین صدوق،ج ۲،ص ۳۲۷.

۳- ۳) .مستدرک حاکم،ج ۴،ص ۵۵۸.

۴- ۴) .منتخب الأثر،ص ۴۷۱.

۵- ۵) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۳۳۲.

۶- ۶) .منتخب الأثر،ص ۲۹۳.

۷- ۷) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۵۲.

۸- ۸) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۱۹۰.

۹- ۹) .بحار الأنوار،ج ۵۳،ص ۳۳۶.

۱۰- ۱۰) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۵۲.

۱۱- ۱۱) .صحیح مسلم،ج ۱،ص ۹۴.

۱۸.کینه توزی و دغلبازی رخت بربندد. (۱)

۱۹.تبهکاران نادم شوند و خود را ملامت کنند. (۲)

۲۰.معیارهای اخلاقی در جهان حکمفرما شود. (۳)

۲۱.امتیازهای طبقاتی از بین برود. (۴)

۲۲.روابط انسانها براساس صفا و وفا استوار گردد. (۵)

۲۳.همه بی نیاز شوند و از پذیرش پول امتناع کنند. (۶)

۲۴.نیاز همگان برطرف شود و کسی حاضر به پذیرش زکات نباشد. (۷)

۲۵.همگان در دل خود احساس بی نیازی کنند. (۸)

۲۶.نشانی از شرک و کفر در روی زمین باقی نماند. (۹)

۲۷.همه ی گردنکشان در برابر آن حضرت تسلیم شوند. (۱۰)

۲۸.همه ی شیعیان جهان از اقطار و اکناف جهان در اطراف شمع وجودش گرد آیند. (۱۱)

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۱۶.

۲- ۲) .سنن ترمذی،ج ۳،ص ۳۳۴.

۳- ۳) .بحار الأنوار،ج ۵۳،ص ۳۳۶.

۴- ۴) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۰۹.

۵- ۵) .بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۷۸.

۶- ۶) .صحیح مسلم،ج ۱،ص ۹۴.

۷- ۷) .ارشاد مفید،ص ۳۴۳.

۸- ۸) .مسند احمد،ج ۳،ص ۳۷.

۹- ۹) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۶۷۰.

۱۰- ۱۰) .تفسیر قمی،ص ۱۱۸.

۱۱- ۱۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۶۶.

۲۹.در هرنقطه ای بانگ وحدانیّت پروردگار و شهادت به رسالت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم طنین انداز شود. (۱)

۳۰.مردم را به ولایت امیر مؤمنان علیه السّلام و برائت از دشمنان آن حضرت فراخواند. (۲)

۳۱.روی زمین از لوث دشمنان اهلبیت علیهم السّلام پاک شود. (۳)

۳۲.قلب مؤمن از فولاد استوارتر شود. (۴)

۳۳.مردم آرزو کنند که ای کاش نیاکانشان زنده بودند و آن روز فرخنده را می دیدند. (۵)

۳۴.هر حقّی به صاحب حقّ برمی گردد. (۶)

۳۵.شمش های طلا را با خود حمل کنند تا در راه خدا خرج کنند ولی هیچکس نمی پذیرد. (۷)

۳۶.عمرها به قدری طولانی شود که هرکس ۱۰۰۰ فرزند ذکور از نسل خود را درک کند. (۸)

۱- ۱) .ینابیع المودّه،ص ۵۰۸.

۲- ۲) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۰۸.

۳- ۳) .عقد الدّرر،ص ۱۵۹.

۴- ۴) .غیبت نعمانی،ص ۱۶۷.

۵- ۵) .مستدرک حاکم،ج ۴،ص ۴۶۵.

۶- ۶) .ارشاد مفید،ص ۳۴۳.

۷- ۷) .صحیح بخاری،ج ۲،ص ۱۳۶.

۸- ۸) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۳۷.

۳۷.همه ی حقوق حق تعالی،و همه ی حقوق خاندان عصمت و طهارت استیفاء شود. (۱)

۳۸.عدالت در همه جا گسترده شود،احدی مورد ستم قرار نگیرد. (۲)

۳۹.شیعیان در عصر ظهور از شیر دلیرتر و از شمشیر برنده تر شوند. (۳)

۴۰.در روی زمین ویرانه ای نمی ماند،جز این که آباد گردد. (۴)

***

۱- ۱) .مدینه البلاغه،ج ۱،ص ۲۳۲.

۲- ۲) .بحار الأنوار،ج ۵۲،ص ۳۲۲.

۳- ۳) .حلیه الاولیاء،ج ۳،ص ۱۸۴.

۴- ۴) .اعلام الوری،ص ۴۳۳.

سرگذشت کتاب

به سال ۱۳۹۰ ه.در ایّام ارتحال مرجع فقید شیعه:مرحوم آیه اللّه حاج سیّد محسن حکیم قدّس سرّه،در یکی از مجالس یادبود ایشان،به هنگام بحث از موقعیّت مراجع تقلید و نیابت عامّه ی آنان از قطب عالم امکان،حضرت صاحب الزّمان علیه السّلام،به مناسبت گفتگو از نقش امام زمان در بقای جهان هستی،تعبیر:«هسته ی مرکزی جهان آفرینش»بر زبان جاری شد و یک مرتبه به نظر قاصر رسید که شاید به همین جهت است که در احادیث معصومین علیهم السّلام وجود اقدس حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در عصر غیبت به خورشید نهان در پشت ابر تشبیه شده است،این مطلب پی گیری شد و به صورت نوشتاری درآمد و تحت عنوان:«نقش امام زمان در جهان هستی»در تیراژ وسیعی انتشار یافت.

یکسال بعد،از طرف مجلّه ی«نسل جوان»مسابقه ی مقاله نویسی پیشنهاد شد و نوشتاری تحت عنوان:«او خواهد آمد»تقدیم گردید،پس از بررسی مقالات، مقاله ی یاد شده ممتاز شناخته شد و در«سالنامه ی جوانان»چاپ گردید. (۱)

ص:۱۹

۱- ۱) .سالنامه ی جوانان،سال ۱۳۵۱ ش،ص ۱۴۴-۱۶۱.

دوست دانشمندم نویسنده و محقّق گرانقدر مرحوم«داود الهامی» پیشنهاد نمودند که این دو مقاله،به پیوست دو مقاله ی دیگر از ایشان به صورت کتابی منتشر شود،پیشنهاد ایشان عملی گردید و با مقدّمه ای از مرحوم علاّمه ی طباطبائی قدّس سرّه در ۱۲۸ صفحه ی جیبی در آستانه ی نیمه ی شعبان ۱۳۹۲ ه.منتشر شد.

این کتاب در مدّت ۱۰ سال بیش از هفت بار تجدید چاپ شده در تیراژی بالغ بر یکصد هزار نسخه انتشار یافت.

به سال ۱۴۰۳ ه.ویرایش مختصری به عمل آمده چاپ هشتم آن با تجدیدنظر و اضافات در ۱۷۶ صفحه ی رقعی در ۲۰۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شد.

دست اندرکاران طبع و نشر کتاب می دانند که انتشار یک کتاب مذهبی در تیراژی بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نسخه در جهان مطبوعات به ندرت اتّفاق می افتد.

این استقبال پرشور شیفتگان حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه ایجاب می کرد که ویرایش جدیدی از این کتاب به عمل آمده،به صورت جامعتر و جالبتری به راهیان نور و منتظران ظهور تقدیم گردد.

در این میان مرحوم الهامی مقالات خود را گسترش دادند و عناوین تازه ای به آنها افزوده،کتاب ارزشمندی را تحت عنوان:«آخرین امید» انتشار دارند.

این کمترین نیز دو مقاله ی یاد شده را یکبار دیگر ویراستاری نموده، عناوینی را به آنها افزوده،در آستانه ی یکهزار و یکصد و شصت و سوّمین سالروز میلاد مسعود بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و

آزادی، (1)به صورتی که ملاحظه می فرمایید به شیفتگان کوی و منتظران ظهورش تقدیم نمود.

و اینک اشاره ای کوتاه به عناوین کتاب:

۱.مطلع نور،پیش درآمدی بر میلاد نور

۲.پیوند نور،اسامی شریفه ی وعاء نور

۳.گزارش نور،گزارش دقیق و مستند حوادث شگفت انگیز در امپراطوری روم،نسب والای ملکه ی اسلام حضرت نرجس خاتون علیها السّلام، بررسی جنگهای واقع شده در میان مسلمانان و قیصر روم،آمار و ارقام اسرای جنگی،تاریخ دقیق مبادله ی اسیران و کیفیّت انتقال یافتن حضرت نرجس خاتون از دربار قیصر روم به دودمان امامت و نبوّت.

۴.میلاد نور،گزارش دقیق تولّد نور،شاهدان نور،باریافتگان به حضور نور و تصریح ۲۰ تن از دانشمندان شیعه و ۲۰ تن از علمای عامّه به ولادت نور در نیمه ی شعبان ۲۵۵ هجری.

۵.ضرورت شناخت امام زمان علیه السّلام،بررسی دقیق و مستند حدیث شریف:«من مات و لم یعرف امام زمانه،مات میته جاهلیّه»:و نقل ۳۰ متن از دهها منبع مورد اعتماد و استناد شیعه و سنّی.

۶.او خواهد آمد،بررسی نویدهای موعود کعبه،در کتب یهود، نصاری،مجوس و دیگر کتب مقدّسه،گزارش بیش از ۶۰۰۰ حدیث صادره از معصومین علیهم السّلام و کتابنامه ی ۱۴۰ جلد کتاب مستقلّ پیرامون آن حضرت از علمای عامّه.

۱- ۱) .به سال ۱۴۱۸ ه.

۷.نقش امـام زمـان در جهان هستی،بررسـی رمز بقای نظام هستی از ریزترین موجودات(اتم)تا بزرگترین آنها(کهکشان)،جهت تشبیه امام غائب از نظر به خورشید پنهان در پشت ابر،و بررسی حدیث شریف:

«لو لا الحجّه لساخت الارض باهلها»:

«اگر یک لحظه حجّت خدا در روی زمین نباشد،زمین ساکنانش را در کام خود فرو برد».

بـه امیـد روزی کـه خورشـید فروزان جهـان هسـتی از پشـت ابرهـای غیبت طـالع گشـته،جهـان هسـتی را بـا فروغ رویش منـوّر ساخته،کاخ ستمگران را بر سرشان فروریخته،شالوده ی حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

حوزه ی علمیّه ی قم علی اکبر مهدی پور

ص:۲۲

گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور

مطلع نور

ماه پانزده شبه دامن خود را جمع کرده،میدان آسمان را ترک می گفت، و هاله ی آن با نمای اندوهباری همچون اشک از چشم آسمان می غلطید.

تاریکی اندام سنگین خود را به ماوراء افق ها می کشید و لحظه ای بعد در و دیوار شهر تاریخی«سامرا»نقاب سیاه ظلمت را کنار زده،سپیده دم پیشانی خود را به ریگزارهای تفتیده ی صحرا و گردنه ی تپّه ها می سایید.

نسیم صبحگاهی بوسه بر لب دجله و صورت نخلهای پیر و جوان می زد، گویی دنیا می خواست جلال و شکوه خاصی به خود بگیرد.

اوّلین اشعه ی طلایی روز،چون تیری خون آلود سینه ی سیاه افق را شکافت،صدای مؤذّن اوج گرفت و در همه جا طنین انداخت:

اللّه اکبر،اللّه اکبر

دروازه ی سحر باز شد،صحبی خجسته،روزی مبارک،روزی که با تمام روزها متفاوت بود.

ص:۲۳

هنوز نـدای عظمت خـداگوش جـان را نوازش می داد که در یکی از خـانه هـای «سامرا»طفلی به دنیا آمـد،که او هم بلافاصـله سرود عظمت خدا را به لب راند،انگشت سبّابه ی خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

الحمد للّه ربّ العالمین،و صلّی اللّه علی محمّد و آله (۱)

شادی و سـرور بر همه جا دامن کشـید و برق شـعف از دیـدگان مادر بیرون زد،پدر در حالی که موج نشاط از جام چشـمانش فرومی ریخت چنین گفت:

«الحمـد للّه الّـذی لم یخرجنی من الـدّنیا حتّی ارانی الخلف من بعـدی،اشـبه النّاس برسول اللّه خلقا و خلقا،یحفظه اللّه تبارک و تعالی فی غیبته،و یظهره،فیملأ الأرض قسطا و عدلا،کما ملئت جورا و ظلما»:

«سـپاس و سـتایش خداونـدی را که مرا زنـده نگه داشت،تا جانشـینم را که از منست و در سـیرت و صورت شبیه ترین مردم به رسول اکرم صـلّی اللّه علیه و آله و سلّم است،با چشم خود ببینم.خدایش او را در پشت پرده نگه می دارد،سپس او را ظاهر می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده است». (۲)

سخنان پدر بدینسان پایان یافت.آب در گلوی«حکیمه»(عمّه ی امام حسن عسکری علیه السّلام)خشکیده بود،و حیرت و تعجّب بر چهره ها نقش شگفت زده بود،نفس ها از سینه ها بیرون نمی آمد،و اشکی از شوق و

ص:۲۴

۱- ۱) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۴۵؛کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۳۰؛اعلام الوری،ج ۲،ص ۲۱۷.
۲- ۲) .کفایه الأثر،ص ۲۹۱؛کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۰۹.

تعجّب در چشمها گردش می کرد.

فضیلت و شرف همچون سایه ای سنگین بر سر مولود بال گسترده بود،و در سیمایش موجی از لبخند در دریای اشک شنا می کرد.

او هنوز در آغوش گهواره آرمیده بود،به«ابو نصر خادم»فرمود:

«مرا می شناسی؟من خاتم اوصیاء هستم،خداوند به وسیله ی من،بلاها را از اهل و شیعه ام دفع می کند». (۱)

غریو عظیم و روح بخشی که از دهانه ی گلویش بلند می شد،عظیم تر و شکوهمندتر از هرصدایی در جهان،امواج فریادش را پراکنده ساخت تا دنیا را زیر موج خویش نهان سازد.

کسی جرأت نمی کرد به نوزاد نزدیک شود،او دنیایی از عظمت را با خود آورده بود.

او پیش از آفتاب چشم به این جهان گشود،تا همیشه آفتاب را پشت سر قرار دهد.

بدین ترتیب تولّد شگفت انگیزترین انسان تحقّق یافت.و این لحظه ی پرشکوه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری اتّفاق افتاد. (۲)

او چند لحظه ی بعد غیبت ۷۴ ساله ی خود را که«غیبت صغری»نامیده می شود. (۳)آغاز کرد و دستی نیرومند در آستین غیبت فرو رفت.

۱- ۱) .کشف الغمّه،ج ۳،ص ۲۸۹.

۲- ۲) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۳۸،۲۳۴.

۳- ۳) .شیخ مفید تصریح می کند که«غیبت صغری»از روز تولّد حضرت ولیّ عصر-عجل اللّه-

در دوران غیبت صغری شیعیان می توانستند به توسّط نوّاب خاصّ آن حضرت:عثمان بن سعید،محمّد بن عثمان،حسین بن روح نوبختی و علی بن محمّد سمری پرسشها و مشکلات خود را به ناحیه ی مقدّسه برسانند و پاسخهای لازم را دریافت نمایند.ولی با درگذشت چهارمین نائب خاصّ در نیابت خاص بسته شد و شیعیان به دستور آن حضرت موظّف شدند که در مسائل شرعی به«نوّاب عام»یعنی مراجع تقلید مراجعه کرده،در رویدادها و مسائل اجتماعی به فتوای آنها عمل کنند. (1)

و بدین ترتیب حجّت خدا در پشت پرده ی غیبت پنهان گردید،تا روزی پس از سپری شدن غیبت کبری ظهور کند و به جنایت و خیانت انسانها خاتمه دهد و پرچم توحید را بر فراز کره ی خاکی به اهتزاز درآورد.

*

۱- ۱) .در مورد لزوم تقلید از مراجع عالیقدر مرحوم شیخ حرّ عاملی ۴۸ روایت با ذکر سند در کتاب شریف«وسائل الشّیعه»ج ۲۷،ص ۱۳۶-۱۵۳ آورده است.

پیوند نور

اشاره

در میـان میلیونهـا بـانوی پرده نشـین که در نیمه ی قرن سوّم هجری در شـرق و غرب جهـان در سـراپرده ی عفّت و پاکی جای داشـتند،آفریـدگار جهـان تنهـا در یکی از آنان این لیاقت و شایسـتگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد،به سراپرده ی خاندان عصمت و طهارت راه یابد،و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد.

جـالبتر این که این بـانوی بی همتـا،ملکه ی دو سـرا،مـادر یوسف زهرا،و وعاء نور خـدا،دخت یشوعا،از تبار حواریّون حضـرت عیسی-علی نبیّنا و آله و علیه السّلام-انتخاب شده است.

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادر فرمانروای جهان هستی حضـرت حجّه ابن الحسن المهدی-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده بود.

آنجا که کسری و قیصر درهم می آمیزد:

فرعون دهها هزار کودک را سربرید تا از تولّد حضرت موسی علیه السّلام

ص:۲۷

جلو گیری کند،ولی خدا خواست که حضرت موسی در خانه ی فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او درهم پیچد.

کسری و قیصر نیز قرنها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند،ولی خدا خواست که درهم کوبنده ی اکاسره و قیاصره از تبار کسری و قیصر باشد،و اینک به دو حدیث زیر توجه فرمائید:

۱.یزدگرد به هنگام فرار از مداین-پس از جنگ قادسیّه-در برابر ایوان مداین ایستاد و گفت:«ای ایوان خداحافظ،من رفتم ولی به سوی تو باز می گردم،خودم و یا یکی از فرزندانم،که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است».

سلیمان دیلمی می گوید:«به خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

تعبیر«یا یکی از فرزندانم»در گفتار یزدگرد چیست؟فرمود:

«ذلک صاحبکم القائم بأمر اللّه-عزّ و جلّ-السّادس من ولدی،قد ولّده یزدجرد فهو ولده»:

«مقصود از او صاحب شما حضرت قائم علیه السّلام است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد،او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است». (۱)

با توجّه به این که«شهربانو»دختر یزدگرد مادر امام سجّاد علیه السّلام است (۲)حضرت بقیّه اللّه-ارواحنا فداه-از تبار«یزدگرد»آخرین پادشاه ساسانی، (متوفّای ۳۱ هجری)می باشد.

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۱۶۴.

۲- ۲) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۱۵۱.

۲.هنگامی که از امام رضا علیه السّلام پرسیدند:«قائم آل محمّد چه کسی است؟»فرمود:

«الرّابع من ولدی،ابن سیّده الاءماء»:

«او چهارمین فرزند از تبار منست،او فرزند بانوی کنیزان است». (۱)

و هنگامی که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند:«قائم آل محمّد کیست؟» فرمود:

«یا با بصیر،هو الخامس من ولد ابنی موسی،ذلک ابن سیّده الاءماء»:

«ای ابا بصیر،او پنجمین فرزند از تبار پسرم موسی(بن جعفر) است،او پسر بانوی کنیزان است». (۲)

هنگامی که امام صادق و امام رضا علیهما السّلام از مادر حضرت بقیّه اللّه-ارواحنا فداه-سخن می گفتند،حضرت نرجس خاتون هنوز به دنیا نیامده بود،و شاید پدرش«یشوعا»نیز دیده به جهان نگشوده بود.

*

نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون

مورّخان برای آن ملکه ی دوسرا،و همسر بی همتای امام عسکری علیه السّلام نه اسم نوشته اند:

۱- ۱) .اعلام الوری،ج ۲،ص ۲۴۱.

۲- ۲) .بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۱۴۶.

ملیکه،حکیمه،سبیکه،نرجس،سوسن،مریم،ریحانه، خمط و صقیل (۱)

تعدّد اسامی معمولا به جهت شخصیّت فوق العاده ی صاحب نام است، چنانکه امام صادق علیه السّلام به هنگام شمارش مناقب حضرت زهرا علیها السّلام می فرماید:

برای حضرت فاطمه در نزد خداوند متعال نه اسم است:فاطمه، صدّیقه،مبارکه،طاهره،زکیّه،رضیّه،مرضیّه،محدّثه و زهرا. (۲)

به هنگام ولادت،پدر و مادرش او را«ملیکه»نام نهادند (۳)ولی آنها غافل بودند که چه اسمی با مسمّی برای فرزند خود برگزیده اند،و او روزی ملکه ی دوسرا خواهد بود،او به حقّ شایسته ی این نام است.

هنگامی که او به اسارت مسلمانان درآمد خود را«نرجس»معرّفی نمود (۴)تا احدی از اسرار او آگاه نشود،و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد.

چون به خاندان عصمت و طهارت راه یافت او را با نامهای مختلفی صدا زدند تا جاسوسان خلیفه ی عبّاسی بر شرافت نسب او واقف نشوند و متوجّه نشوند که او همان صدف سیمین آفرینش است که یکتا گوهر جهان خلقت از او خواهد بود.

۱- ۱) .روزگار رهائی،ج ۱،ص ۱۷۷.

۲- ۲) .امالی شیخ صدوق،ص ۴۷۴.

۳- ۳) .دلائل الامامه،ص ۴۹۲؛غیبت طوسی،ص ۲۱۰.

۴- ۴) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۲۳؛روضه الواعظین،ج ۱،ص ۲۵۵.

و اینک نگاهی گذرا بر اسامی گرامی آن حضرت:

۱.«نرجس»:نام گلی از رده ی تک لپه ییها،و سردسته ی گیاهان تیره ی نرگسی می باشد،که گلهایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد و به جهت زیبایی فوق العاده اش چشم معشوق را به آن تشبیه می کنند. (۱)

گل حضرت نرجس خاتون نیز در جهان خلقت منفرد است و در انتهای این جهان قرار دارد و همه ی عاشقان در آرزوی گوشه ی چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می برند،به یادش زنده اند و در فراقش جان می سپارند.

۲.«سوسن»:نیز گلی فصلی و دارای گلهای زیبا و درشت به رنگهای مختلف است.اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست. (۲)

اما گل جناب سوسن،گل همیشه بهار است که گذشت زمان و موسم خزان هرگز از طراوت او نکاهد،و اصل او از جهان علوی است و نور مقدّسش از اشعّه ی انوار قدسی است،چنانکه پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تعبیر می فرماید:

«بأبی و امّی سمیّی،و شبیهی و شبیه موسی بن عمران، علیه جیوب النّور یتوقّد من شعاع القدس»:

«پدر و مادرم به فدای او باد که همنام منست و شبیه من و شبیه حضرت موسی بن عمران است،هاله ای از نور گرداگرد او را فراگرفته،اشّعه ی انوار قدسی از او ساطع است». (۳)

ص:۳۱

۱- ۱) .فرهنگ معین،ج ۴،ص ۴۷۰۲.

۲- ۲) .همان،ج ۲،ص ۱۹۵۴.

۳- ۳) .کفایه الاثر،ص ۱۵۹.

نسب او از طرف پدر به شرق و از طرف مادر به غرب منتهی می گردد.

۳.«سبیکه»:طلای ناب و نقره ی خالص را گویند که پس از گداخته شدن،ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره ی خالص به صورت شمش در قالبها ریخته شود. (۱)

او در پایتخت بیزانس در عشق امام عسکری علیه السّلام گداخته شد و همه ی ناخالصی های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا علیها السّلام از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد.

۴.«حکیمه»:بانوی دانشمند،فیلسوف و فرزانه را گویند.و او بانوی فرزانه ای است که علم و حکمت را نخست در پایتخت بیزانس از معلّم خصوصی و عرب زبان فراگرفته، (۲)سپس فرائض دینی و سنن اسلامی را از پیشگاه«حکیمه»دخت گرامی امام جواد علیه السّلام آموخته است. (۳)

۵.«ملیکه»:به معنای ملکه و شهبانوست،و او مادر فرمانروای جهان هستی است،که همه ی سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می سایند.

۶.«مریم»:نام مادر گرامی حضرت عیسی علیه السّلام است،و او مادر منجی جهان بشریّت است،که حضرت عیسی علیه السّلام،به اتّفاق علمای شیعه و سنّی به او اقتدا کرده در پشت سرش به نماز خواهد ایستاد. (۴)

۷.«ریحانه»:هر گیاه خشبو و معطّر،دسته ی ریحان،دسته ی

۱- ۱) .لسان العرب،ج ۶،ص ۱۶۲.
۲- ۲) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۱۳؛کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۲۳.
۳- ۳) .دلائل الامامه،ص ۴۹۶؛بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۱۰.
۴- ۴) .مصنّف ابن ابی شیبه،ج ۱۵،ص ۱۹۸(حدیث ۱۹۴۹۵).

شاهسپرغم،صعتر هندی،روزی،رحمت،و نوری را گویند که در اثر ریاضت در انسان حاصل شود. (1)

وه چه نامی مناسب با مادر ریحانه ی وجود،که همه ی جهان معطّر از عطر او،هر غمی زدوده با یک نگاه او،هر دردی شفا یافته از صعتر کوی او،جمله خلایق بر سر سفره ی عام او،جهان هستی به طفیل عنایت او،و مهر و ماه منوّر از فروغ روی او.

۸.«خمط»:نام درختی است که میوه ی خوردنی دارد،و به هرچیز تازه و خشبو،و به دریای خروشان گفته می شود. (2)و همه ی این تعبیرات با آن بانوی بی همتا تناسب دارد.

۹.«صقیل»:هر شیء نورانی،صیقلی و جلا داده شده را می گویند.شیخ طوسی و شیخ صدوق می فرمایند:«پس از آنکه حضرت نرجس خاتون به ولیّ عصر-ارواحنا فداه-حامله شد او را صقیل نام نهادند». (3)

علاّمه ی مجلسی پس از نقل فراز بالا از شیخ صدوق،می فرماید:

«نرجس خاتون پس از آنکه به آن وجود نورانی حامله شد، هاله ای از نور و ضیاء او را فراگرفت،آنگاه به جهت این نورانیّت فوق العاده او را صقیل نام نهادند». (4)

اگر بنا باشد نور فاطمه ی زهرا علیها السّلام در پیشانی حضرت خدیجه علیها السّلام

ص:۳۳

۱- ۱) .فرهنگ معین،ج ۲،ص ۱۷۰۲.

۲- ۲) .لسان العرب،ج ۴،ص ۲۲۰.

۳- ۳) .غیبت طوسی،ص ۳۹۳؛کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۳۲.

۴- ۴) .بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۱۵.

هویدا باشد،نور یوسف زهرا چرا در پیشانی حضرت نرجس خاتون ساطع نباشد؟درحالی که او نور یزدان و مهر فروزان است و به هنگام تولّد نوری از او ساطع شده که همه ی اطراف و اکناف جهان را تا آفاق آسمان روشن نموده است!! (۱)

و اینک در پی آنیم که ببینیم ریحانه ی قیصر چگونه ریحانه ی پیمبر شد؟!و این همه راه دور و دراز را از هفت تپه ی قسطنطنیّه تا کرانه های سامرا چگونه پیمود؟و سرانجام تعلّقات خود را از خاندان قیصر چگونه گسست و به دودمان پیامبر پیوست؟!

*

گزارش نور

گزارش دقیق و مستند از حوادث شگفت در امپراطوری روم،و مسافرت پرماجرای ملکه ی دو سرا،از کرانه های دریای مرمره تا ساحل سامرا را در ضمن حدیثی مورد اعتماد و استناد،از زبان آن خاتون دو جهان می شنویم:

شیخ صدوق در کمال الدّین،شیخ طوسی در غیبت،طبری در دلائل الامامه،ابن شهر آشوب در مناقب،نیلی در منتخب،ابن فتّال نیشابوری در روضه،شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداه،سیّد هاشم بحرانی در حلیه الأبرار و علاّمه ی مجلسی در بحار،مشروح این گزارش را از بشر بن سلیمان،از اصحاب امام هادی علیه السّلام روایت کرده اند،که ما متن کامل گزارش را از دو

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۳۱.

سند نخستین،کمال الدّین و غیبت،ترجمه و نقل می کنیم:

بشر بن سلیمان نخّاس،از نسل«ابو ایّوب انصاری»که از اصحاب و ارادتمندان امام هادی و امام عسکری علیهما السّلام بود و به خرید و فروش غلام و کنیز اشتغال داشت،می گوید:

سرور من ابو الحسن،حضرت هادی علیه السّلام،احکام مربوط به خرید و فروش بردگان را به من آموخته بود،من نیز معمولا بدون اجازه ی ایشان خرید و فروش نمی کردم،و از موارد شبهه اجتناب می کردم.کم کم در این زمینه شناخت من کامل شد و موارد حلال را از موارد شبهه ناک شناختم.

شبی در سامرا در خانه ام،که در نزدیکی منزل امام هادی علیه السّلام قرار داشت،نشسته بودم،پاسی از شب گذشته بود که در خانه ام کوبیده شد.

شتابان به سوی در خانه رفتم و در را گشودم،«کافور»خادم و فرستاده ی امام هادی علیه السّلام بود که مرا به حضور ایشان فراخواند.

لباس پوشیده به خدمت آن حضرت شتافتم،چون وارد خانه شدم دیدم که با فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السّلام مشغول گفتگو است،و خواهرش حکیمه پشت پرده قرار داشت.

همین که نشستم فرمود:«ای بشر تو از اعقاب انصار هستی،محبّت و دوستی ما همواره در دلهای شما پایدار بود،و هرنسلی از شما محبّت و مودّت ما را از نسل پیشین به ارث برده است.و اینک من می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم و ترا دنبال کاری بفرستم،و از این طریق با فضیلت ویژه ای ترا گرامی بدارم،که در این فضیلت گوی سبقت را از همه ی شیعیان ببری».

آنگاه نامه ی ظریفی را به زبان رومی و به خطّ رومی نوشت و مهر خویش را بر آن زد.سپس چنته ی زردی را بیرون آورد که در آن ۲۲۰ دینار

بود.نامه و چنته را به من داد و فرمود:

اینها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهر فلان روز در گذرگاه«فرات»حضور پیدا کن. (۱)

هنگامی که قایقهای حامل بردگان رسید و کنیزان پیاده شدند،گروه بسیاری از خریداران را مشاهده می کنی که از طرف فرماندهان عبّاسی دور آنها را گرفته اند،در آن میان تعداد اندکی نیز از جوانان عرب را می بینی که به قصد خرید حضور یافته اند.

تو در آن روز از دور مواظب برده فروشی به نام:«عمرو بن یزید» (۲)باش،تا هنگامی که کنیزی را با این خصوصیّات،درحالی که دو جامه ی حریر تازه،خوشرنگ و درشت بافت بر تن دارد،برای فروش عرضه کند.

خواهی دید آن کنیز اجازه نمی دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره اش بازگیرد،یا جامه از تنش کنار زند،و یا اندامش را لمس کند.

در آن هنگام برده فروش درصدد آزار او برمی آید و او سخنی به زبان رومی می گوید و فریاد برمی آورد.معنای سخنان او اینست که از حال خود شکوه می کند و از کشف حجابش برحذر می دارد.

در این هنگام یکی از خریداران خواهد گفت:«من این کنیز را به سیصد دینار می خرم،زیرا عفّت و پاکدامنی او موجب رغبت شدید من شده است».

و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت:«اگر در جامه ی حضرت

---

۱ – ۱) .آقای قزوینی به جای«فرات»:«صراه»تعبیر نموده(الامام المهدی،ص ۱۲۰)و آن نام دو رودخانه در بغداد بود[معجم البلدان،ج ۳،ص ۳۹۹].

۲ – ۲) .در کمال الدّین و نسخ چاپی غیبت طوسی«عمر»ثبت شده،ولی در دلائل الامامه و نسخ خطی غیبت طوسی«عمرو»آمده است.

سلیمان و بر فراز تخت شاهی ظاهر شوی،من رغبتی به تو نخواهم داشت، و لذا مالت را بیهوده خرج نکن».

برده فروش بـه آن کنیز خواهـد گفـت:«چـاره چیسـت؟نـاگزیر ترا بایـد فروخت».کنیز در پاسـخ می گویـد:«اینهمه شـتاب برای چیست؟باید خریداری باشد که دل من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او اعتماد کنم».

در این هنگـام تـو برخیز و پیش عمرو بن یزیـد برده فروش برو،و به او بگو:«من نـامه ی دلگرم کننـده ای را از یکی از اشـراف همراه دارم،که آن را به زبان رومی و به خط رومی نوشته،و در آن کرم و وفا و خرد و سخای خود را منعکس نموده است،این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و اخلاق و رفتار نویسـنده اش را در لابلای سطور آن جستجو نماید،اگر به نویسنده ی آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی،من از طرف نویسنده ی نامه وکالت دارم که او را از تو خریداری کنم».

بشـر بن سـلیمان می گوید،من همه ی دسـتورات سـرور خودم امام هادی علیه السّـلام را به طور کامل انجام دادم،همین که آن کنیز در نامه نگریست به شدّت گریست و به«عمرو بن یزید»گفت:

«بایـد مرا به نویسـنده ی این نـامه بفروشـی».و سوگنـد یاد کرد که اگر از فروختن او به صاحب نامه خودداری کنی در معرض تلف قرار خواهد گرفت.

آنگاه من در مورد قیمت کنیز با برده فروش وارد مذاکره شدم و سـرانجام به همان مبلغی که مولایم در چنته همراه من فرستاده بود به توافق رسیدیم.

آنگاه آن بانو را درحالی که شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به خانه ای که در بغداد آمدوشد داشتم بردم.

ص:۳۷

آن بانو از شدّت خوشحالی آرام نداشت،نامه ی امام هادی علیه السّلام را بیرون می آورد،آن را می بوسید و بر صورت خود می نهاد و دست بر آن می کشید.

با شگفتی به او گفتم:«نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟!!».

آن بانو پاسخ داد:ای عاجز و ناتوان از شناخت مقام اولاد پیامبران، خوب گوش کن و به گفتارم دل بسپار تا به حقیقت راه یابی:

سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون

من«ملیکه»دختر«یشوعا»پسر قیصر رومم،مادرم از تبار حواریّون است و نسب من از طرف مادر به«شمعون»وصیّ حضرت مسیح-علیه السّلام-می رسد.

من اکنون ترا از یک حادثه ی وحشت انگیز و شگفت آور آگاه می سازم:

هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت،پدربزرگم قیصر تصمیم گرفت که مرا به عقد برادرزاده ی خود درآورد.

سیصد تن از اعقاب حواریّون که همگی کشیش و راهب بودند را گرد آورد،و هفتصد تن از دیگر کشیشان که از موقعیّت ویژه ای برخوردار بودند فراخواند،آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سپاه و امیران لشکرها و سرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال ویژه ی خود تختی مرصّع و مزیّن به انواع جواهرات بیاراست و آن را در حیات کاخ و بر فراز چهل پایه قرار داد.

اجتماعی نافرجام

چون برادرزاده اش بر فراز آن تخت قرار گرفت و صلیبها را در گرداگرد

او بگردانیدند،و اسقفها به حال تعظیم برخاستند و اوراق اناجیل را بگشودند،و مهیّا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند،ناگهان همه ی صلیبها سرنگون شدند،پایه های تخت به لرزه درآمد و فروریخت،آن جوان که بر فراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد.

رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد،و اسقف اعظمشان به پدر بزرگم گفت:

«پادشاها:ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش در آمد نابودی آیین مسیحیّت و شیوه ی امپراطوری است معذور بدار».

پدربزرگم که شدیدا از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بد زده بود،به کشیشان گفت:

«این پایه را استوار سازید و این صلیبها را یکبار دیگر برپا دارید،آنگاه دیگر برادر این داماد نگون بخت را فراخوانید،تا این دختر را به ازدواج او درآورم،تا این نحوست با فرخندگی او برطرف شود».

بار دیگر که مجلس بیاراستند و فرمان او را به کار بستند نظیر همان حوادث وحشتناك به وقوع پیوست،همه وحشت زده پراکنده شدند، و پدربزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرمسرا رفت و پرده ها را بیاویخت.

رؤیائی سرنوشت ساز

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد:

در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و گروهی از حواریّون در

کاخ پدربزرگم گرد آمده اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می ساید.

این منبر را درست در نقطه ای گذاشته بودند که پدربزرگم تختش را در آنجا قرار داده بود.

در آن هنگام حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با وصیّ و داماد خود-امیر مؤمنان- و گروهی از فرزندانش وارد شدند.

حضرت مسیح پیش رفت و حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را در آغوش کشید.

آنگاه رسول اکرم به حضرت مسیح فرمود:«ای روح اللّه!من آمده ام که از وصیّ تو«شمعون»دخترش«ملیکه»را خواستگاری کنم.و با دست خود به سوی:«ابو محمّد»پسر نویسنده ی این نامه اشاره فرمود.

حضرت عیسی علیه السّلام به سوی شمعون نگریست و فرمود:

«ای شمعون،شرف و فضیلت به سوی تو روی آورده است، خاندان خود را با خاندان آل محمّد پیوند بزن».شمعون گفت:

«اطاعت می کنم».

در آن هنگام رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر فراز منبر تشریف بردند،خطبه ای ایراد فرمودند و مرا به همسری فرزند خویش درآوردند.

حضرت عیسی،حواریّون و فرزندان رسولخدا گواهان عقد بودند.

هنگامی که از این رؤیای طلایی بیدار شدم،ترسیدم که اگر خواب را با پدر و پدربزرگم در میان بگذارم مرا بکشند،و لذا آن را پوشیده داشتم و برای آنان بازگو نکردم.ولی سینه ام چنان از محبّت«ابو محمّد»آکنده شد که دیگر میل به خوراک را از دست دادم،و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم.

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز اینکه پدربزرگم برای معالجه ی من فراخواند ولی نتیجه نداشت.

چون پدربزرگم از معالجه ی من مأیوس شد،از روی شفقّت به من گفت:

«ای نور دیده ام،آیا خواهش و آرزویی در دل داری؟که در این دنیا برای تو فراهم کنم؟».

گفتم:«پدر جان!درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم،ولی اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمان که در زندان تو هستند بند و زنجیر بردارند و از شکنجه ی آنان دست نگهدارند و بر آنان منّت نهاده فرمان آزادی آنها را صادر کنی،امیدوارم که حضرت مسیح و مادرش حضرت مریم سلامتی را به من ارزانی دارند».

چون پدربزرگم خواسته ام را برآورد تلاش کردم که خود را سالم تر نشان دهم،و اندکی خوراک تناول کردم،پدربزرگم خوشحال شد و محبّت بیشتری در مورد اسیران مبذول داشت.

دوّمین رؤیا

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین،در عالم رؤیا دیدم که سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه علیها السّلام درحالی که حضرت مریم و هزار تن از خدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی می کردند،به دیدار من تشریف فرما شدند.

حضرت مریم به من فرمود:

«این بانوی دو جهان،و مادر شوهرت ابو محمّد است».

ص:۴۱

من به دامن حضرت فاطمه علیها السّلام آویختم و گریستم،و از این که ابو محمّد به دیدار من نمی آید شکوه کردم.

حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود:

«تا هنگامی که تو مشرک هستی پسرم ابو محمّد به دیدار تو نخواهد آمد،این خواهرم مریم دخت عمران است که از آیین تو به پیشگاه حضرت احدیّت بیزاری می جوید.اکنون اگر خواهان خشنودی خدا و مسیح و مریم هستی،و اشتیاق دیدار ابو محمّد را داری،بگو:«اشهد ان لا اله الاّ اللّه،و اشهد انّ محمّدا رسول اللّه».

چون این دو گواهی را به زبان راندم،حضرت فاطمه علیها السّلام مرا به سینه ی خود چسبانید و مرا دلشاد ساخت و فرمود:«از حالا انتظار دیدار ابو محمّد را داشته باش،من او را به نزد تو خواهم فرستاد».

بیدار شدم و در انتظار دیدار ابو محمّد ثانیه شماری می کردم و با خود می گفتم:«وه چقدر به دیدار ابو محمّد اشتیاق دارم». (۱)

شب بعد او را در خواب دیدم و به محضرشان عرض کردم:«ای حبیب من،پس از آنکه در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این راه جانم در معرض تلف قرار گرفت،بر من جفا کردی و این مدّت به دیدار من نیامدی».

۱- ۱) .این جمله ترجمه ی:«وا شوقاه الی لقاء ابی محمّد»است که از نسخه های کمال الدّین و غیبت طوسی افتاده،و ما آن را از«دلائل الامامه»ص ۴۹۶ و«منتخب الأنوار المضیئه» ص ۵۸ آوردیم.

فرمود:

«تأخیر من در دیدار تو به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی اسلام آوردی،همه شب به دیدار تو خواهم آمد،تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند»

از آن شب تاکنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است.

شاهزاده و اسارت!

بشر می گوید:به او گفتم:پس چگونه اسیر شدی؟!گفت:

در یکی از شبها«ابو محمّد»در خواب به من فرمود:«در همین ایّام -فلان روز-پدربزرگت لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می دارد،خود نیز از پی لشکریان روان می شود،تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران همراه دیگر زنها از فلان راه به آنها بپیوند».

من فرمان او را اطاعت کردم،ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند، من هم اسیر شدم،بدون اینکه کسی تاکنون متوجّه شده باشد که من نوه ی قیصر امپراطور روم هستم.جز تو،که اکنون خودم برایت بازگو کردم.

کسی که من در سهم او قرار گرفتم،چون از نام من پرسید،نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم:«نرگس»،گفت:آری از نامهای کنیزان است.

بشر می گوید:به او گفتم:عجیب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجه ی عربی سخن می گوئید!

گفت:«آری پدربزرگم از شدّت علاقه ای که به تعلیم و تربیت من داشت، و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم،به یکی از بانوانی که مترجم او

بود دستور داد که هرروز بامـدادان و شامگاهان به پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد.و بدین گونه زبان عربی را فراگرفتم و زبانم به آن گویا شد».

دختر قیصر در دودمان پیمبر

بشر می گوید:چون او را به سامرا و حضور مولایم ابو الحسن امام هادی علیه السّلام بردم،آن حضرت به او فرمود:«عزّت اسلام،ذلّت مسیحیت، و شرف خاندان عصمت و طهارت را چگونه یافتی؟»عرض کرد:«ای پسر رسولخدا،چیزی را که شما از من به آن آگاهتر هستید چگونه برای شما وصف کنم؟».

امام هادی علیه السّلام فرمود:«می خواهم به تو پاداشی بدهم،آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوشتر است یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است؟».

عرضه داشت:«مژده ی فرزند برای من».

فرمود:

«ابشری بولد یملك الدّنيا شرقا و غربا،و یملأ الأرض قسطا و عدلا،کما ملئت ظلما و جورا»:

«مژده باد تو را به فرزندی که خاور و باختر گیتی را به ملك خویش درآورد و جهان را از عدل و داد آکنده سازد،پس از آنکه از ظلم و ستم آکنده باشد». (۱)

۱- ۱) .غیبت طوسی،ص ۲۱۴؛کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۲۳؛دلائل الامامه؛ص ۴۹۵؛مناقب ابن شهر آشوب،ج ۴،ص ۴۷۴.

نرجس خاتون پرسید:«پدر این مولود فرخنده کیست؟».

فرمود:«همان که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در فلان شب از فلان ماه از فلان سال-رومی-ترا برای او خواستگاری کرد».

پرسید:از حضرت مسیح و وصیّ او؟

فرمود:آری،حضرت مسیح و وصیّ او ترا به عقد چه کسی در آوردند؟

عرضه داشت:«فرزند گرامی شما ابو محمّد علیه السّلام».

فرمود:او را می شناسی؟

گفت:«چگونه نشناسم در حالی که از شبی که به دست بانوی بانوان جهان(حضرت زهرا علیها السّلام)به شرف اسلام مشرف شده ام،شبی نگذشته که به دیدار من نیامده باشد».

ملیکه در مکتب حکیمه

در آن هنگام حضرت هادی علیه السّلام به خدمتکار خود«کافور»فرمودند:

«خواهرم حکیمه را فراخوان».

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی علیه السّلام شرفیاب شد به او فرمود:

«هاهیه»:یعنی«این همان بانوی معهود است».

حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی فرمود.

آنگاه امام هادی علیه السّلام فرمود:«ای دختر رسولخدا،او را به خانه ی خود ببر،فرائض دینی و سنن اسلامی را به او بیاموز،که او همسر

ابو محمّد،و مادر حضرت قائم-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-می باشد». (۱)

*

چند نکته

اشاره

در پایان بخش گزارش نور یادآوری چند نکته را در این زمینه لازم می دانم:

۱.گزارشگر گزارش نور

گزارشگر این گزارش شگفت انگیز«بشر بن سلیمان نخاس»از شیعیان خالص امام هادی و امام عسکری علیهما السّلام و مورد وثوق و اعتماد آن دو امام همام می باشد،که امام هادی علیه السّلام او را برای چنین مأموریّت حسّاسی برگزیده است.

علاّمه ممقانی در رجال خود او را ستوده،و بر وثاقتش تأکید نموده است. (۲)

شیخ طوسی و شیخ صدوق بر این روایت اعتماد نموده،در کتابهای خود آن را نقل کرده اند. (۳)

محدّثان و مورّخان بعدی نیز به استناد روایت شیخ طوسی و شیخ صدوق،این روایت را در کتابهای خود آورده اند. (۴)

---

۱ - ۱) .غیبت طوسی،ص ۲۰۸-۲۱۴؛کمال الدّین صدوق،ج ۲، ص ۴۱۷-۴۲۳؛دلائل الامامه،ص ۴۹۰-۴۹۶؛مناقب ابن شهر آشوب،ج ۴،ص ۴۷۲-۴۷۴؛روضه الواعظین، ج ۱،ص ۲۵۲-۲۵۵؛اثبات الهداه،ج ۳،ص ۳۶۳-۳۶۵ و ۴۰۸-۴۰۹؛بحار الأنوار، ج ۵۱،ص ۶-۱۰؛حلیه الابرار،ج ۵،ص ۱۴۱-۱۴۹؛منتخب الانوار المضیئه،ص ۵۱-۶۰.

۲- ۲) .تنقیح المقال،ج ۱،ص ۱۷۳.

۳- ۳) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۰۸؛کمال الدّین صدوق،ج ۲،ص ۴۱۷.

۴- ۴) .مناقب ابن شهر آشوب،ج ۴،ص ۴۷۲؛اثبات الهداه،ج ۳،ص ۳۶۳؛بحار الأنوار،ج ۵۱ ص ۶.

۲.دخت یشوعا

در مورد نسب نرجس خاتون و اینکه او دختر یشوعا پسر امپراطور روم است،علاوه بر حدیث فوق حدیث دیگری از امام عسکری علیه السّلام داریم،که آن را فضل بن شاذان قبل از تولّد حضرت بقیّه اللّه-ارواحنا فداه-با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت کرده اند،و اینک متن حدیث:

فضل بن شاذان از محمّد بن عبد الجبّار روایت می کند که گفت:به محضر سرورم امام حسن عسکری علیه السّلام عرض کردم:ای پسر رسول خدا، جانم به فدایت باد،من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجّت خدا بر بندگان کیست؟فرمود:

«انّ الامام و حجّه اللّه من بعدی ابنی،سمیّ رسول اللّه و کنیّه الّذی هو خاتم حجج اللّه و آخر خلفائه»:

«امام و حجّت خدا بعد از من فرزند منست،که همنام رسول خدا و هم کنیه ی آن حضرت است،او پایان بخش حجج الهی و آخرین خلیفه از خلفای پروردگار است».

پرسیدم:مادرش چه کسی خواهد بود،ای پسر رسول خدا؟فرمود:

«من ابنه ابن قیصر ملک الرّوم،ألا انّه سیولد،و یغیب عن النّاس غیبه طویله ثمّ یظهر»:

«از دختر پسر قیصر،نوه ی امپراطور روم،آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولّد می شود،مدّتی بس طولانی در پشت

پرده ی غیبت از مردم عزلت می گزینند،سپس ظاهر می شود». (۱)

این حدیث قبل از تولّد حضرت بقیّه اللّه-ارواحنا فداه-از امام حسن عسکری علیه السّلام صادر شده و شخصیّت مورد اعتماد و استنادی چون فضل بن شاذان آن را در کتاب گرانقدر«اثبات الرّجعه»درج کرده،و میان فضل بن شاذان و امام حسن عسکری،فقط یک واسطه است،و او محمّد بن عبد الجبّار است،که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است. (۲)

این حدیث در حدّ اعلای صحّت است و می تواند بر استحکام حدیث «بشر بن سلیمان»بیفزاید و آن را بیش از پیش مورد اعتماد و استناد قرار دهد.

روی این بیان هیچ تردیدی نیست که حضرت نرجس خاتون دخت یشوعا،فرزند قیصر،و نوه ی امپراطور روم هستند.

۳.یشوعا،یا یسوعا؟

نام پدر نرجس خاتون در اکثر منابع حدیثی:«یشوعا»ذکر شده، (۳)ولی طبری آن را«یسوعا»ثبت کرده است. (۴)

«یسوع»در عبری به معنای نجات دهنده است و در انجیل پنجاه مرتبه

۱- ۱) .اثبات الهداه،ج ۳،ص ۵۶۹(حدیث ۶۷۹)؛مختصر اثبات الرّجعه-مخطوط-حدیث نهم؛کفایه المهتدی-مخطوط-حدیث ۲۸؛گزیده ی کفایه المهتدی،ص ۱۳۳؛کشف الحق، ص ۱۵ و ۱۴۹؛مستدرک وسائل،ج ۱۲،ص ۲۸۰.
۲- ۲) .رجال شیخ طوسی،ص ۴۲۳ و ۴۳۵.
۳- ۳) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۲۰؛غیبت طوسی،ص ۲۱۰؛مناقب ابن شهر آشوب،ج ۴، ص ۴۷۳؛حلیه الأبرار،ج ۲،ص ۱۴۵.
۴- ۴) .دلائل الإمامه،ص ۴۹۲.

یسوع به کار رفته و منظور از آن حضرت عیسی علیه السّلام است،و در زبان عبرانی بین«یسوع»و«یشوع»و«یوشع»فرقی نیست و هرسه به یک معنا می باشند. (۱)

بنابراین«یشوعا»یک نام مسیحی،برگرفته از«یشوع»به معنای نجات دهنده و معادل«یوشع»می باشد.

اما«یسوعان»فرقه ای از مسیحان هستند که به سه اصل:تقوی،فقر و اطاعت از پاپ معتقدند. (۲)

۴.پدر یشوعا کیست؟

اکنون نوبت آن رسیده ببینیم قیصری که پدر یشوعا می باشد،کیست؟و نام او چیست؟

اگر سن شریف حضرت نرجس خاتون را به هنگام تولد حضرت ولی عصر-ارواحنا فداه-،پانزده فرض کنیم،تاریخ ولادت ایشان با ۲۴۰ ه.منطبق می شود.و اگر سنّ پدرش«یشوعا»را به هنگام تولد نرجس خاتون بیست سال فرض کنیم،تاریخ تولد او با سال ۲۲۰ ه.منطبق می شود.سال ۲۲۰ هجری با سال ۸۳۵ میلادی تطبیق می شود. (۳)

با نگاهی گذار به تاریخچه ی امپراطوری روم جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که امپراطور روم در آن روزگار«تئوفیل»پسر میخائیل دوم (جل.۸۲۰-۸۲۹ م)بود.

ص:۴۹

۱- ۱) .قاموس کتاب مقدس،ص ۹۵۱-۹۵۲.

۲- ۲) .فرهنگ معین،ج ۵،ص ۲۳۳۵.

۳- ۳) .تقویم تطبیقی،ص ۴۴.

تئوفیل،سی و پنجمین امپراطوری روم بود،که بعد از مرگ پدرش «میخائیل دوم»به سال ۸۲۹ م.(-۲۱۴ ه.)تاج و تخت بیزانس را تصاحب کرد،به مدت ۱۴ سال سلطنت کرد،سرانجام در سال ۸۴۲ م.

(-۲۲۷ ه.)یعنی در همان سالی که الواثق باللّه عباسی به خلافت رسید، او درگذشت و تاج سلطنت را به پسرش میخائیل سوم و همسرش تئودره به ارث گذاشت. (۱)

همه ی کسانی که سیره ی حکومتی تئوفیل را نوشته اند،از او به خوبی یاد کرده اند.

ویل دورانت در ضمن شرح رخدادهای امپراطوری روم می نویسد:

«تئوفیلوس(۸۲۹-۸۴۲ م.)مصلح قوانین،امپراطورآباد کننده،و مدیر باوجدانی که رسم تمثال شکنی(بت شکنی)را زنده کرد و بر اثر ابتلاـ به اسهال خونی درگذشت.بیوه اش «تئودوره»به عنوان نایب السلطنه ای قابل(۸۴۲-۸۵۶ م.) به آزار و اذیت مردم پایان داد». (۲)

استاد معین نیز در این رابطه می نویسد:

«وی برای استقرار عدالت بیرحمانه کوشید،سرداری عالیقدر بود و موجب توسعه ی امپراطوری گردید». (۳)

تئوفیل در مدت ۱۴ سال امپراطوری خود با مأمون و معتصم معاصر بود،

ص:۵۰

۱- ۱) .المختصر فی تاریخ البشر،ج ۲،ص ۳۵.
۲- ۲) .تاریخ تمدن،ج ۴،ص ۵۵۰.
۳- ۳) .فرهنگ معین،ج ۵،ص ۳۷۷.

در سال ۲۱۷ ه.با مأمون درگیر شد (۱)و به سال ۲۲۳ ه.با معتصم. (۲)

مورخان تصریح کرده اند که به هنگام درگذشت«تئوفیل»پسرش «میخائیل»خردسال بود،و لذا همسرش«تئودره»صاحب تخت و تاج شد. (۳)

پس از تحقیق عمیق و بررسی دقیق نکاتی که در لابه لای تاریخ ثبت شده،و تطبیق دقیق رخدادهای تاریخی،به این نتیجه می رسیم که«یشوعا»فرزند «تئوفیل»است و از نظر تاریخی نمی تواند فرزند«میخائیل بن تئوفیل»باشد.

و اینک نگاهی گذار به تاریخ زندگانی«میخائیل بن تئوفیل»مشهور به:«میخائیل سوّم»:

میخائیل سوّم،سی و ششمین امپراطور روم است که از سال ۸۴۲ تا ۸۶۷ میلادی برابر ۲۲۷ تا ۲۵۳ هجری بر سرزمین پهناور روم حکومت می کرد.

قلمرو بیزانس در زمان میخائیل سوّم شبه جزیره ی بالکان،ایتالیا، آسیای صغیر و قسمتهایی از سوریّه و مصر و لیبی بود.بعد که با عربها درگیر شدند سوریّه و مصر و لیبی را از دست دادند،آسیای صغیر و شبه جزیره ی بالکان برای آنها باقی ماند. (۴)

میخائیل سوّم ۲۵ سال بر سرزمین روم و جهان پهناور بیزانس سلطنت کرد،و در دوران امپراطوری ۲۵ ساله اش با شماری از خلفای عبّاسی،چون واثق،متوکّل،منتصر،مستعین،معتزّ و مهتدی معاصر بود.

۱- ۱) .الکامل،ج ۶،ص ۵۲۱.

۲- ۲) .تاریخ الاسلام،ج ۱۶،ص ۱۴.

۳- ۳) .الکامل،ج ۶،ص ۵۲۸.

۴- ۴) .موسوعه المورد،ج ۲،ص ۱۴۳.

میخائیل به اداره ی کشور تمایل نـداشت،او همواره سـعی می کرد که اداره ی مملکت را به دیگری واگـذار کنـد و خود فقط سلطنت نماید.

ازاین رو نخست اداره ی کشور را به مادرش«تئودوره»سپرد،هنگامی که مادرش به سال ۸۵۶ م.از دنیا رفت،حکومت را به دائی اش:«بارداس» واگذار نمود.

در عهـد بـارداس،برزگرزاده ای از اهـل مقـدونیه به نـام«باسـیلیوس» مهـتری اسب میخائیـل را به عهـده داشت.او اگرچه بیسواد محض بود ولی در اثر کاردانی از مهتری به ریاست تشریفات دربار ارتقا یافت.کم کم درصدد اشغال امپراطوری برآمد.

او نخست میخائیل را متقاعد نمود که«بارداس»برای خلع کردن میخائیل توطئه می کند،سپس او را در سال ۸۶۶ م.خفه کرد.

میخائیـل که سالیان درازی عادت کرده بود سـلطنت کنـد نه حکومت، اینک باسـیلیوس را در امپراطوری خود شـریک نمود،و تمامی امور مملکت را به دست او سپرد.

باسیل،کم کم نقشه ی قتل میخائیل را نیز طرح کرد،و با کشتن میخائیل وارث تاج و تخت وی شد. (۱)

مورّخان اسلامی اتفاق نظر دارند که میخائیل به سال ۲۵۷ هجری در عهد امام حسن عسکری علیه السّلام به دست باسیلیوس به قتل رسید. (۲)

ص:۵۲

۱- ۱) .تاریخ تمدن،ج ۴،ص ۵۵۰.

۲- ۲) .تاریخ طبری،ج ۷،ص ۶۰۸؛تاریخ الاسلام ذهبی،ج ۱۹،ص ۲۵؛البدایه و النهایه، ج ۱۱،ص ۲۹.

۵.مبادله ی اسرا

در عهـد امپراطوری میخائیل در میان سـپاهیان اسـلام و روم جنگهای شدیـدی روی داد و اسـیران بیشـماری از طرفین به دسـت یکدیگر افتاد.

در عاشورای ۲۳۱ ه.(برابر با سپتامبر ۸۴۵ میلادی)اسیران جنگی میان مسلمانان و رومیان مبادله شد.

تعداد اسیران مسلمان را که در آن روز بازخرید کردند ۴۴۶۰ نفر نوشته اند. (۱)

و در این زمان بود که نواحی«آدانا»به دست مسلمانان فتح شد. (۲)

مسعودی به هنگام بررسی مبادله و بازخرید اسرای جنگی در میان مسـلمانان و رومیان می نویسد:سوّمین بازخرید اسـیران در خلافـت الواثق بـاللّه در محرّم ۲۳۱ ه.بود،که امپراطور در آن زمـان«میخائیـل بن تئوفیـل»بود،و سـرپرست این بازخریـد از طرف خلیفه،خاقان-غلام ترک خلیفه-بود.در این تاریخ ۴۳۶۲ نفر اسیر مسلمان در ظرف ده روز بازخرید شدند. (۳)

سپس می نویسـد:چهـارمین بازخریـد اسـیران در زمـان متوکـل،در شوّال ۲۴۱ ه.بود،و امـپراطور روم«میخائیـل بن تئوفیـل»بود،و سرپرست این

۱- ۱) .تاریخ مختصر الدّول،ص ۱۴۱.
۲- ۲) .قاموس الأعلام،ج ۲،ص ۱۴۳۷.
۳- ۳) .التّنبیه و الاشراف،ص ۱۶۱.

بازخرید از طرف خلیفه«شنیف»بود.در این تاریخ ۲۲۰۰ نفر اسیر بازخرید شدند. (۱)

یعقوبی-مقدّم مورّخان اسلامی-نیز گزارش کوتاهی از مبادله و بازخرید اسیران در عهد متوکّل در تاریخ ارزشمند خود آورده است. (۲)

طبری در حوادث ۲۴۱ ه.می نویسد:تئودوره،مادر میخائیل و امپراطور روم،شخصی را به نام«جرجیس بن فرنافس»برای بازخرید اسیران رومی به نزد متوکّل فرستاد.تعداد اسیران رومی در دست مسلمانان در حدود ۲۰۰۰۰ نفر بودند.

پس از شرح مبسوطی ادامه می دهد:این مبادله و بازخرید اسیران در روز ۱۲ شوال ۲۴۱ ه.انجام پذیرفت.و تعداد اسیران مسلمان ۷۵۸ نفر بود، که ۱۲۵ نفر آنان را زنان تشکیل می دادند. (۳)

به هنگام فتح«عموریه»رومیان ۳۰۰۰۰ نفر کشته دادند و ۳۰۰۰۰ نفرشان به اسارت رفت. (۴)

یاقوت می نویسد:در واقعه ی«یرموک»قیصر روم تا انطاکیه آمده بود که جنگ را از نزدیک رهبری کند.هنگامی که مطّلع شد که رومیان شکست خورده اند،انطاکیه را به قصد قسطنطنیّه ترک کرد.

ص:۵۴

۱- ۱) .همان مدرک،ص ۱۶۴.
۲- ۲) .تاریخ یعقوبی،ج ۳،ص ۲۲۳.
۳- ۳) .تاریخ طبری،ج ۷،ص ۳۷۶.
۴- ۴) .تاریخ الخلفا،ص ۳۳۶.

قیصر به هنگام ترک انطاکیه خطاب به تپه های سوریّه گفت:«ای سوریه!خداحافظ،دیگر امید ندارم که به سوی تو بازگردم». (۱)

شکیب ارسلان در گزارش ارزشمند خود می نویسد.به سال ۲۴۴ ه.سپاه اسلام به فرماندهی عباس بن فضل از راه دریا با رومیان جنگیدند،چهل کشتی جنگی رومیان برای مقابله با سپاه اسلام وارد معرکه شد.پیکار سختی درگرفت.رومیان شکست خوردند و مسلمانان ده کشتی را با سرنشینان آنها از آنان به غنیمت بردند.

سپس عبّاس به جنگ«قصریانه»رفت،در آنجا مردی را اسیر کرد.او نقطه ای از حصار شهر را به عباس نشان داد.عباس از همان نقطه به شهر رخنه کرد و وارد نبرد شد.مردم شهر درهای شهر را گشودند و تسلیم سپاه اسلامی شدند و غنائم فراوانی نصیب مسلمانان گردید.

متعاقب آن پادشاه قسطنطنیّه سیصد کشتی جنگی پر از سرباز به جنگ مسلمانان فرستاد،همین که به«سرقسوسه»رسیدند،عباس با سپاهیانش به جنگ آنها رفت و رومیان را شکست داد،و یکصد کشتی را از آنها به غنیمت گرفت. (۲)

هنگامی که هرقل پیشرفت سریع مسلمانان را مشاهده کرد خطاب به رومیان گفت:ای سپاه روم مطمئن باشید که مسلمانان به شهرهایی که فتح کرده اند بسنده نمی کنند،تا آخرین شهر شما را فتح کنند،زنان و کودکان

۱- ۱) .معجم البلدان،ج ۳،ص ۲۸۰.

۲- ۲) .تاریخ فتوحات اسلامی،ص ۱۸۹.

شما را اسیر بگیرند و شاهزادگان شما را برده ی خود سازند.بیائید از حریم خود و امپراطور خویش دفاع کنید. (1)

۶.آزادی زندانیان

مسعودی در ضمن شرح حال«میخائیل بن تئوفیل»می نویسد:

«شخصی به نام«ابن بقراط»از شاهزادگان پیشین از اهل«عموریّه»در امپراطوری میخائیل با وی به منازعه پرداخت،میخائیل در برابر او صف آرائی کرد و همه ی زندانیهای مسلمان را برای نبرد با او از زندان آزاد کرد با سازوبرگ نظامی آنها را مجهّز کرده به نبرد ابن بقراط فرستاد.بدین وسیله بر او پیروز شد. (2)

در اینجا اگرچه موضوع آزادی زندانیان به عنوان نبرد با دشمن امپراطوری مطرح شده،ولی جمله ی:«و قد أخرج من فی سجونه من المسلمین»حائز اهمیّت است،زیرا در متن گزارش آمده بود که قیصر همه ی زندانیان مسلمان را به خواهش نرجس خاتون آزاد کرد و با آنها خوشرفتاری نمود.

۷.تردید چرا؟

مرجع فقید شیعه،مرحوم آیت اللّه میلانی(متوفّای ۱۳۹۵ ه.)پس از نقل گزارش نرجس خاتون به نکات ارزشمندی از متن گزارش اشاره

ص:۵۶

۱- ۱) .معجم البلدان،ج ۳،ص ۲۸۰.

۲- ۲) .التنبیه و الاشراف،ص ۱۴۵.

نموده،می فرماید:

«برخی از دشـمنان اهلبیت در این مسائل ابراز تردیـد می کننـد و می گویند:در ایّام ولادت حضـرت بقیه اللّه-ارواحنا فداه- در میان مسلمانان و مشرکان جنگی روی نداده است».

سپس سبب تشکیک و تردید آنان را دو چیز بیان می فرماید:

۱-بی خبری آنان از تاریخ

۲-دشمنی آنان با حق و حقیقت. (۱)

آنگـاه فرازی از تاریـخ کامـل ابن اثیر را یـادآور می شود که براساس آن در سال ۲۵۱ هجری جنگ سـختی بین سپاه اسلام و اردوی شـرک در بلاد بیزانس درگرفته و مشرکان کشته های فراوانی برجای گذاشته اند،و تعداد زیادی از آنها به اسارت رفته اند.

سپس نتیجه می گیرد که:برطبق گزارش بشـر بن سـلیمان حضـرت نرجس خـاتون دختر یشوعا در عهـد امام هادی علیه السّـلام اسـیر شده،و می دانیم که حضـرت هادی علیه السّلام به سال ۲۵۴ ه.به شـهادت رسـیده اند،پس میان گزارش بشر بن سلیمان و حادثه ای که از ابن اثیر نقل شد دقیقا هماهنگی زمانی موجود است.

ابن اثیر این گزارش را در ضمن حوادث ۲۵۱ هجری آورده است. (۲)

ص:۵۷

۱- ۱) .قادتنا،ج ۷،ص ۲۱۱.

۲- ۲) .الکامل فی التّاریخ،ج ۷،ص ۱۶۲.

۸.پیرامون رؤیا

برخی از خوانندگان گرامی ممکن است به مسئله ی خواب حسّاسیّت داشته باشند و از جهت شامل بودن این گزارش به چند رؤیا،سؤالاتی برایشان مطرح باشد،که در اینجا نمی توانیم وارد این بحث بشویم، علاقمندان را به مطالعه ی کتاب ارزشمند:«دار السّلام»توصیه می کنیم که مرحوم محدّث نوری آن را در این رابطه تألیف کرده،و در ضمن چهار مجلّد تمام ابعاد مسئله را بررسی نموده است.

در اینجا فقط یادآور می شویم که رؤیاهای نرجس خاتون یقینا رؤیای صادقه،بلکه در حدّ مکاشفه بود.و در قرآن کریم رؤیای حضرت ابراهیم خلیل الرّحمان (۱)،رؤیای حضرت یوسف،رؤیای عزیز مصر،و رؤیای دو زندانی دیگر که با حضرت یوسف در زندان بودند،آمده است. (۲)

۹.شمعون،جد اعلای نرجس خاتون

جدّ مادری نرجس خاتون،جناب«شمعون»وصیّ حضرت عیسی علیه السّلام است،چنانکه در احادیث فراوانی آمده است هنگامی که خداوند متعال خواست حضرت عیسی علیه السّلام را به آسمانها ببرد،به او فرمان داد که نور و حکمت و علم کتاب را به«شمعون بن حمّون صفا»تعلیم کند،و او را

۱- ۱) .سوره ی صافّات،آیه ی ۱۰۲-۱۰۵.

۲- ۲) .سوره ی یوسف،آیه های ۴-۵،۳۶-۴۱ و ۴۳-۴۹.

جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد. (۱)

شمعون صفا سوّمین سفیر حضرت عیسی علیه السّلام به انطاکیه است که در سوره ی«یس»آیه ی ۱۴ بیان شده است. (۲)

شمعون در میان مسیحیان به«پطرس»معروف است،چنانکه در متن انجیل آمده است:«و نامهای دوازده رسول اینست:اوّل شمعون،معروف به:«پطرس»...این دوازده را عیسی فرستاده،به ایشان وصیّت کرده گفت:

«...بیماران را شفا دهید،ابرصان را طاهر سازید،مردگان را زنده کنید». (۳)

مفسّران انجیل نیز اتّفاق نظر دارند که اسم پطرس«شمعون»می باشد. (۴)

«شمعون»در زبان عبری به معنای:شنونده است و در انجیل ده نفر به عنوان«شمعون»آمده است که یکی از آنها«پطرس»وصیّ حضرت عیسی علیه السّلام می باشد. (۵)

طبق روایات،شمعون پسر عمّه ی حضرت مریم علیها السّلام می باشد. (۶)

۱۰.نتایج به دست آمده:

از نکات یاد شده در ذیل«گزارش نور»به این نتیجه رسیدیم که:

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۲۵.

۲- ۲) .تفسیر صافی،ج ۴،ص ۲۴۷؛البرهان،ج ۴،ص ۸.

۳- ۳) .انجیل متی،باب دهم،بندهای ۲-۸.

۴- ۴) .قاموس کتاب مقدس،ص ۲۲۰.

۵- ۵) .همان مدرک،ص ۵۳۳.

۶- ۶) .بحار الأنوار،ج ۲۵،ص ۱۸۶.

۱-حضرت نرجس خاتون اهل قسطنطنیّه،پایتخت بیزانس،استانبول کنونی است.

۲-نام شریفش:«ملیکه»است و به هنگام اسارت خود را«نرجس» معرّفی کرده،و به نامهای مختلف در خانه ی امام حسن عسکری علیه السّلام خوانده شده است.

۳-پدرش:«یشوعا»پسر قیصر روم است.

۴-قیصری که در آن روزگار بر اریکه ی امپراطوری تکیه کرده بود میخائیل سوّم بود.

۵-میخائیل سوّم از سال ۲۷۷ تا ۲۵۳ هجری در این مسند بود.

۶-به ظنّ قوی«یشوعا»پسر«تئوفیل بن میخائیل»است،و احتمال این که وی پسر«میخائیل»باشد از نظر تاریخی سازگار نمی باشد.

۷-در عهد میخائیل برخوردهای نظامی بین قوای مسلمین و رومی ها مکرّر به وقوع پیوسته،و در این درگیریها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته اند.

۸-یکبار میخائیل همه ی زندانیان مسلمان را آزاد کرده است.

۹-روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استناد بزرگان علما در طول یازده قرن می باشد.

۱۰-علاوه بر روایت بشر،به طریق صحیح از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت شده که مادر حضرت بقیه اللّه-ارواحنا فداه-دختر پسر قیصر روم می باشد.

و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد.

***

ص:۶۰

میلاد نور

اشاره

گزارش دقیق میلاد نور یزدان،مهر تابان،فروغ جاودان،خورشید فروزان،حضرت مهدی صاحب الزّمان-علیه سلام اللّه الملک المنّان-در منابع حدیثی شیعیان،از شاهدان عینی براساس مشاهدات عینی،نه از روی از حدس و گمان،آمده است که در رأس همه ی آنها گزارش لحظه به لحظه ی حکیمه خاتون می باشد.

حکیمه دختر امام جواد،خواهر امام هادی،و عمّه ی امام حسن عسکری علیه السّلام می باشد که به دو فضیلت بس والا اختصاص یافته است:

۱.شرف تعلیم و تربیت حضرت نرجس خاتون به امر امام هادی علیه السّلام، که شرح آن در گزارش نور بیان شد.

۲.افتخار حضور در مجلس تولّد نور یزدان به امر امام حسن عسکری علیه السّلام،که اکنون درصدد بیان آن هستیم.

از دیگر فضائل این بانوی مجلّله این است که دعای معروف به«حرز امام جواد علیه السّلام»از طریق ایشان روایت شده است. (۱)

ص:۶۱

۱- ۱) .مهج الدّعوات،ص ۳۶؛بحار الأنوار،ج ۹۴،ص ۳۵۴؛الامام الجواد،ص ۳۷۵.

و اینک متن گزارش تولّد نور:

شیخ صدوق با سلسله ی اسناد خود از حکیمه خاتون روایت می کند که فرمود:

امام حسن عسکری علیه السّلام کسی را نزد من فرستاد و پیغام داد:

«یا عمّه اجعلی افطارک هـذه اللّیله عندنا،فانّها لیله النّصف من شعبان،فانّ اللّه تبارک و تعالی سیظهر فی هذه اللّیله الحجّه،و هو حجّته فی ارضه»:

«عمّه جان امشب برای افطار به نزد ما بیا،زیرا امشب شب نیمه شعبان است،و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجّتش را که حجّت خدا در روی زمین است،در آن پدید خواهد آورد».

حکیمه می گوید:پرسیدم:مادرش کیست؟

فرمود:«نرجس».

عرضه داشتم:جانم به فدایت،هیچ اثر حمل در او نمی بینم.

فرمود:آری،ولی حقیقت همان است که به تو گفتم.

حکیمه می گوید:چون بر نرجس خاتون وارد شدم سلام کردم نشستم.

نرجس خاتون دربرابرم نشست که کفشهایم را درآورد،به عنوان:«ای سرور من»به من عصر به خیر گفت.

گفتم:«بلکه شما سرور من و سرور خاندان من هستید».

نرجس خاتون سخنم را قطع کرد و گفت:«این چه حرفی است عمّه جان؟!».

گفتم:«دخترم خداوند امشب به تو فرزندی عطا خواهد کرد که آقای دو جهان و سرور دو سرای می باشد».

آثار خجلت در سیمای نرجس خاتون پدیدار شد.

چون از نماز عشا پرداختم افطار کردم و خوابیدم،در نیمه های شب برخاستم و نماز شب را به جای آوردم،او هنوز خواب بود و هیچگونه ناراحتی نداشت.هنگامی که از تعقیبات فارغ شدم باز هم خوابیدم،یکبار دیگر بیدار شدم،دیدم او هنوز خواب است.

بعدا او نیز برخاست،نماز شب را ادا کرد و مشغول استراحت شد.

من به صحن خانه رفتم تا از فرا رسیدن اذان صبح آگاه شوم،دیدم سپیده ی نخستین همچون دم گرگ پدیدار گشته،ولی نرجس خاتون همچنان در حال استراحت است.

اینجا بود که دچار شک و تردید شدم،که ناگاه امام حسن عسکری علیه السّلام،از همانجا که نشسته بود به من بانگ زد:

«لا تعجلی یا عمّه فهاك الأمر قد قرب»:

«عمّه شتاب نکن،آگاه باش که وعده ی الهی نزدیک است».

من نشستم و مشغول تلاوت سوره های الم سجده و یس شدم پس ناگهان نرجس خاتون مضطرب و هراسان برخاست.

پس به سویش دویدم و گفتم:«در امان خدا و در پناه نام خدا باشی».

سپس پرسیدم:«آیا چیزی حسّ می کنی؟»گفت:«آری،عمّه جان».

گفتم:«بر اعصاب خود مسلّط باش و آرامش خود را حفظ کن،که این همان وعده ی الهی است که به تو نوید داده بودم».

ص:۶۳

حکیمه می گوید:یک لحظه من و نرجس را حالت رخوت و بی خبری فرا گرفت،ناگهان متوجّه شدم که نور یزدان قدم در عرصه ی گیتی نهاده است.

جامه را کنار زدم دیدم که حجّت خدا اعضای سجده را بر زمین نهاده، پیشانی بندگی بر آستان معبود گذاشته است.

او را در آغوش کشیدم و دیدم بسیار پاک و پاکیزه است.

در همان لحظه صدای امام عسکری را شنیدم که خطاب به من می فرمود:

«هلمّی الیّ ابنی یا عمّه»:

«عمّه جان پسرم را پیش من بیاور».

حجّت خدا را پیش پدر بردم،یک دست خود را بر پشت و یک دست دیگر را زیر تهیگاه کودک قرار داد و پاهای نورسیده را بر روی سینه اش چسبانید.زبان مبارکش را در دهان نوزاد قرار داد،دست مبارکش را بر چشمها،گوشها و مفاصل او کشید.سپس فرمود:«پسرم سخن بگو».

حجّت خدا بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گواهی داد، آنگاه بر یکایک امامان،از امیر مؤمنان تا پدر بزرگوارش درود فرستاد،و ساکت شد.

امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود:«عمّه جان او را ببر که به مادرش سلام کند،بعدا به نزد من بیاور».

او را به نزد نرجس خاتون بردم،بر او سلام کرد،آنگاه به خدمت امام علیه السّلام برگردانیدم و در کنارش نهادم.

فرمود:

«عمّه جان روز هفتم به نزد ما بیا».

ص:۶۴

حکیمه می گوید:فردای آن روز که برای تقدیم سلام به حضور امام حسن عسکری علیه السّلام رفته بودم،جامه را از روی گهواره کنار زدم که مولایم را زیارت کنم،او را ندیدم.عرض کردم:«فدایت شوم،سرورم کجاست؟»فرمود:

«یا عمّه استودعناه الّذی استودعته امّ موسی موسی»:

«عمّه جان او را به کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد».

روز هفتم به خدمت امام علیه السّلام رفتم و سلام کردم،فرمود:«پسرم را به پیش من بیاور».

رفتم و سرورم را در پارچه ای که پیچیده شده بود به خدمتش آوردم.

امام حسن عسکری علیه السّلام همانند دفعه ی پیشین زبان در دهان او نهاد.

گویی شیر یا عسل به او می داد.سپس فرمود:«پسرم سخن بگو».

لبان نازکتر از گلش باز شد و بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گواهی داد،و بر پیامبر و ائمّه علیهم السّلام درود فرستاد،تا به پدر بزرگوارش رسید،آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ ، وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ.

وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ،وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ:

«به نام خدای بخشایشگر مهربان،ما اراده کرده ایم به کسانی که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده اند منّت

بگذاریم،آنان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم.در روی زمین به آنها قدرت و تمکین دهیم،به فرعون و هامان و لشکریانش،آنچه را که از آن بیمناک بودند بنماییم». (۱)

موسی-راوی حدیث-می گوید:از«عقبه ی خادم»نیز پرسیدم،گفت:

«آنچه حکیمه گفته،همه راست و درست است». (۲)

این حدیث را با اندک تفاوتی شیخ طوسی،طبری،خواندمیر و قندوزی با اسناد جداگانه روایت کرده اند. (۳)

*

دیگر شاهدان عینی:

اشاره

علاوه بر حکیمه شهادت گروه دیگری از خدمتگزاران دودمان امامت بر ولادت آن نور یزدان در کتب حدیثی به تناسبهای مختلف بیان شده است،که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱.عقبه ی خادم

،که در قسمت پایانی گزارش فوق به آن اشاره کردیم و مدارکش را برشمردیم.

۱- ۱) .سوره ی قصص،آیه های ۵ و ۶.

۲- ۲) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۲۴؛اعلام الوری،ج ۲،ص ۲۱۴؛البرهان،ج ۷،ص ۳۱۷؛ روضه الواعظین/ج ۲،ص ۲۵۶؛تبصره الولی،ص ۵؛حلیه الابرار،ج ۵،ص ۱۵۱؛ مدینه المعاجز،ج ۸،ص ۱۰؛منتخب الانوار المضیئه،ص ۶۰.

۳- ۳) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۴۳؛دلائل الامامه،ص ۴۹۷؛حبیب السّیر،ج ۲،ص ۱۰۵؛ ینابیع الموده،ج ۳،ص ۳۰۴.

۲.عقید خادم

،که برای ابو الأدیان و دیگران،ولادت آن حضرت را شرح داده است. (۱)

۳.ماریه

،که در آن خانه خدمت می کرد،و در روز ولادت،آن حضرت را دیده بود که با انگشت سبّابه به سوی آسمان اشاره کرده می فرماید:

«الحمد للّه ربّ العالمین،و صلّی اللّه علی محمّد و آله». (۲)

۴.نسیم خادم

،که او نیز روز ولادت آن مهر تابان،حضرتش را در حال سجده مشاهده کرده،که انگشت سبّابه اش را به سوی آسمان بالا برده می فرماید:

«الحمد للّه ربّ العالمین،و صلّی اللّه علی محمّد و آله». (۳)

در روز دهم ولادتش نیز به محضر آن مهر فروزان رسیده،عطسه کرده،حضرت فرموده:«یرحمک اللّه»سپس فرموده:«آیا در مورد عطسه تو را نوید دهم؟آن تا سه روز امان از مرگ است». (۴)

۵.ابو علی خیزرانی

،کنیزی را به امام حسن عسکری علیه السّلام اهدا کرده بود، که بعد از شهادت امام حسن عسکری به هنگام هجوم مأموران به خانه ی امام،او به خانه ی ابو علی پناه برده،شرح جالبی از ولادت آن کعبه ی خوبان را به ابو علی بیان کرده است. (۵)

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۷۴.

۲- ۲) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۴۵؛کشف الغمه،ج ۳ ص ۲۸۸؛حلیه الأبرار،ج ۵ ص ۱۸۵.

۳- ۳) .الثّاقب فی المناقب،ص ۵۸۴؛اعلام الوری،ص ۳۹۵؛اثبات الهداه،ج ۳،ص ۶۶۸.

۴- ۴) .حبیب السّیر،ج ۲،ص ۱۰۶.

۵- ۵) .اثبات الهداه،ج ۳،ص ۶۹۹.

۶.حمزه بن ابو الفتح

،که به حسن بن منـذر گفت:«بشـارت،بشـارت، دیشب در دودمـان امـامت مولودی به دنیـا آمـد،که به فرمـان امام این راز باید مکتوم بماند». (۱)

۷.حسن بن حسین

،از نواده های امام حسن مجتبی علیه السّلام،که به محضر امام حسن عسکری علیه السّلام می شتابد و میلاد مسعود آن خورشید فروزان را تبریک می گوید. (۲)

۸.ابو نصر خادم

،که در کنار گهواره اش حضور می یابد،می فرماید:

«مرا می شناسی؟».می گوید:«بلی شما سرور من و فرزند سرور من هستید»می فرماید این را نپرسیدم،آنگاه می فرماید:

«انا خاتم الأوصیاء،و بی یدفع اللّه عزّ و جلّ،البلاء عن اهلی و شیعتی»:

«من خاتم اوصیا هستم،خداوند به وسیله ی من بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می کند». (۳)

۹.قابله ای از اهل سنّت

،کـه امـام حسن عسـکری علیه السّـلام برای مصـالحی او را در شب ولاـدت آن مهر تابـان دعـوت کرده،و او بـا نقـل این واقعه موجب هدایت برخی از دشمنان این خاندان شده است. (۴)

۱۰.گروهی از شیعیان

،که امام حسن عسکری علیه السّلام،در سوّمین روز ولادت

ص:۶۸

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۳۴.

۲- ۲) .غیبت طوسی،ص ۲۵۱.

۳- ۳) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۴۱.

۴- ۴) .غیبت طوسی،ص ۲۴۰-۲۴۲.

آن قبله موعود و کعبه ی مقصود،عدّه ای از شیعیان مورد اعتماد را گرد آورد و آن مهر فروزان را بر آنها نشان داد و فرمود:

«هـذا صاحبکم من بعـدی،و خلیفتی علیکم،و هو القائم الّـذی تمتـدّ الیه الأعناق بالإنتظار،فاذا امتلأت الأرض جورا و ظلما،خرج فملأها قسطا و عدلا»:

«این جانشـین من در میان شـما،و صاحب شـما بعد از من است.او همان قائم-علیه السّـلام-است که در انتظارش گردنها کشیده می شود،هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شد او ظاهر می شود و آن را پر از عدل و داد نماید». (۱)

به علاوه صدها خوشـبخت دیگری که در طول پنج سال-بعد از ولادت،تا شـهادت پدر بزرگوارش-به محضـر آن نور سرمدی تشرّف یافته اند،که فهرست چهل نمونه از آنها را در مقدّمه ی جزیره ی خضرا آورده ایم. (۲)

یکی از کنیزانی که به هنگام ولادت آن مهر فروزان حضور داشت می گوید:

هنگامی که مولای ما دیده به جهان گشود،نوری از او ساطع گردید که همه ی اقطار جهان را روشن ساخت.

در آن هنگام پرندگان نقره فامی دسـته دسـته از آسـمان فرود آمدند و بالهای خود را بر سـر و صورت و پیکر نوزاد سائیدند،و سپس به سوی آسمان پر گشودند.

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۳۱.

۲- ۲) .جزیره ی خضرا،ص ۱۴-۲۵.

چون مشاهدات خود را به امام حسن عسکری علیه السّلام عرض کردم،تبسّمی کردند و فرمودند:

«تلک ملائکه السّماء،نزلت لتتبرّک بهذا المولود،و هی انصاره اذا خرج بأمر اللّه عزّ و جلّ»:

«اینها فرشتگان آسمانند،که برای تبرّک جستن از این مولود فرخنده فرود آمده اند،و چون به امر پروردگار ظهور کند، اینها یاورانش خواهند بود». (۱)

او پاک و پاکیزه به دنیا آموده بود،ولی برای اینکه فرشتگان از آن جسم طاهر متبرّک شوند،«رضوان»خازن بهشت با گروهی از فرشتگان مقرّب فرود آمدند و با آب سلسبیل و کوثر،آن جسم اطهر را شستشو دادند. (۲)

بدین ترتیب تولّد شگفت انگیزترین انسان تحقّق یافت.

و این لحظه ی پرشکوه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری اتّفاق افتاد.

تاریخ دقیق میلاد مسعود کعبه ی مقصود

با توجه به اهمیت فوق العاده ی تاریخ دقیق ولادت باسعادت مصلح جهانی،صدها تن از علمای برجسته،محدثان وارسته،مورخان شایسته و فقیهان از قید تعلّقات رسته ی جهان تشیّع،تاریخ دقیق آن لحظه ی باشکوه را در منابع حدیثی،رجالی،تفسیری،و تاریخی خود ثبت کرده اند،که

۱- ۱) .الثّاقب فی المناقب،ص ۵۸۴؛روضه الواعظین،ص ۲۶۰.

۲- ۲) .اثبات الهداه،ج ۳،ص ۵۷۰؛تواریخ النّبی و الآل،ص ۴۳.

به شمار اندکی از آنها اشاره می کنیم:

۱-قدیمی ترین منبعی که در آن تاریخ تولد امام زمان علیه السّلام درج شده کتاب گرانسنگ«اثبات الرّجعه»از فضل بن شاذان نیشابوری است.

فضل بن شاذان چهار امام معصوم:امام رضا،امام جواد،امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السّلام را درک کرده و از آنها حدیث نقل کرده و در ربیع المولود ۲۶۰ هجری-اندکی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السّلام دیده از جهان فروبسته است.

امام حسن عسکری علیه السّلام به هنگام مشاهده ی یکی از آثار فضل بن شاذان فرمود:

«من به حال اهل خراسان غبطه می خورم که مرد شایسته ای چون فضل بن شاذان در میان آنها است». (۱)

از فضل بن شاذان ۱۸۰ جلد کتاب به یادگار مانده که ۶ جلد از آنها به مسائل مهدویت اختصاص دارد. (۲)

او در کتاب«اثبات الرّجعه»تاریخ دقیق میلاد مسعود قبله ی موعود را با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت کرده،و اینک متن حدیث:

فضل بن شاذان،از محمد بن علی بن حمزه،از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت می کند که فرمود:

قد ولد ولیّ اللّه و حجّته علی عباده،و خلیفتی من بعدی، مختونا لیله النّصف من شعبان،سنه خمس و خمسین و

۱- ۱) .رجال کشی،ص ۵۴۲.

۲- ۲) .رجال نجاشی،ص ۳۰۷؛معالم العلماء،ص ۹۰؛هدیه العارفین،ج ۱،ص ۸۱۷.

مـأتین،عنـد طلوع الفجر،و کـان اوّل من غسـله رضوان خـازن الجنان،مع جمع من الملائکه المقرّبین بماء الکوثر و السّـلسبیل،ثمّ غسلته عمّتی حکیمه،بنت محمّد بن علیّ الرّضا علیهم السّلام؛

ولیّ خـدا و حجّت خـدا بر بنـدگان و جانشـین من بعد از من،در شب نیمه ی شـعبان،سال ۲۵۵،به هنگـام طلوع فجر،به صورت ختنه شده،دیده به جهان گشود.

نخستین کسی که او را غسل داد:«رضوان»خازن بهشت بود،که با گروهی از فرشتگان مقرّب با آب کوثر و سلسبیل او را شست وشو داد،سپس عمه ام«حکیمه»دختر امام جواد علیه السّلام او را شست وشو داد». (۱)

این حدیث در نهایت صحّت و اتقان است،زیرا آن را«فضل بن شاذان»تنها با یک واسطه از امام علیه السّلام روایت کرده است.

همه ی علمای رجال فضل بن شاذان را به عنوان:ثقه،فقیه،جلیل القـدر و عظیم الشّأن سـتوده انـد (۲)نجاشی پیشتاز رجالیون در حق او فرموده:

جلالت قدر او مشهورتر از آن است که ما او را وصف کنیم. (۳)

۱- ۱) .اثبات الهداه،ج ۳،ص ۵۷۰؛مختصر اثبات الرّجعه-مخطوط-ح ۱۱،کفایه المهتدی -مخطوط-برگ ۶۷؛کشف الحق،ص ۳۳؛نجم ثاقب،ص ۲۵؛تواریخ النّبی و الآل، ص ۴۳؛چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان،ص ۵۴.
۲- ۲) .فهرست شیخ طوسی،ص ۱۹۷؛رجـال ابن داود،ص ۱۵۱؛وسائل الشّیعه،ج ۳۰، ص ۴۴۷؛جامع الرّواه،ج ۲،ص ۵؛تحفه الأحباب،ص ۲۶۷.
۳- ۳) .رجال نجاشی،ص ۳۰۷.

و علامه ی حلّی در مورد او فرموده:

او رئیس طائفه ی امامیه است. (۱)

فضل بن شاذان نیز آن را از:«محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عبید اللّه بن عباس بن علی علیه السّلام»روایت کرده است.

محمد بن علی بن حمزه از اصحاب برجسته ی امام حسن عسکری علیه السّلام بود که نسبش با چهار واسطه به قمر منیر بنی هاشم،حضرت ابو الفضل علیه السّلام می رسید.

مقدّم رجالیون مرحوم نجاشی در حق او فرموده:

«محمد بن علی بن حمزه مورد وثوق است،در حدیث بسیار برجسته،از نظر عقیدتی صحیح الاعتقاد می باشد،از امام هادی و امام عسکری علیهما السّلام روایت کرده و با آنها ارتباط مکاتبه ای داشت،پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السّلام مادر صاحب الأمر(عج)در خانه ی او اقامت نمود». (۲)

این تعبیر نجاشی ما را از مراجعه به هرکتاب رجالی دیگر بی نیاز می کند،عبد الرحمن بن ابی حاتم رازی از او روایت کرده و او را با وثاقت و صداقت ستوده، (۳)خطیب بغدادی از او به عنوان ادیب،شاعر و آگاه از علم حدیث تعبیر کرده،به عنوان«صدوق»ستوده، (۴)ابن حجر تاریخ وفاتش را

ص:۷۳

۱- ۱) .رجال علامه،ص ۱۳۳.
۲- ۲) .رجال نجاشی،ص ۳۴۷.
۳- ۳) .الجرح و التعدیل،ج ۸،ص ۲۸.
۴- ۴) .تاریخ بغداد،ج ۳،ص ۶۳.

به سال ۲۸۶ ه.ثبت کرده است. (۱)

در اینجا چند نکته بسیار حائز اهمیت است:

۱)راوی خود از خانـدان عصـمت و طهـارت و نواده ی حضـرت ابو الفضل علیه السّـلام است،که نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می رسد.

۲)راوی علاوه بر محدّث بودن،به شرف مکاتبه با دو امام نایل بوده،و این مکاتبه ادامه داشته است.

۳)اهل قلم و تحقیق بوده و کتابی پیرامون نهضت علویّون به نام«مقاتل الطالبیّین»از خود به یادگار نهاده است. (۲)

۴)ارتبـاطش بـا خانـدان وحی بـه قـدری محکـم و تنگاتنـگ بـوده،کـه بـه هنگـام نـاامن شـدن اوضـاع و بحرانی شـدن وضـع سیاسی،همسر امام حسن عسکری علیه السّلام مادر حضرت بقیه اللّه-ارواحنا فداه-به خانه ی او اجلال نزول فرموده است. (۳)

۵)از نظر صداقت،وثاقت،جلالت قدر،استواری عقیده،آگاهی گسترده از علم حدیث و تفوّق در شعر و ادب در حدی بوده که پیشتاز رجالیون شیعه«نجاشی»و مقدّم رجالیون عامّه«ابن ابی حاتم رازی»بر آن تصریح و تأکید نموده اند.

این محدّث گرانمایه با این ویژگیهای برجسته،بدون واسطه تاریخ

۱- ۱) .تهذیب التهذیب،ج ۵،ص ۲۲۷.

۲- ۲) .رجال نجاشی،ص ۳۴۸،رقم ۹۳۸.

۳- ۳) .حجّت تاریخ،مرحوم سید عبد الرزاق مقرّم پس از نقل فراز بالا می نویسد:«خانه ای که مادر گرامی امام علیه السّلام در آن زنـدگی می کنـد،طبعـا محـلّ رفت وآمـد نـاموس دهر،امـام عصـر،حضـرت بقیه اللّه خواهـد بود».[العبـاس،ص ۲۰۳؛سردار کربلا،ص ۳۴۹].

دقیق طلوع خورشید فروزان امامت را از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت کرده،آنگاه شخصیت بی نظیری چون«فضل بن شاذان»آن را در اثر ماندگار خود«اثبات الرجعه»از او نقل فرموده است.

جالب تر اینکه فضل بن شاذان در سال ۲۶۰ هجری،چند روزی قبل از شهادت امام عسکری علیه السّلام دیده از جهان فروبسته است،یعنی به هنگام وفات او،حد اکثر ۵ سال از عمر شریف حضرت ولی عصر-ارواحنا فداه-می گذشت.

با توجه به این ویژگی ها بود که ما این روایت را با شرح و بسط نقل کردیم،اما دیگر موارد را بسیار کوتاه و گذرا نقل می کنیم،علاقمندان به شرح و تفصیل را به منابع یاده شده در پاورقی هرفرازی فرا می خوانیم.

۲-ابو جعفر،محمد بن یعقوب کلینی،متوفای ۳۲۹ ه. (۱)

۳-ابو الحسن،علی بن الحسین بن علی المسعودی،متوفّای ۳۴۶ ه. (۲)

۴-ابو جعفر،محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه،متوفای، ۳۸۱ ه. (۳)

۵-ابو عبد اللّه،محمد بن محمد بن النعمان،شیخ مفید،متوفای ۴۱۳ ه. (۴)

۶-ابو الفتح،محمد بن علی بن عثمان کراجکی،متوفای ۴۴۹ ه. (۵)

۱- ۱) .اصول کافی،ج ۱،ص ۵۱۴.

۲- ۲) .اثبات الوصیّه،ص ۲۱۹.

۳- ۳) .کمال الدین،ج ۲،ص ۴۳۰.

۴- ۴) .ارشاد مفید،ج ۲،ص ۳۳۹.

۵- ۵) .کنز الفوائد،ج ۲،ص ۱۱۴.

۷-ابو جعفر،محمد بن الحسن الطوسی،متوفای ۴۶۰ ه. (۱)

۸-امین الاسلام،فضل بن حسن طبرسی،متوفای ۵۴۸ ه. (۲)

۹-ابو الحسن،علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی،متوفای ۶۹۳ ه. (۳)

۱۰-عماد الدّین،حسن بن علی طبری،متوفای بعد از ۷۰۱ ه. (۴)

۱۱-حسن بن یوسف بن المطهر،علامه ی حلّی،متوفای ۷۲۶ ه. (۵)

۱۲-شمس الدّین محمد بن مکی،شهید اول،مستشهد ۷۸۶ ه. (۶)

۱۳-شیخ بهاء الدّین محمد بن الحسین العاملی،شیخ بهائی،متوفای ۱۰۳۰ ه. (۷)

۱۴-سید تاج الدّین بن علی بن احمد الحسینی العاملی-قرن یازدهم- (۸)

۱۵-سید محمد میر لوحی اصفهانی،متوفای بعد از ۱۰۸۵ ه. (۹)

۱۶-محمد بن الحسن الحرّ العاملی،متوفای ۱۱۰۴ ه. (۱۰)

۱۷-سید هاشم بحرانی،صاحب غایه المرام،متوفای ۱۱۰۹ ه. (۱۱)

ص:۷۶

۱- ۱) .غیبت شیخ طوسی،ص ۲۳۴.

۲- ۲) .اعلام الوری،ج ۲،ص ۲۱۴؛تاج المواليد،ص ۶۱(مجموعه ی نفیسه،ص ۱۳۷).

۳- ۳) .کشف الغمه،ج ۳،ص ۲۳۶.

۴- ۴) .تحفه الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار،ص ۱۷۹.

۵- ۵) .المستجاد من الارشاد،ص ۲۳۱(مجموعه نفیسه،ص ۴۷۵).

۶- ۶) .الدروس الشرعیه،ج ۲،ص ۱۶.

۷- ۷) .توضیح المقاصد،ص ۲۰(مجموعه نفیسه،ص ۵۳۲).

۸- ۸) .التتمّه فی تواریخ الأئمّه،ص ۱۴۵.

۹- ۹) .کفایه المهتدی،ص ۱۴۹.

۱۰- ۱۰) .اثبات الهداه،ج ۳،ص ۵۰۷.

۱۱- ۱۱) .تبصره الولی،ص ۲۴؛حلیه الأبرار،ج ۵،ص ۱۷۵؛مدینه المعاجز،ج ۸،ص ۵.

۱۸-مولی محمد باقر مجلسی،متوفای ۱۱۱۰ ه. (۱)

۱۹-محمد رضا خاتون آبادی،متوفای بعد از ۱۱۲۷ ه. (۲)

۲۰-شیخ محمد بن عبد اللّه،ابو عزیز الخطی،متوفای ۱۲۰۰ ه. (۳)

۲۱-میر محمد صادق خاتون آبادی،متوفای ۱۲۷۲ ه. (۴)

۲۲-شیخ محمود عراقی میثمی،متوفای،۱۳۰۶ ه. (۵)

۲۳-میرزا حسین نوری طبرسی،متوفای ۱۳۲۰ ه. (۶)

۲۴-شیخ علی یزدی حائری،متوفای ۱۳۳۳ ه. (۷)

۲۵-شیخ عباس قمی،متوفای ۱۳۵۹ ه. (۸)

۲۶-شیخ علی اکبر نهاوندی،متوفای ۱۳۶۶ ه. (۹)

۲۷-شیخ محمد طاهر السماوی،متوفای ۱۳۷۰ ه. (۱۰)

۲۸-سید محسن امین عاملی،متوفای ۱۳۷۱ ه. (۱۱)

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۵۱،ص ۱،۲۴،۲۸.

۲- ۲) .جنّات الخلود،ص ۴۰.

۳- ۳) .الذّخیره فی المحشر،ص ۶۰.

۴- ۴) .کشف الحق(اربعین خاتون آبادی)،ص ۳۲.

۵- ۵) .دار السلام،ص ۱۰۳.

۶- ۶) .نجم ثاقب،ص ۲۵؛کشف الأستار،ص ۵۸.

۷- ۷) .الزام الناصب،ج ۱،ص ۳۱۷.

۸- ۸) .الأنوار البهیّه،ص ۲۷۵.

۹- ۹) .العبقری الحسان،ج ۱؛بساط ۲،ص ۸.

۱۰- ۱۰) .موجز تواریخ اهل البیت،ص ۹۵.

۱۱- ۱۱) .أعیان الشیعه،ج ۲،ص ۴۴؛البرهان علی وجود صاحب الزمان،ص ۶۴؛المجالس السّنیّه،ج ۵،ص ۴۷۹.

۲۹-سید صدر الدّین صدر،متوفای ۱۳۷۳ ه. (۱)

۳۰-شیخ نجم الدّین جعفر بن محمد عسکری،متوفای ۱۳۹۵ ه. (۲)

تعداد ۳۰ تن از محدثان،مورخان و شخصیتهای برجسته ی جهان تشیّع،که به عنوان نمونه در جدول بالا یاد شدند،کسانی هستند که میلاد مسعود کعبه ی مقصود،قبله ی موعود،حضرت بقیّه اللّه-ارواحنا فداه-را در تاریخ شب نیمه ی شعبان ۲۵۵ هجری یاد کرده اند.

در این میان ده ها تن از محدثان و مورخان،آن را در شب نیمه ی شعبان ۲۵۶ نوشته اند،که به جهت اختصار به آنها اشاره نکرده ایم.

اعتراف دانشمندان عامّه

مشهور در میان مورّخان و محدّثان این است که ولادت با سعادت آن کعبه ی مقصود و قبله ی موعود در پگاه روز جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری واقع شده که اینک یک هزار و یک صد و هفتاد سال تمام از آن روز پر شکوه می گذرد. (۳)

اصل ولادت حضرت مهدی-عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف-از ضروریّات مذهب و از مسلّمات تاریخ است و گذشته از امامان معصوم،عالمان، مورّخان و محدّثان شیعه،بسیاری از مورّخان و محدّثان اهل سنّت نیز به آن اعتراف کرده،در کتابهای پرارج خود به آن تصریح کرده اند که گفتار

۱- ۱) .المهدی،ص ۱۲۸.

۲- ۲) .المهدی الموعود المنتظر،ج ۱،ص ۱۹۷-۲۰۵.

۳- ۳) .سال قمری ۱۱۷۰-۲۵۵-۱۴۲۵ ه.

تعدادی از آنها را به عنوان نمونه در اینجا می آوریم:

این گروه از علمای اهل سنّت،کسانی هستند که انصاف به خرج داده، تاریخ تولّد حضرت ولیّ عصر روحی فداه را دقیقا همانند علمای شیعه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری نوشته اند که در این فرصت کوتاه به تعدادی از آنها دست یافتیم و اینک اسامی بیست تن از آنها به ترتیب تسلسل زمانی:

۱-ابو بکر احمد بن حسین بن علی بیهقی شافعی،متوفّای ۴۵۸ ه.در کتاب«شعب الایمان». (۱)

۲-شمس الدّین احمد بن محمّد،ابن خلّکان،متوّفای ۶۸۱ ه. (۲)

۳-حمد اللّه بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی،متوفّای حدود ۷۵۰ ه. (۳)

۴-ابو الولید محمّد ابن شحنه ی حنفی،متوفّای ۸۱۵ ه. (۴)

۵-حافظ محمّد بن محمّد بن محمود نجّار،معروف به خواجه پارسا، متوفّای ۸۲۲ ه.در کتاب«فصل الخطاب». (۵)

۶-علی بن محمّد بن احمد،معروف به ابن صبّاغ،متوفّای ۸۵۵ ه. (۶)

۷-غیاث الدّین بن همام الدّین،معروف به خواندمیر،متوفّای ۹۴۲ ه. (۷)

۱- ۱) .المهدی الموعود المنتظر،ج ۱ ص ۱۸۲.
۲- ۲) .وفیات الاعیان،ج ۴ ص ۱۷۶.
۳- ۳) .تاریخ گزیده،ص ۲۰۷.
۴- ۴) .روض المناظر،ج ۱،ص ۲۹۴.
۵- ۵) .ینابیع الموده،ج ۳،ص ۳۰۴.
۶- ۶) .الفصول المهمّه،ص ۲۲۷.
۷- ۷) .حبیب السّیر،ج ۲،ص ۱۰۰.

۸-شمس الدّین،محمّد ابن طولون دمشقی حنفی،متوفّای ۹۵۳ ه. (۱)

۹-عبد الوهّاب شعرانی شافعی،متوفّای ۹۷۳ ه. (۲)

۱۰-احمد ابن حجر هیثمی مکّی،متوفّای ۹۷۴ ه. (۳)

۱۱-سیدّ جمال الدّین عطاء اللّه بن سیّد غیاث الدّین محدّث،صاحب کتاب«روضه الأحباب»متوفّای ۱۰۰۰ ه. (۴)

۱۲-احمد بن یوسف دمشقی قرمانی،متوفّای ۱۰۱۹ ه. (۵)

۱۳-عبد اللّه بن محمّد بن عامر شبراوی شافعی،متوفّای بعد از ۱۱۵۴ ه. (۶)

۱۴-محمّد بن احمد سفارینی نابلسی حنبلی،متوفّای ۱۱۸۸ ه. (۷)

۱۵-مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی،متوفّای بعد از ۱۲۹۰ ه. (۸)

۱۶-سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی،متوفّای ۱۲۹۴ ه. (۹)

۱۷-حسن عدوی حمزاوی مالکی مصری،متوفّای ۱۳۰۳ ه. (۱۰)

۱- ۱) .ائمّه اثناعشر،ص ۱۱۷.

۲- ۲) .الیواقیت و الجواهر،ج ۲،ص ۴۲۲.

۳- ۳) .الصّواعق المحرقه،ص ۱۶۷.

۴- ۴) .کشف الاستار،ص ۶۴.

۵- ۵) .اخبار الدّول،ص ۱۱۷.

۶- ۶) .الاتّحاف بحبّ الأشراف،ص ۱۷۸.

۷- ۷) .لوائح الأنوار،ج ۲،ص ۶۸.

۸- ۸) .نور الأبصار،ص ۲۶۰.

۹- ۹) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۳۰۴.

۱۰- ۱۰) .مشارق الأنوار،ص ۱۱۳.

۱۸-شهاب الدّین احمد بن احمد حلوانی،متوفّای ۱۳۰۸ ه. (۱)

۱۹-قاضی بهلول بهجت افندی،متوفّای ۱۳۵۰ ه. (۲)

۲۰-خیر الدّین زرکلی،متوفّای ۱۳۹۶ ه. (۳)

نامبردگـان که همگی از مشاهیر علمای اهل سنّت هسـتند،در آثار گرانقـدر خود ولادت حضـرت ولیّ عصـر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-را در شب جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری ثبت کرده اند.

جمعی از چهره های برجسته ی معاصـر نیز در آثار ارزشمند خود به ولادت آن حضرت در نیمه ی شعبان ۲۵۵ ه.تصریح کرده اند که از آن جمله است«دکتر محمّد بیومی مهران»،استاد دانشگاه اسکندریه (۴)که در شرح حال امام مهدی منتظر علیه السّلام می نویسد:

او امام دوازدهم از امامان آل رسول صلّی اللّه علیه و آله می باشد که در نیمه ی

۱- ۱) .العطر الوردی،ص ۴۹.

۲- ۲) .تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمّد،ص ۱۶۴.

۳- ۳) .الأعلام زرکلی،ج ۶،ص ۸۰.

۴- ۴) .دکتر بیومی در سال ۱۹۲۸ م.در«بصیلیّه»مرکز استان«آسوان»در مصر علیا،در کرانه ی رود نیل دیده به جهان گشود،پس از حفظ قرآن تحصـیلاتش را در اسـکندریه به پایان رسانید و در رشـته ی تاریخ باسـتان دکترا گرفت،و اینک بیش از ۳۰ سال است که در دانشـگاه اسـکندریه تـدریس می کند،و عضو دائم چندین هیئت علمی است،بیش از ۶۰ اثر چاپ شـده دارد و ۴۵ رساله ی دکترا زیر نظر ایشان به رشـته ی تحریر درآمده است.او مدتی در دانشـگاه ابن سـعود ریاض(۱۹۷۳-۱۹۷۷ م.)و مدتی در دانشـگاه امّ القری در مکـه (۱۹۸۳-۱۹۸۷ م.)تـدریس می کرد و اینـک در دانشـگاه اسـکندریه(در کرانـه ی غربی رود نیل)مشغول تدریس است.

شعبان ۲۵۵ ه.در شهر سامرا در ایام خلافت مهدی عباسی (۲۵۵-۲۵۶ ه.)دیده به جهان گشود.

در روز تولّد او،پدرش ۱۰/۰۰۰ رطل نان و ۱۰/۰۰۰ رطل گوشت صدقه داد و ۳۰۰ رأس گوسفند از سوی او عقیقه نمود.

مادر او،امّ ولد بود و«نرجس»نام داشت.

آن حضرت به هنگام درگذشت پدرش پنج سال داشت.خداوند در آن سنّ حکمت و فصل الخطاب به او داده بود و او را آیتی برای جهانیان قرار داده بود،چنانکه پیش از او حضرت یحیی علیه السّلام را در کودکی پیامبر و پیشوا قرار داده بود و حضرت علیه السّلام را در گهواره به پیامبر برانگیخته بود. (۱)

آنگاه به تفصیل دلایل امامت آن حضرت را می شمارد،سپس پیرامون غیبت صغری و کبری گفتگو نموده،نواب اربعه را برمی شمارد و در پایان می افزاید:

غیبت کبری از نیمه ی شعبان ۳۲۸ ه.آغاز شد،از آن تاریخ درب سفارت بسته شد،راه ارتباط امام و پیروان قطع شد، تنها خداوند متعال به راز آن واقف است که رازی از رازهای خداوند است و شک در اسرار خداوند کفر است و عدم آگاهی از آن مجوّز انکار نمی باشد،زیرا ما هرگز به تفصیلات رخدادها واقف نیستیم. (۲)

۱- ۱) .الامامه و اهل البیت،ج ۳،۲۱۶.

۲- ۲) .همان،ص ۲۱۹.

برخی دیگر از علمای اهل سنّت روز و ماه آن را تعیین نکرده اند،ولی تصریح کرده اند که حضرت مهدی علیه السّلام در سال ۲۵۵ هجری جهان را با نور خود منوّر فرموده است،که از آن جمله است:

۱-عماد الدّین اسماعیل ابو الفداء،متوفّای ۷۳۲ ه. (۱)

۲-زین الدّین عمر بن منفطر،ابن وردی،متوفّای ۷۴۹ ه. (۲)

برخی از آنان همه ی مشخّصات را دقیقا همانند شیعیان نوشته اند،جز اینکه به جای نیمه ی شعبان،نیمه ی رمضان ۲۵۵ ه.ثبت کرده اند،که از آن جمله است:عبد الرّحمن صوفی از مشایخ شاه ولیّ اللّه دهلوی،در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء اللّه». (۳)

و برخی از آنها میلاد مسعود آن مهر تابان را در سالهای ۲۵۸ و ۲۵۹ نوشته اند که از آن جمله است:

۱-عبد اللّه بن محمد بن عبد الوارث،ابن ازرق فارقی،متوفّای ۵۹۰ ه.که در کتاب«تاریخ میافارقین»ولادت آن حضرت را در ۱۹ ربیع الاوّل ۲۵۸ ه.

نوشته است. (۴)

۲-کمال الدّین محمّد ابن طلحه شافعی،متوفّای ۶۵۲ ه.که ولادت آن حضرت را در ۲۳ رمضان ۲۵۸ ه.نوشته است. (۵)

ص:۸۳

۱- ۱) .المختصر فی تاریخ البشر،ج ۲،ص ۴۵.

۲- ۲) .تاریخ ابن وردی،ج ۱،ص ۳۱۸.

۳- ۳) .کشف الاستار،ص ۸۱.

۴- ۴) .وفیات الاعیان،ج ۳،ص ۳۱۶.

۵- ۵) .مطالب السّؤول،ص ۸۸.

۳-حسین بن محمّد بن حسن مالکی دیار بکری،متوفّای ۹۶۶ ه.که او نیز ۲۳ رمضان ۲۵۸ ه.را قید کرده است. (۱)

۴-شمس الدّین سامی افندی،متوفّای ۱۳۲۲ ه.که ولادت آن کعبه ی مقصود را در سال ۲۵۹ ه.نوشته است. (۲)

گروهی از علمای اهل سنّت در کتابهای خود به تناسبهای مختلف از حضرت بقیّه اللّه(روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا)گفتگو کرده اند و تصریح نموده اند که او فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام می باشد.اینها اگرچه از تاریخ دقیق تولّد حضرت ولی عصر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- بحث نکرده اند،ولی نظر به این که در مورد وفات امام حسن عسکری علیه السّلام هیچ اختلاف نیست و همه ی مورّخان شیعه و سنّی وفات آن حضرت را به سال ۲۶۰ هجری نوشته اند،لذا محدّثان و مورّخانی که تصریح می کنند که حضرت مهدی فرزند بلافصل امام حسن عسکری است،در واقع اعتراف می کنند که حضرت مهدی علیه السّلام پیش از آن تاریخ دیده به جهان گشوده است.

این اعترافها مشت محکمی است بر دهان یاوه گویانی که نغمه ی«مهدی نوعی»ساز می کنند!

به دلیل اهمیّت این معنی،فهرست اعترافات تعدادی از بزرگان علمای اهل سنّت را که تصریح کرده اند حضرت مهدی فرزند بلافصل امام حسن عسکری است به ترتیب تسلسل زمانی در اینجا می آوریم:

۱-حافظ ابو محمّد بلاذری،متوفّای ۳۳۹ ه.که قسمت اعظم عمر خود

۱- ۱) .تاریخ الخمیس،ج ۲،ص ۳۲۱.

۲- ۲) .قاموس الاعلام ترکی،ج ۶،ص ۴۴۹۵.

را در غیبت صغری سپری کرده و ده سال هم از غیبت کبری را درک نموده است،به پیشگاه آن مهر تابان تشرّف یافته،به استماع حدیثی از آن بزرگوار مفتخر شده است.

متن این حدیث را عبد العزیز دهلوی،متوفّای ۱۲۳۹ ه.که از دشمنان سرسخت عالم تشیّع است،در کتاب«نزهه»از پدرش شاه ولیّ اللّه دهلوی نقل می کند،که او نیز در کتاب«مسلسلات»با سلسله ی سندش از ابن عقله،از بلاذری نقل کرده است. (۱)

۲-علی بن حسین مسعودی،متوفّای ۳۴۶ ه.که قسمتی از غیبت صغری را درک نموده،به هنگام بحث از امام حسن عسکری علیه السّلام می نویسد:«او پدر مهدی منتظر،امام دوازدهم شیعیان است». (۲)

۳-ابو عبد اللّه محمّد بن احمد بن یوسف خوارزمی،متوفّای ۳۸۳ ه.از حضرت مهدی علیه السّلام به عنوان فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام نام برده و سلسله ی نسب آن حضرت را تا امیر مؤمنان علیه السّلام برشمرده است. (۳)

۴-یحیی بن سلامه خصکفی شافعی،متوفّای ۵۵۳ ه.در قصیده ی دالیّه ی خود،اسامی مقدّس ۱۲ امام معصوم را به نظم درآورده و بعد از امام حسن عسکری علیه السّلام از حضرت ولی عصر علیه السّلام و غیبت آن حضرت بحث کرده است. (۴)

متن قصیده ی او را قندوزی نقل کرده است. (۵)

۱- ۱) .استقصاء الافحام،ص ۱۱۹.

۲- ۲) .مروج الذّهب،ج ۲،ص ۴۴۱؛التّنبیه و الاشراف،ص ۱۹۸.

۳- ۳) .مفاتیح العلوم،ص ۳۳.

۴- ۴) .تذکره ی ابن جوزی،ص ۳۲۷.

۵- ۵) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۳۵۲.

۵-ابو محمّد عبد اللّه احمد بن احمد ابن خشّاب،متوفّای ۵۶۷ ه.در کتاب«تاریخ موالید»تصریح می کند که خلف صالح از فرزندان امام حسن عسکری است و نام مادرش نرجس و یا سوسن است. (۱)

۶-موفّق بن احمد مکّی،متوفّای ۵۶۸ ه.و مشهور به:«اخطب خوارزم»با سلسله اسناد خود از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می کند که در شب معراج انوار تابناك امامان معصوم را در سمت راست عرش مشاهده کرده،اسامی فردفرد آنها را بیان نموده،سپس می فرماید:مهدی در میان آنها چون ستاره ای فروزان می درخشید،خداوند فرمود:«ای محمّد!اینها حجّتهای من هستند و او منتقم عترت تست،که به عزّت و جلال خود سوگند:

او حجّت واجبه بر دوستان من است،و انتقام گیرنده از دشمنان من است». (۲)

۷-کمال الدّین محمّد ابن طلحه ی شافعی،متوفّای ۶۵۰ ه.تصریح کرده که خلف صالح مهدی منتظر علیه السّلام فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام است.آنگاه نسب او را تا حضرت علی علیه السّلام برشمرده است. (۳)

۸-شمس الدّین یوسف بن قزاغلی حنفی،معروف به سبط ابن جوزی،و متوفّای ۶۵۴ ه.تصریح کرده که آن کعبه ی مقصود فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام است،و سلسله ی نسب آن حضرت را تا حضرت علی علیه السّلام بر شمرده است. (۴)

ص:۸۶

۱- ۱) .نجم ثاقب،ص ۲۲۴.

۲- ۲) .مقتل خوارزمی،ج ۱،ص ۹۶.

۳- ۳) .مطالب السّؤول،ص ۸۸.

۴- ۴) .تذکره الخواصّ،ص ۳۵.

۹-محمّـد بن یوسف گنجی شافعی،متوفّای ۶۵۸ ه.هنگامی که از زنـدگانی امام حسن عسـکری علیه السّـلام بحث می کند می نویسد:از او فقط یک پسر باقی ماند و او امام منتظر صلوات اللّه علیه است. (۱)

نـامبرده در کتـاب پرارج«البیان فی اخبار صاحب الزّمان»بابی را به پاسـخ شـبهات اختصاص داده،با دلایل قطعی اثبات کرده که حضـرت مهدی علیه السّـلام از روزی که غائب شده تا به امروز زنده است،و چنین عمر طولانی از نظر عقل و شـرع هیچ مانعی ندارد. (۲)

۱۰-عز الـدّین علی ابن اثیر متوفّای ۶۳۰ ه.در تاریخ پرارج«کامل»به هنگام بحث از امام حسن عسـکری علیه السّـلام تصریح می کند که او پدر مهدی منتظر است. (۳)

۱۱-محی الدّین ابن عربی،متوفّای ۶۳۷ ه.در فتوحات مکیّه باب ۳۶۶ می گوید:

«مهدی از عترت رسول خداست.او از فرزندان حضـرت فاطمه است.جدّش حسین بن علی است.پدر او امام حسن عسکری،پسر امام علی النّقی،پسـر امام محمّد تقی،پسر امام رضا،پسر امام کاظم،پسر امام صادق،پسر امام باقر،پسر امام زین العابدین،پسر امام حسین،پسر امام علی رضی اللّه عنه است».

این فراز از گفتار ابن عربی در نسخه های چاپی فتوحات تحریف شده

۱- ۱) .کفایه الطّالب،ص ۳۱۲.

۲- ۲) .البیان،ص ۱۴۸-۱۵۹.

۳- ۳) .کامل ابن اثیر،ج ۱۲،ص ۱۲۹.

است.ولی نسخه های تحریف نشده ی آن در اختیار بزرگان اهل سنّت بوده، و در کتابهایشان منعکس است،که به دو نمونه ی آن دست یافته ایم:

۱)امام عبد الوهّاب شعرانی،متوفّای ۹۷۳ ه.متن کامل باب ۳۶۶ فتوحات مکیّه را آورده. (۱)

۲)شیخ حسن عدوی حمزاوی،متوفّای ۱۳۰۳ ه.نیز قسمت عمده ی این باب را بدون کم و کاست آورده است. (۲)

دسترسی این دو دانشمند به متن تحریف نشده ی فتوحات در قرنهای دهم و سیزدهم نشانه ی آن است که در طول قرنها نسخه های آن سالم بوده، بعد از پیدایش چاپ به تحریف آن دست یازیده اند.

تحریف آثار گذشتگان جنایت بسیار بزرگی است که قدر و اعتبار میراث گرانبهای جهان اسلام را زیر سؤال می برد که با کمال تأسّف در چند کشور از جمله مصر رائج می باشد!. (۳)

۱۲-ابراهیم بن محمّد جوینی،متوفّای ۷۰۳ ه.حدیثی را روایت می کند که تصریح دارد بر اینکه امام بعد از امام حسن عسکری علیه السّلام،فرزند برومندش قائم منتظر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف-است،که به هنگام ظهور بر سراسر جهان هستی فرمانروائی خواهد داشت. (۴)

وی همچنین از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می کند که در شب معراج انوار

۱- ۱) .الیواقیت و الجواهر،ج ۲،ص ۴۴۲-۴۲۸.

۲- ۲) .مشارق الانوار،ص ۱۱۲.

۳- ۳) .در کتاب جزیره ی خضراء،ص ۲۲۱ در این رابطه سخن گفته ایم.

۴- ۴) .فرائد السّمطین،ج ۲،ص ۳۳۸.

طیّبه ی علی و فاطمه و دیگر امامان معصوم را در طرف راست عرش مشاهده نموده،که همگی صف کشیده به عبادت حق تعالی پرداخته اند و مهدی در میان آنها چون ستاره ی درخشانی تجلّی می کند. (۱)

۱۳-صلاح الدّین الصّفدی،متوفّای ۷۴۶ ه.در کتاب«شرح دائره» تصریح می کند که مهدی موعود دوازدهمین امام معصوم است که اوّل آنها علی بن ابی طالب و آخر آنها حضرت مهدی است. (۲)

۱۴-ابو عبد اللّه عفیف الدّین اسعد بن علی بن سلیمان یافعی شافعی، متوفّای ۷۶۸ ه.در پیرامون امام حسن عسکری علیه السّلام بحث می کند و در پایان می نویسد:او پدر امام منتظر و صاحب سرداب است. (۳)

۱۵-عبد اللّه بن محمّد مطری شافعی متوفّای ۷۶۵ ه.، (۴)در کتاب «الریّاض الزّاهره»تصریح می کند که او پسر امام حسن عسکری علیه السّلام، صاحب شمشیر و قائم منتظر است و برای او دو غیبت است. (۵)

۱۶-شمس الدّین ابو عبد اللّه محمّد بن احمد ذهبی شافعی،متوفّای ۸۰۴ ه.تصریح کرده که حضرت بقیّه اللّه روحی فداه فرزند امام حسن عسکری علیه السّلام است و هنوز زنده است،تا خداوند فرمان ظهور دهد و زمین را پر از عدل فرماید. (۶)

ص:۸۹

۱- ۱) .همان مدرک،ص ۳۲۰.

۲- ۲) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۳۴۷.

۳- ۳) .مرآت الجنان،ج ۲،ص ۱۰۷ و ۱۷۲.

۴- ۴) .معجم المؤلفین،ج ۶،ص ۱۰۸؛الدرر الکامنه،ج ۲،ص ۲۸۴.

۵- ۵) .المهدی الموعود المنتظر،ج ۱،ص ۲۰۶.

۶- ۶) .دول الاسلام،ج ۱،ص ۱۲۲.

۱۷-ابو المعالی محمّد بن عبد اللّه بن مبارک رفاعی مخزومی،متوفّای ۸۸۵ ه.در کتاب«صلاح الاخبار فی نسب السّاده الفاطمیّه الاطهار» تصریح می کند که ولیّ اللّه اعظم امام زمان علیه السّلام فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام است. (۱)

۱۸-عبد الرّحمن بن احمد بن قوام الدّین شافعی،معروف به جامی، متوفّای ۸۹۸ ه.در کتاب پرارج«شواهد النّبوّه»داستان ولادت آن حضرت را مشروحا نوشته،و از عدّه ای از اصحاب امام حسن عسکری علیه السّلام نام برده که در عهد امام حسن عسکری علیه السّلام به دیدار آن جمال الهی نائل گشته اند. (۲)آنگاه سخنان خود را با اشعار نغزی حسن ختام داده که مطلعش این است:

بیا ای امام هدایت شعار که بگذشت از حد غم انتظار

ز روی همایون بر افکن نقاب عیان ساز رخسار چون آفتاب (۳)

۱۹-احمد بن حجر هیثمی مکّی،متوفّای ۹۷۴ ه.در کتاب:«الصّواعق المحرقه»که آن را به عنوان ردّ بر شیعیان نوشته،شرح حال کوتاهی از امامان معصوم علیهم السّلام آورده،در پایان شرح حال امام حسن عسکری علیه السّلام می نویسد:

«به سن ۲۸ سالگی در سامرا درگذشت و در کنار پدرش به

۱- ۱) .المهدی الموعود المنتظر،ج ۱،ص ۲۰۶.

۲- ۲) .کشف الاستار،ص ۵۵.

۳- ۳) .متن کامل این اشعار در حبیب السّیر،ج ۲،ص ۱۱۳ آمده است.

خاک سپرده شد،گفته می شود او نیز به وسیله ی سمّ از دنیا رفته است».

سپس می افزاید:

«جز فرزندش ابو القاسم محمّد حجّت جانشینی بر جای نگذاشت،که به هنگام وفات پدرش پنجساله بود،و لکن در آن سنّ و سال خداوند حکمت به او عطا فرموده بود». (۱)

۲۰-محمّد بن علی صبّان مصری شافعی،متوفّای ۱۲۰۶ ه.نیز تصریح کرده که آن مهر تابان فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام است و سلسله ی نسب او را تا امیر مؤمنان علیه السّلام نوشته،قسمتی از مناقب آن حضرت را برشمرده است. (۲)

* اینها گروهی از بزرگان اهل سنّت هستند که در کتابهای خود در مورد حضرت مهدی علیه السّلام به کلّی گوئی اکتفا نکرده اند،بلکه به صراحت گفته اند که مهدی موعود فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السّلام است.امّا در مورد اصل مهدویّت حتّی یک نفر هم یافت نمی شود که منکر ظهور مصلح جهانی در آخر الزّمان باشد.در این زمینه روایتی نیز از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در کتب اهل سنّت نقل شده که هرکس حضرت مهدی را انکار کند کافر است،و

ص:۹۱

۱- ۱) .الصّواعق المحرقه،ص ۲۰۸.

۲- ۲) .اسعاف الرّاغبین،ص ۱۴۲.

گروهی از علمای اهل سنّت برطبق آن فتوی داده اند.متن حدیث این است:

ابو بکر اسکاف متوفّای ۸۵۲ ه. (۱)در«فوائد الاخبار»و ابو القاسم سهیلی در«شرح السّیره»و جلال الدّین سیوطی، در«العرف الوردی»روایت کرده اند از جابر بن عبد اللّه انصاری که رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

«من کذّب بالمهدیّ فقد کفر»:

«هرکس حضرت مهدی را انکار کند کافر است». (۲)

*

۱- ۱) .فرائد فوائد الفکر،ص ۲۲۰،پ:از انساب،ج ۱،ص ۲۳۴.

۲- ۲) .عقد الدّرر،ص ۱۵۷؛الروّض الانف،ج ۲،ص ۴۳۱؛الحاوی للفتاوی،ج ۲،ص ۷۸.

ضرورت شناخت امام زمان علیه السّلام

اشاره

از دلایـل عقلی و نقلی فراوانی اسـتفاده می شـود کـه بایـد همـه ی انسانهـا در همـه ی اعصـار و امصـار،امـام زمـان خـود را بشناسند،وگرنه رشته ی اتّصال آنان از آئین مقدّس اسلام گسسته،به عهد بربریّت و جاهلیّت خواهند پیوست.

در این گفتار ما درصـدد برشـمردن دلایل عقلی و نقلی این حقیقت نیستیم، بلکه تنها از اسـناد و مـدارک حـدیث معروف:«من مات و لم یعرف امام زمانه،مات میته جاهلیّه»:سـخن خواهیم گفت و تعبیرهای مختلف این حدیث شـریف را به مقداری که در یک مقال بگنجد برخواهیم شمرد.

بـا توجّه به این که این حـدیث بـا تعبیرهـای مختلفی در منـابع اهـل تشـیّع و تسـنّن آمـده،متون وارده را بـا دقّت کامـل بررسـی کرده،در سه بخش به خوانندگان تقدیم گرامی می نماییم:

۱.متونی که عینا-بدون هیچ کم و زیاد-در منابع شیعه و سنّی آمده است.

۲.متونی که فقط در منابع اهل سنت آمده است.

۳.متونی که فقط در منابع شیعه وارد شده است.

***

بخش اوّل: در منابع فریقین

متونی که در منابع شیعه و سنّی بدون هیچ کم و کاست آمده:

۱-«من مات و لم یعرف امام زمانه،مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن مشهورترین متن این حدیث شریف است که جمع کثیری از علمای شیعه و سنّی آن را با سلسله اسناد خود،در کتابهای حدیثی،تفسیری و کلامی از رسول گرامی اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده اند.

و اینک راویان این حدیث با این تعبیر از علمای شیعه:

۱.ابو القاسم علی بن محمّد بن علی خزاز،قرن چهارم. (۱)

۲.ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه،مشهور به«شیخ صدوق»متوفّای ۳۸۱ ه. (۲)

۳.سیّد مرتضی علم الهدی،متوفّای ۴۳۶ ه. (۳)

۴.امین الاسلام،ابو علی،فضل بن حسن طبرسی،متوفّای ۵۴۸ ه. (۴)

۵.سید ابو القاسم،علی بن موسی بن جعفر مشهور به«سید ابن طاووس» متوفّای ۶۶۴ ه. (۵)

۱- ۱) .کفایه الاثر،ص ۲۹۲.

۲- ۲) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۰۹.

۳- ۳) .الذّخیره فی الکلام،ص ۴۹۵.

۴- ۴) .اعلام الوری،ص ۴۱۵.

۵- ۵) .اقبال الاعمال،ص ۴۶۰.

۶.علی بن عیسی اربلی،متوفّای ۶۹۳ ه. (۱)

۷.حسن بن یوسف بن مطهر،مشهور به«علامه حلّی»،متوفّای ۷۲۶ ه. (۲)

۸.علی بن حسین بن عبد العالی،مشهور به«محقّق کرکی»متوفّای ۹۴۰ ه. (۳)

۹.شیخ بهاء الدّین محمّد عاملی،مشهور به«شیخ بهائی»متوفّای ۱۰۳۰ ه. (۴)

۱۰.ملاّ محسن فیض کاشانی،متوفّای ۱۰۹۱ ه. (۵)

۱۱.محمّد بن حسن،مشهور به«شیخ حرّ عاملی»متوفّای ۱۱۰۴ ه. (۶)

۱۲.مولی محمّد باقر مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه. (۷)

و امّا راویان این حدیث شریف به همین تعبیر از اهل سنّت:

۱.مسلم بن حجّاج نیشابوری،متوفّای ۲۶۱ ه. (۸)

۲.قاضی عبد الجبّار معتزلی،متوفّای ۴۱۵ ه. (۹)

۳.محمّد بن فتوح حمیدی،متوفّای ۴۸۸ ه. (۱۰)

۱- ۱) .کشف الغمّه،ج ۳،ص ۳۱۸.

۲- ۲) .منهاج الکرامه،ص ۲۷.

۳- ۳) .نفحات اللاّهوت،ص ۱۳ و ترجمه ی آن،ص ۲۳.

۴- ۴) .اربعین شیخ بهائی:ص ۲۰۶.

۵- ۵) .گلزار قدس،به نقل سفینه البحار،ج ۶،ص ۷۵.

۶- ۶) .وسائل الشیعه،ج ۱۶،ص ۲۴۶.

۷- ۷) .بحار الأنوار،ج ۸،ص ۳۶۸،ج ۳۲،ص ۳۲۱ و ۳۳۱،ج ۵۱،ص ۱۶۰،ج ۶۸،ص ۳۳۹.

۸- ۸) .صحیح مسلم،به نقل ملاّ علی قاری در خاتمه ی«الجواهر المضیئه»ج ۲،ص ۴۷۵ (الغدیر:۳۶۰/۱۰).

۹- ۹) .المغنی،ج ۱،ص ۱۱۶(شناخت امام،ص ۳۴).

۱۰- ۱۰) .الجمع بین الصّحیحین حمیدی،ج ۲،ص ۳۰۶.

۴.مسعود بن عمر بن عبد اللّه،مشهور به«سعد الدّین تفتازانی»متوفّای ۷۹۱ ه. (۱)

۵.علی بن سلطان محمّد،مشهور به«ملاّ علی قاری»متوفّای ۱۰۱۴ ه. (۲)

۶.مولی حیدر علی فیض آبادی هندی،متوفّای ۱۲۰۵ ه. (۳)

۷.حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی،متوفّای ۱۲۹۴ ه. (۴)

۲-«من مات و لم یعرف امام زمانه فقد مات میته جاهلیّه»:

در این متن فقط کلمه ی«فقد»بر متن نخستین افزوده شده و مفهوم حدیث را با تأکید بیشتری بیان می کند.

این متن را از علمای بزرگ شیعه:ابو جعفر محمّد بن علی بن شهرآشوب،متوفّای ۵۸۸ ه.روایت کرده (۵)و از علمای اهل سنّت گروهی آن را نقل کرده اند که از آن جمله است:

۱.شیخ ابو سعید خادمی حنفی،متوفّای ۱۱۶۸ ه. (۶)

۲.قاضی بهلول بهجت افندی،مشهور به«قاضی زنگنه زوری»متوفّای ۱۳۵۰ ه. (۷)

۱- ۱) .شرح المقاصد،ج ۵،ص ۲۳۹.

۲- ۲) .الجواهر المضیئه،ج ۲،ص ۵۰۹(شناخت امام،ص ۴۱).

۳- ۳) .ازاله الغین(شناخت امام،ص ۴۲).

۴- ۴) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۳۷۲.

۵- ۵) .مناقب آل ابی طالب،ج ۱،ص ۳۰۴.

۶- ۶) .بریقه المحمودیّه،ج ۱،ص ۱۱۶(احقاق:۶۵۱/۱۹).

۷- ۷) .تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمّد،ص ۱۶۶.

۳-«من مات بغیر امام مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بدون امام از دنیا برود به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

راویان حدیث شریف از علمای شیعه:

۱.محمّد بن محمّد بن نعمان،مشهور به«شیخ مفید»متوفّای ۴۱۳ ه. (۱)

۲.محمّد بن مسعود بن عیّاش سلمی،از بزرگان قرن سوم هجری. (۲)

۳.شیخ محمّد مشهدی،از علمای قرن دوازدهم هجری. (۳)

و اما راویان آن از علمای بزرگ اهل سنّت:

۱.ابو داوود سلیمان بن داوود طیالسی،متوفّای ۲۰۴ ه. (۴)

۲.احمد حنبل پیشوای حنابله،متوفّای ۲۴۱ ه. (۵)

۳.ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی،متوفّای ۳۶۰ ه. (۶)

۴.عبد الحمید،ابن ابی الحدید معتزلی،متوفّای ۶۵۶ ه. (۷)

۵.نور الدّین علی بن ابی بکر هیثمی،متوفّای ۸۰۷ ه. (۸)

۶.جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه. (۹)

۱- ۱) .اختصاص شیخ مفید،ص ۲۶۸.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۲،ص ۳۰۳.

۳- ۳) .تفسیر کنز الدّقائق،ج ۷،ص ۴۶۰.

۴- ۴) .مسند طیالسی،ص ۲۵۹ ح ۱۹۱۳.

۵- ۵) .مسند احمد،ج ۴،ص ۹۶.

۶- ۶) .معجم کبیر،ج ۱۹،ص ۳۸۸.

۷- ۷) .شرح نهج البلاغه،ج ۹،ص ۱۵۵.

۸- ۸) .مجمع الزّوائد،ج ۵،ص ۲۱۸.

۹- ۹) .جامع الاحادیث،ج ۷،ص ۳۸۴،ح ۶-۲۳۱۱۴.

۷.علی بن حسام الدّین،مشهور به«متّقی هندی»متوفّای ۹۷۵ ه. (۱)

۸.محمّد بن سلیمان مغربی،متوفّای ۱۰۹۴ ه. (۲)

۴-«من مات لا یعرف امامه مأت میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامش را نشناسد با مرگ جاهلی مرده است».

این متن را حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی،متوفّای ۱۲۹۴ ه.از بزرگان اهل سنّت در کتاب ارزشمند«ینابیع المودّه»روایت کرده (۳)و جمع کثیری از علمای بزرگ شیعه آن را در منابع حدیثی خود آورده اند که از آن جمله است:

۱.ابو جعفر احمد بن محمّد بن خالد برقی،متوفّای ۲۷۴ ه. (۴)

۲.علی بن حسین بن موسی بن بابویه-پدر شیخ صدوق-متوفّای ۳۲۹ ه. (۵)

۳.محمّد بن یعقوب کلینی،متوفّای ۳۲۹ ه. (۶)

۴.محمّد بن ابراهیم نعمانی،از بزرگان شیعه در قرن چهارم هجری. (۷)

۵.محمّد بن علی بن بابویه،مشهور به«شیخ صدوق»متوفّای ۳۸۱ ه. (۸)

۱- ۱) .کنز العمّال،ج ۱،ص ۱۰۳ ح ۴۶۴،ج ۶،ص ۶۵ ح ۱۴۸۶.

۲- ۲) .مجمع الفوائد،ج ۲،ص ۲۵۹(شناخت امام:۴۲).

۳- ۳) .ینابیع المودّه،ج ۱،ص ۳۵۱.

۴- ۴) .محاسن برقی،ج ۱،ص ۲۵۲ ح ۴۷۵.

۵- ۵) .الامامه و التّبصره،ص ۲۱۹.

۶- ۶) .اصول کافی،ج ۱،ص ۳۷۷.

۷- ۷) .غیبت نعمانی،ص ۱۳۰.

۸- ۸) .ثواب الاعمال،ص ۲۰۵.

۶.ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه. (۱)

۷.سیّد هاشم بحرانی،متوفّای ۱۱۰۹ ه. (۲)

۸.مولی محمّد باقر مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه. (۳)

۵-«من مات و لیس علیه امام فمیتته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد،مرگش بر عهد جاهلیّت است».

این متن را از بزرگان اهل سنّت«طبرانی»متوفّای ۳۶۰ ه.در معجم کبیر (۴)از بزرگان شیعه و فضل بن شاذان نیشابوری،متوفّای ۲۶۰ ه.از اصحاب امام رضا علیه السّلام در کتاب گرانسنگ«الایضاح»روایت کرده اند. (۵)

۶-«من مات لیس علیه امام فمیتته میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد،مرگش همانند مرگ دوران جاهلیّت است».

این متن را پیشوای محدّثان شیعه،محمّد بن یعقوب کلینی،متوفّای ۳۲۹ ه.در کافی شریف روایت نموده، (۶)و گروهی از علمای اهل تسنّن در کتابهای حدیثی خود آورده اند که از آن جمله است:

۱- ۱) .اختیار رجال کشّی،ص ۴۲۵ ح ۷۹۹.
۲- ۲) .تفسیر البرهان،ج ۱،ص ۳۸۶.
۳- ۳) .بحار الأنوار،ج ۸،ص ۳۶۲ و ج ۲۳،ص ۷۸ و ۸۵.
۴- ۴) .معجم کبیر طبرانی،ج ۱۰،ص ۲۸۹ ح ۱۰۶۷۸؛مختصر البصائر،ص ۱۵۶،ح ۱۷۲.
۵- ۵) .الایضاح،ص ۷۵.
۶- ۶) .اصول کافی،ج ۱،ص ۳۷۶.

۱.احمد بن عمر بزّار،متوفّای ۳۲۰ ه.در زوائد. (۱)

۲.نور الدّین علی بن ابی بکر هیثمی،متوفّای ۸۰۷ ه.در مجمع و کشف الاستار. (۲)

۷-«من مات و لیس له امام مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را از بزرگان اهل سنّت،علاء الدّین علی بن بلبان فارسی حنفی، متوفّای ۷۳۹ ه.روایت کرده (۳)و از محدّثان بزرگ شیعه جمع کثیری روایت نموده اند که از آن جمله است:

۱.ابو جعفر محمّد بن یعقوب کلینی،متوفّای ۳۲۹ ه. (۴)

۲.علی بن حسین بن بابویه-پدر شیخ صدوق-متوفّای ۳۲۹ ه. (۵)

۳.محمّد بن علی ابن بابویه،مشهور به شیخ صدوق متوفّای ۳۸۱ ه. (۶)

۴.علاّمه ی بزرگوار مولی محمّد باقر مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه. (۷)

***

۱- ۱) .زوائد بزّار،ج ۱،ص ۱۴۴،ج ۲،ص ۱۴۳.(شناخت امام،ص ۳۳).

۲- ۲) .مجمع الزّائد،ج ۵،ص ۲۴۴ و ۲۵۵؛کشف الاستار عن زوائد البزّار،ج ۲،ص ۲۵۲ ح ۱۶۳۵.

۳- ۳) .الاحسان بترتیب صحیح ابن حبّان،ج ۷،ص ۴۹(شناخت امام:۳۸).

۴- ۴) .اصول کافی،ج ۱،ص ۳۷۸ ح ۲.

۵- ۵) .الامامه و التّبصره،ص ۲۲۰.

۶- ۶) .کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۱۲،۴۱۳ و ۶۶۸.

۷- ۷) .بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۷۸ و ۸۸.

بخش دوّم: در منابع اهل سنت

متونی که فقط در منابع اهل سنّت آمده و عین آن تعبیر در منابع شیعه نیامده،و یا ما در این فرصت کوتاه،به آن دست نیافته ایم:

۱-«من لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس امام زمانش را نشناسد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مطابق نقل مؤلفین«احقاق الحق»،مسلم بن حجّاج نیشابوری،متوفّای ۲۶۱ ه.در صحیح خود آورده است. (۱)

۲-«من مات بغیر امام فقد مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بدون امام از دنیا برود،به راستی به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را حافظ احمد بن عبد اللّه اصفهانی،مشهور به«ابو نعیم» متوفّای ۴۳۰ ه.در حلیه روایت کرده است. (۲)

۳-«من مات و لا امام له مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نیست،به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۱.ابو جعفر محمّد بن عبد اللّه اسکافی معتزلی،متوفّای ۲۴۰ ه.در

۱- ۱) .صحیح مسلم،ج ۸،ص ۱۰۷.احقاق الحق:۸۵/۱۳).

۲- ۲) .حلیه الاولیاء:ج ۳،ص ۲۲۴.

کتاب ارزشمند«المعیار و الموازنه» (۱)و«نقض کتاب العثمانیّه». (۲)

۲.عبد الحمید،ابن ابی الحدید معتزلی،متوفّای ۶۵۶ ه. (۳)

۴-«من مات و لا بیعه علیه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و بیعتی بر عهده ی او نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را گروهی از بزرگان اهل سنّت روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱.محمّد بن سعد،کاتب واقدی،متوفّای ۲۳۰ ه.در کتاب طبقات. (۴)

۲.جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه. (۵)

۳.علاء الدین علی بن حسام الدّین،مشهور به«متّقی هندی»متوفّای ۹۷۵ ه. (۶)

۵-«من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۱- ۱) .المعیار و الموازنه،ص ۲۴.

۲- ۲) .نقض کتاب العثمانیه،ص ۲۹(الغدیر:۳۶۰/۱۰).

۳- ۳) .شرح نهج البلاغه،ج ۱۳،ص ۲۴۲.

۴- ۴) .طبقات ابن سعد،ج ۵،ص ۱۴۴.

۵- ۵) .جامع الاحادیث،ج ۷،ص ۳۸۴،ح ۲۳۱۱۳.

۶- ۶) .کنز العمّال،ج ۱،ص ۱۰۳ ح ۴۶۳.

این متن را مسلم بن حجّاج نیشابوری،متوفّای ۲۶۱ ه.در صحیح و ابو بکر احمد بن حسین بن علی بیهقی،متوفّای ۴۵۸ ه.در سنن خود آورده است. (۱)

۶-«من مات و لیس علیه طاعه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و اطاعتی(اطاعت امامی)بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را هیثمی در مجمع الزّوائد نقل کرده است. (۲)

۷-«من مات و لا طاعه علیه مات میته جاهلیّه»:

این متن را با این تعبیر جمعی از علمای اهل سنّت روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱.عبد اللّه بن محمّد بن ابی شیبه،متوفّای ۲۳۵ ه.در کتاب«المصنّف». (۳)

۲.شهاب الدّین احمد بن علی،ابن حجر عسقلانی،متوفّای ۸۵۲ ه. (۴)

۸-«من مات و لیست علیه طاعه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و اطاعتی(اطاعت امامی)به گردنش نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را گروهی از علمای اهل سنّت در منابع حدیثی خود آورده اند که از آن جمله است:

۱- ۱) .صحیح مسلم،ج ۳،ص ۱۴۷۸ ح ۱۸۵۱؛السنن الکبری،ج ۸،ص ۱۵۶.

۲- ۲) .مجمع الزّوائد،ج ۵،ص ۲۲۳.

۳- ۳) .المصنّف ابن ابی شیبه،ج ۸،ص ۶۰۵ ح ۹۲.

۴- ۴) .المطالب العالیه،ج ۲،ص ۲۲۸ ح ۲۰۸۸(شناخت امام،ص ۴۰).

۱.احمد حنبل پیشوای حنابله،متوفّای ۲۴۱ ه.در مسند خود. (۱)

۲.محمّد بن اسماعیل بخاری،متوفّای ۲۵۶ ه.در تاریخ خود. (۲)

۳.ابو الحسن علی بن جعد جوهری،متوفّای ۲۳۰ ه.در مسند خود. (۳)

۴.حمید بن رنجویه،متوفّای ۲۵۱ ه.در کتاب«الاموال» (۴)

۵.جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه. (۵)

۶.متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه.در کتاب«کنز» (۶)

۹-«من مات و لیس فی عنقه لامام المسلمین بیعه،فمیتته میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و در گردنش برای امام مسلمانان بیعتی نباشد،مرده اش مرده ی جاهلی است».

این متن را محمود بن عمر زمخشری،متوفّای ۵۳۸ ه.در«ربیع الابرار»روایت کرده است. (۷)

۱۰-«من مات و لم یعرف امام زمانه،فلیمت ان شاء یهودیّا و ان شاء نصرانیّا»:

۱- ۱) .مسند احمد،ج ۳،ص ۴۴۶.

۲- ۲) .التّاریخ الکبیر،ج ۶،ص ۴۴۵ ح ۲۹۴۳.

۳- ۳) .مسند ابی الحسن جوهری،ج ۲،ص ۸۵۰ ح ۲۳۷۵.

۴- ۴) .الاموال،ج ۱،ص ۸۲(شناخت امام،ص ۳۲).

۵- ۵) .جامع الاحادیث،ج ۷،ص ۳۸۱،ح ۲۳۰۹۴.

۶- ۶) .کنز العمّال،ج ۶،ص ۶۵ ح ۱۴۸۶۱.

۷- ۷) .ربیع الابرار،ج ۴،ص ۲۲۱(شناخت امام:۳۶).

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد،اگر بخواهد یهودی از دنیا می رود و اگر بخواهد نصرانی از دنیا می رود».

این متن را مطابق نقل آیت اللّه حاج شیخ لطف اللّه صافی (۱)محمّد بن عمر تیمی،مشهور به«فخر رازی»متوفّای ۶۰۶ ه.در رساله ی«المسائل الخمسون»روایت کرده است. (۲)

***

بخش سوّم: در منابع شیعه

متونی که فقط در روایات علمای شیعه آمده،و یا در این فرصت کوتاه در منابع حدیثی اهل تسنّن به آنها راه نیافته ایم:

۱-«من مات لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد،با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مرحوم علاّمه ی مجلسی در بحار آورده است. (۳)

۲-«من مات و هو لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امام زمانش را نمی شناسد به مرگ جاهلی مرده است».

۱- ۱) .پیرامون معرفت امام،ص ۸.

۲- ۲) .المسائل الخمسون،ص ۳۸۴،مسأله ی ۴۷.

۳- ۳) .بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۹۴ و ج ۳۷،ص ۲۷.

این متن را جمعی از بزرگان عالم تشیّع روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱.محمّد بن محمّد بن نعمان،«شیخ مفید»متوفّای ۴۱۳ ه. (۱)

۲.ابو الفتح محمّد بن علی کراجکی،متوفّای ۴۴۹ ه. (۲)

۳.غوّاص بحار معارف آل محمّد،علاّمه مجلسی متوفّای ۱۱۱۰ ه. (۳)

۴.خاتمه المحدّثین،حاج شیخ عبّاس قمی،متوفّای ۱۳۵۹ ه. (۴)

۳-«من مات لیس له امام مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را جمعی از بزرگان محدثان شیعه روایت کرده اند،از جمله:

۱.ابو جعفر احمد بن محمّد برقی،متوفّای ۲۷۴ ه.روایت کرده است. (۵)

۲.ابو جعفر محمّد بن حسن بن فروخ،مشهور به«صفّار»متوفّای ۲۹۰ ه. (۶)

۳.سعد بن عبد اللّه بن خلف اشعری،متوفّای ۳۰۱ ه. (۷)

۴-«من مات و لیس له امام فمیتته میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد مرده اش مرده ی جاهلی است».

۱- ۱) .الافصحاح،ص ۲۸.
۲- ۲) .کنز الفوائد،ج ۱،ص ۳۲۹.
۳- ۳) .بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۹۴ و ج ۳۷،ص ۲۷.
۴- ۴) .سفینه البحار،ج ۶،ص ۲۱۹.
۵- ۵) .محاسن برقی:ج ۱،ص ۲۵۲ ح ۴۷۲.
۶- ۶) .بصائر الدرجات،ص ۵۰۹،ح ۱۱.
۷- ۷) .مختصر بصائر الدرجات،ص ۱۵۶،ح ۱۷۲.

این متن را پیشوای محدّثان شیعه مرحوم کلینی در کافی شریف روایت نموده است. (۱)

۵-«من بات لیله لا تعرف فیها امامه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس شبی را سحر کند که در آن امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را ابو عبد اللّه محمّد بن ابراهیم نعمانی،متوفّای بعد از ۳۴۲ ه.

روایت کرده است. (۲)

۶-«من مات و لا یعرف امامه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهی از دنیا رفته است».

این متن را گروهی از بزرگان شیعه روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱.محمّد بن یعقوب کلینی،متوفّای ۳۲۹ ه.در کافی شریف. (۳)

۲.محمّد بن مسعود بن عیّاش سلمی-قرن چهارم-در تفسیرش. (۴)

۳.ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.در اختیار رجال کشی. (۵)

۱- ۱) .اصول کافی،ج ۱،ص ۳۷۱ ح ۵ و ص ۳۷۶ ح ۲.

۲- ۲) .غیبت نعمانی،ص ۱۲۷.

۳- ۳) .اصول کافی،ج ۲،ص ۲۰ و ۲۱.

۴- ۴) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۵۲.

۵- ۵) .رجال کشّی،ص ۴۷۳ ح ۸۹۹.

۴.علامه ی بزرگوار مولی محمّد باقر مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه.در بحار. (۱)

۷-«من مات و هو لا یعرف امامه مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را ابو جعفر احمد بن محمّد برقی،متوفّای ۲۷۴ ه.در محاسن آورده است. (۲)

۸-«من مات و لیس علیه امام مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را مرحوم کلینی در کافی شریف روایت کرده است. (۳)

۹-«من مات و لیس علیه امام فمات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد،پس به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را محمّد بن جریر طبری،از بزرگان جهان تشیّع در قرن چهارم، معاصر و همنام طبری معروف،در کتاب بسیار ارزشمند«المسترشد» روایت کرده است. (۴)

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۶۸،ص ۳۳۷ و ۳۸۷.

۲- ۲) .محاسن برقی،ج ۱،ص ۲۵۱،ح ۴۷۴؛بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۷۶.

۳- ۳) .اصول کافی،ج ۱،ص ۳۹۷.

۴- ۴) .المسترشد فی امامه امیر المؤمنین،ص ۱۷۷.

۱۰-«من مات و لیس له امام یسمع له و یطیع،مات میته جاهلیّه»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد که به فرمانش گوش دهد و از اوامرش اطاعت کند،به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را شیخ مفید قدس سره در کتاب«الاختصاص»آورده است. (۱)

۱۱-«من مات و لیس علیه امام حیّ ظاهر،مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امام زنده و روشنی نداشته باشد،به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را نیز شیخ مفید قدس سره روایت کرده است. (۲)

۱۲-«من مات و لیس له امام من ولدی مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی از فرزندانم برایش نباشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را ابو جعفر محمّد بن علی بن بابویه،مشهور به«شیخ صدوق» در کتاب«عیون»از امام هشتم،از پدران بزرگوارش،از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است (۳)

۱- ۱) .اختصاص شیخ مفید،ص ۲۶۹.

۲- ۲) .همان مدرک.

۳- ۳) .عیون الأخبار،ج ۲،ص ۵۸ ح ۲۱۴؛کنز الفوائد،ج ۱،ص ۳۲۷.

۱۳-«من مات و لیس فی عنقه بیعه امام مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و بیعت امامی در گردنش نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را سید مرتضی علم الهدی،متوفّای ۴۳۶ ه.در کتاب«الفصول المختاره»روایت کرده است. (۱)

۱۴-«من مات و لیس له امام یأتمّ به،فمیتته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امامی نداشته باشد که از او پیروی کند، مرگش مرگ جاهلی است».

این متن را عیاشی در تفسیر خود آورده است. (۲)

اینها جمعا ۳۱ متن بود که از نظر خوانندگان گرامی گذشت که ۱۰ متن از آنها اختصاص به اهل سنّت داشت و ۱۴ متن از آنها به احادیث شیعه اختصاص داشت و ۷ متن از آنها عینا در منابع مورد اعتماد و استناد شیعه و سنّی آمده است.

هدف ما از ارائه این متون اثبات تواتر معنوی حدیث شریف:«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»بود،که با اندک تأمّلی در متون یاد شده هرشخص با انصافی به این نتیجه می رسد.

برخی از بزرگان شیعه و برخی از علمای اهل تسنّن بر تواتر آن تصریح

۱- ۱) .الفصول المختاره،ص ۲۴۵.

۲- ۲) .تفسیر عیاشی،ج ۲،ص ۱۸۵،ج ۱۶۹۹.

کرده اند که عین تعبیرشان را در اینجا می آوریم،سپس نکاتی را یادآور می شویم:

۱.شیخ مفید،متوفّای ۴۱۳ ه.در کتاب پرارزش«الافصاح»می فرماید:

این حدیث به صورت«متواتر»از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده که فرمود:«من مات و هو لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه». (۱)

وی همچنین رساله ی مستقلّی در این رابطه تألیف کرده و در آغاز آن می فرماید:

حدیث:«من مات و هو لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»

روایت صحیحه است،و اجماع اهل آثار بر آن گواهی می دهد. (۲)

و صریح آیه ی قرآن: یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ (۳)معنای آن را تقویت می کند.

۲.سید ابن طاووس،متوفّای ۶۶۴ ه.در این رابطه می نویسد:

به طور«متظافر»از صاحب شریعت نبویّه رسیده است که فرمود:

«من مات و هو لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه». (۴)

۳.شیخ بهائی،متوفّای ۱۰۳۰ ه.در این رابطه می فرماید:

در میان شیعه و سنّی مورد اتّفاق است که رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه» (۵)

۱- ۱) .الافصاح،ص ۲۸.
۲- ۲) .مصنفّات الشّیخ المفید،ج ۷ رساله ی هفتم«الرّساله الاولی فی الغیبه»،ص ۱۲.
۳- ۳) .سوره ی اسراء،آیه ی ۷۱.
۴- ۴) .اقبال الاعمال،ص ۴۶۰.
۵- ۵) .اربعین شیخ بهائی،ص ۲۰۶.

۴.علامه مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه.در این زمینه می فرماید:

شیعه و سنّی به صورت«متواتر»روایت کرده اند که«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه» (۱)

۵.سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی،متوفّای ۱۲۹۴ ه.می فرماید:

این حدیث در میان شیعه و سنّی متّفق علیه است که:«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه» (۲)

۶.قاضی بهلول بهجت افندی زنگنه زوری،متوفّای ۱۳۵۰ ه.می نویسد:

حدیث«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه» متّفق علیه علمای عامّه و خاصّه می باشد. (۳)

۷.ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این فراز از کلام امیر مؤمنان علیه السّلام که می فرماید:

«لا یدخل الجنّه الاّ من عرفهم و عرفوه»:

«وارد بهشت نمی شود جز کسی که امامان را بشناسد و امامان نیز او را بشناسند». (۴)

پس از استناد به آیه ی شریفه ی: یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُنٰاسٍ بِإِمٰامِهِمْ (۵)و حدیث:

ص:۱۱۲

۱- ۱) .بحار الأنوار،ج ۸،ص ۳۶۸.

۲- ۲) .ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۴۵۶.

۳- ۳) .تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمّد،ص ۱۶۶.

۴- ۴) .نهج البلاغه:خطبه ی ۱۵۲.[صبحی صالحی،ص ۲۱۲].

۵- ۵) .سوره ی اسراء:آیه ی ۷۱.

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»می گوید:

«اصحاب ما همگی بر درستی این مطلب معتقد هستند که هر کس امامان را نشناسد وارد بهشت نمی شود». (۱)

۸.سیوطی و آلوسی در ذیل آیه ی شریفه ی: یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُنٰاسٍ بِإِمٰامِهِمْ (۲)از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده اند که فرمود:

«یدعی کلّ قوم بامام زمانهم»:

«روز قیامت هرگروهی با امام زمانشان فراخوانده می شوند». (۳)

۹.عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمده است. (۴)

۱۰.مرحوم طبرسی آن را به تعبیر:«یدعی کلّ اناس بامام زمانهم» روایت کرده است. (۵)

۱۱.در منابع حدیثی آمده است که حضرت امام حسین علیه السّلام در پیرامون «شناخت خدا»سخن می گفت،یکی از اصحاب پرسید:«پدر و مادرم به فدایت،معنای شناخت خدا چیست؟»

سالار شهیدان در پاسخ فرمود:

«معرفه اهل کلّ زمان امامهم الّذی یجب علیهم طاعته»:

۱- ۱) .شرح نهج البلاغه،ج ۹،ص ۱۵۵.

۲- ۲) .سورهٔ اسراء،آیه ی ۷۱.

۳- ۳) .الدّر المنثور،ج ۴،ص ۱۹۴ و روح المعانی،ج ۱۵،ص ۱۱۲.

۴- ۴) .عیون الأخبار،ج ۲،ص ۳۲ ح ۶۱؛تفسیر کنز الدّقائق،ج ۷،ص ۴۵۵.

۵- ۵) .تفسیر مجمع البیان،ج ۶،ص ۶۶۳.

«شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هرزمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است». (1)

۱۲.امام سجاد علیه السّلام در تفسیر آیه ی شریفه ی فِطْرَتَ اللّهِ الَّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها (۲)فرمود:

«فطرت عبارت است:از لا اله الاّ اللّه،محمّد رسول اللّه و علیّ ولیّ اللّه».

سپس فرمود:

«الی هیهنا التّوحید»:

«توحید تا اینجاست». (۳)

از این دو حدیث به روشنی معلوم می شود که شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست،بلکه یکی از ابعاد آن است،چنانکه دعای معرفت که از ناحیه ی مقدّسه صادر شده،اشاره ی لطیفی به آن دارد،آنجا که می فرماید:

«اللّهمّ عرّفنی نفسک،فانّک ان لم تعرّفنی نفسک لم اعرف نبیّک،اللّهمّ عرّفنی نبیّک،فانّک ان لم تعرّفنی نبیّک لم اعرف حجّتک:اللّهمّ عرّفنی حجّتک،فانّک ان لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی».

۱- ۱) .علل الشرائع،ص ۹،کنز الفوائد،ص ۱۵۱؛بحار الأنوار،ج ۵،ص ۳۱۲،ج ۲۳،ص ۸۳ و ۹۳.

۲- ۲) .سوره ی روم،آیه ی ۳۰.

۳- ۳) .تفسیر قمّی،ج ۲،ص ۱۵۵؛بحار الأنوار،ج ۳،ص ۲۷۷.

این دعا توسّط نخستین نائب خاصّ حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه،از ناحیه ی مقدّسه صادر شده،و امر شده که در دوران غیبت آن کعبه ی مقصود شیعیان منتظر و چشم به راه بر خواندن آن مداومت کنند. (۱)

*** در پایان یادآور می شویم که یکی از نویسندگان متعهّد معاصر،محقّق گرانقدر آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی کتاب ارزشمندی را پیرامون حدیث:

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»تألیف کرده،و آن را «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی»نامیده است،ما ضمن سپاس و تقدیر از مؤلف ارزشمند،مطالعه ی آن را به همه ی منتظران ظهور توصیه می کنیم.

از دیگر کتابهایی که در این رابطه تألیف شده،عناوین زیر به اهل تحقیق توصیه می گردد:

۱.تکمله الایمان بمعرفه صاحب الزّمان،از شیخ محمّد باقر فقیه ایمانی قدّس سرّه.

۲.معرفت امام عصر،از سیّد محمّد بنی هاشمی.

۳ و ۴.معرفت حجّت خدا و پیرامون معرفت امام،از آیه اللّه حاج شیخ لطف اللّه صافی.

۵.معرفه الحجّه،از محمود کنگاش،معروف به مجلسی.

مشخصات چاپ و نگارش عناوین فوق در«کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السّلام» آمده است. (۲)

ص:۱۱۵

۱- ۱) .مصباح المتهجّد،ص ۲۶۹؛کمال الدّین،ص ۵۱۲؛جمال الاسبوع،ص ۵۲۲؛البلد الامین،ص ۳۰۶؛بحار الأنوار،ج ۵۳،ص ۱۸۷ و ج ۹۵،ص ۳۲۷.

۲- ۲) .کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السّلام،ج ۱،ص ۲۴۸،ج ۲،ص ۴۷۵ و ۶۶۳.

او خواهد آمد

اشاره

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از وثنیّت،کلیمیّت، مسیحیّت،مجوسیّت،اسلام و...از مصلحی که در آخر زمان ظهور خواهـد کرد و به جنایتهـا و خیانتهـای انسانهـا خاتمه خواهـد داد و شالوده حکومت واحـد جهانی را،براساس عـدالت و آزادی استوار خواهـد کرد، گفتگو شـده است.و نویـد آن مصـلح بزرگ جهان،علاوه بر قرآن مجید،در تمام کتابهای آسـمانی چون انجیل،تورات و زبور آمده است.

اگرچه غیر از قرآن مجیـد،همه ی کتابهـای آسـمانی دسـتخوش تحریف شـده انـد،لکن باز جملاتی از دسـتبرد دیگران مصون مانده است که در آنها از آمدن مهدی موعود و مصلح جهان و بنیانگذار حکومت واحد جهانی گفتگو شده است،و چون این مطلب به صورت پیشگویی و مربوط به آینـده است، و مضامین آنها در قرآن مجیـد و اخبار متواتر و قطعی اسـلامی وارد شده است،از این رهگذر مسلّم می شود که این عبارت ها از منطق وحی سرچشـمه گرفته و از دستبرد انسانها در طول تاریخ مصون و محفوظ مانده است.

اینک ما متن قسمتی از نویدهای مهدی موعود را از کتب مقدّسه ی

ص:۱۱۷

یهودیـان،مسـیحیان،زرتشتیـان و سـایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسـمانی شـناخته شـده،نقل می کنیم تا اصالت مهدویّت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مهدی علیه السّلام روشن گردد.

***

مهدی موعود در زبور داود

در زبور داود علیه السّلام که تحت عنوان«مزامیر»در لابلای«عهـد عتیق» آمـده،نویـدهایی درباره ی ظهور حضـرت مهدی علیه السّلام داده شـده است.و می توان گفت:در هربخشـی از زبور اشـاره ای به ظهور آن حضـرت و نویـدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستقیم،موجود است.

جـالب این که مطـالبی که قرآن کریم پیرامـون ظهور حضـرت مهـدی از زبور نقـل کرده،در زبور فعلی عینـا موجود است و از تحریف مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می فرماید:

وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ:

«علاوه بر ذکر(تورات)در«زبور»نیز نوشتیم،بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد». (۱)

طبق روایت متواتر اسلامی،از طریق شیعه و سنّی،این آیه مربوط به

ص:۱۱۸

۱- ۱) .سوره ی انبیاء:آیه ی ۱۰۵.

ظهور حضرت مهدی علیه السّلام می باشد.قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل می کند و عین همین عبارت در زبور موجود است،اینک متن زبور:

۱.«زیرا که شریران منقطع خواهند شد،و امّا منتظران خداوند،وارث زمین خواهند شد،هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود،در مکانش تأمّل خواهی کرد و نخواهد بود.و امّا حلیمان وارث زمین خواهند شد...زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد.و امّا صالحان را خداوند تأیید می کند.خداوند روزهای کاملان را می داند.و میراث آنها خواهد بود تا ابد الاباد». (۱)

۲-و در فصل دیگری می فرماید:

«...قومها را به انصاف داوری خواهد کرد.آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.دریا و پری آن غرش نمایند.صحرا و هر چه در آن است به وجد آید.آنگاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند نمود به حضور خداوند.زیرا که می آید،زیرا که برای داوری جهان می آید.ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.قومها را به امانت خود». (۲)

نویدهای حضرت مهدی علیه السّلام در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه،نوید ظهور آن حضرت موجود است، طالبین می توانند به متن«مزامیر»در«عهد عتیق»مراجعه کنند.

ص:۱۱۹

۱- ۱) .کتاب مزامیر:مزمور ۳۷ بندهای ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

۲- ۲) .کتاب مزامیر:مزمور ۹۶ بندهای ۱۰-۱۳.

مهدی موعود در عهد عتیق(تورات و ملحقات آن)

در«سفر پیدایش»چنین می خوانیم:

۱.«خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت:به ذریّت تو این زمین را می بخشم،تمام این زمین را که می بینی به تو و ذریه ی تو تا به ابد خواهم بخشید...به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار،هرگاه توانی آنها را شمرد...ذریّت تو نیز چنین خواهد بود...من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به ارثیت تو بخشم». (۱)

۲.«و نام تو بعد از این«ابرام»خوانده نشود بلکه نام تو «ابراهیم»خواهد بود زیرا که تو را پدر امت های بسیار گردانیدم تو را بسیار بارور نمایم،و امّت ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند.و عهد خویش را در میان خود و تو،و ذریّت بعد از تو استوار گردانم.که نسلا بعد نسل عهد جاودانی باشد...

امّا در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم،اینک او را برکت داده بارور گردانم،و او را بسیار کثیر گردانم،دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم...از ابراهیم امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت». (۲)

ص:۱۲۰

۱- ۱) .سفر پیدایش:فصل ۱۲ بند ۷،فصل ۱۳ بند ۱۵ و فصل ۱۵ بندهای ۵-۸.

۲- ۲) .سفر پیدایش:فصل ۱۷ بندهای ۵-۸-۲۰ و فصل ۱۸ بند ۱۹.

و در کتاب:«اشعیاء نبی»می خوانیم:

۳.«و نهالی از تنه ی یسی (۱)بیرون آمده،شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت...

مسکینان را به عدالت،داوری خواهد کرد،و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد.

...گرگ با بره سکونت خواهد کرد،،و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم،و طفل کوچک آنها را خواهد راند...و در تمامی کوه مقدّس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد،زیرا که جهان از معرفت خداوند پرخواهد شد». (۲)

۴.«بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهود به ظهور خواهم رسانید.و برگزیدگانم ورثه ی آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد.و امّا شما(خطاب به یهود)که خداوند را ترک کرده و کوه مقدّس را فراموش نموده اید،و مائده به جهت بخت مهیّا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتّفاق ریخته اید،پس شما را به جهت شمشیر مقدّر ساختم.و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد...و اورشلیم را محلّ وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد». (۳)

۱- ۱) .یسی به معنی قوی،نام پدر داود است.(قاموس کتاب مقدّس،ص ۹۵۱)

۲- ۲) .کتاب اشعیاء نبی:فصل ۱۱ بندهای ۱-۱۰.

۳- ۳) .کتاب اشعیاء نبی:فصل ۶۵ بندهای ۹-۱۳ و ۱۸-۲۰.

و در کتاب:«دانیال نبی»می خوانیم:

۵.«و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال)ایستاده است خواهد برخاست.

...و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند،بیدار خواهند شد...و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الاباد.امّا تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود...خوشا به حال آنان که انتظار کشند». (۱)

و در کتاب:«حبقوق نبی»می خوانیم:

۶.«اگرچه تأخیر نماید،برایش منتظر باش،زیرا که البتّه خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...بلکه جمیع امّت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می آورد». (۲)

نظر به این که متن نویدها گویا بود توضیحی ندادیم و برای اختصار به نمونه های یاد شده اکتفا کردیم،برای توضیح بیشتر می توانید در«عهد عتیق»به کتاب های اشعیاء نبی(فصل ۱ و ۶۵)زکریا نبی(فصل ۱۴) صفنیاء نبی(فصل ۳)سلیمان نبی(فصل ۲)حجی نبی(فصل ۲)اوّل سموئیل(فصل ۲)دوّم سموئیل(فصل ۱۲ و ۲۳)و حزقیال نبی(فصل ۲۱) مراجعه فرمائید.

۱- ۱) .کتاب دانیال نبی:فصل ۱۲ بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.

۲- ۲) .کتاب حبقوق نبی:فصل ۲ بندهای ۳-۵.

در میان اسناد تاریخی و متون باستانی فراوانی که از اقوام مختلف یهود در حفاریها به دست آمده،پیشگویی ها و نویدهای فراوانی پیرامون منجی و رهایی بخش آمده،ابراز اشتیاق و فرمان انتظار او در جای جای این متون و اسناد نفیس تاریخی به چشم می خورد. (۱)

علاوه بر متون کتب مقدسه ی یهودیان،نیایشهایی که اقوام یهودی در مراسم مختلف مذهبی می خوانند،برای فرا رسیدن وعده ی الهی،ظهور منجی،نزدیک شده رهایی بخش دعا می شود.به عنوان یک نمونه:

در دعای«فیض»که پس از غذا در مراسم ختنه سوران خوانده می شود چنین آمده است:

خدای مهربان که به شایستگی افراد مقرب از طریق خون ختنه توجه می کند،مسیحای خود را برای ما بفرستد تا در وحدت او گام بردارد و به قومی که در میان اقوام پراکنده و متفرق است مژده و تسلی دهد.

خدای مهربان کاهن عادل را به سوی ما بفرست.

همان که رانده شده در پس پرده غیبت خواهد ماند،تا تختی به روشنی خورشید و درخشندگی الماس برای او آماده شود. (۲)

***

---

۱ – ۱) .این متون که قدمت تاریخی فراوان دارد و عموما به قبل از میلاد مسیح برمی گردد،در «بحر المیت»به دست آمده،به«مخطوطات قمران»شهرت یافته،در سه مجلد،در ۱۷۳۷ صفحه ی وزیری به نام«کتابات ما بین العهدین»منتشر شده است.

۲– ۲) .انتظار مسیحا در آیین یهود،ص ۱۷۹.

مهدی موعود در عهد جدید(اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل برنابا نویدهای حضرت مهدی علیه السّلام به صراحت آمده است، ولی نظر به این که مسیحیان آن را معتبر نمی دانند در اینجا فقط نویدهای موجود در اناجیل معتبر را می آوریم:

۱.«هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد.و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوّت و جلال می آید...آسمان و زمین زایل خواهد شد،امّا سخن من هرگز زایل نخواهد شد،امّا از آن روز و ساعت هیچ کس اطّلاع ندارد،حتّی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس...لهذا شما نیز حاضر باشید،زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید». (۱)

۲.«امّا چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خود آید،آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست.و جمیع امّت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کنند،به قسمتی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند». (۲)

۳.«آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوّت و جلال عظیم بر ابرها می آید،در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای

۱- ۱) .انجیل متّی:فصل ۲۴ بندهای ۲۷،۳۰،۳۵،۳۷ و ۴۵.

۲- ۲) .انجیل متّی:فصل ۲۵ بندهای ۳۱-۳۲.

زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد.

...ولی از آن روز و ساعت،غیر از پدر هیچ کس اطّلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم،پس برحذر و بیدار شده، دعا کنید،زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود». (۱)

۴.«کمرهای خود را بسته،چراغهای خود را افروخته بدارید.و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند،که چه وقت از عروسی مراجعت کند،تا هروقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند.خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد...پس شما نیز مستعد باشید،زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید». (۲)

۵.«انجیل یوحنّا(فصل های ۱۲-۱۷)نویدهای جالب و جامعی درباره ی رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرت مهدی علیه السّلام دارد.

هم چنین به مکاشفه ی یوحنا(فصل ۱۹)و رساله ی دوّم پطرس(فصل سوّم)مراجعه شود.

توضیح این که کلمه ی«پسر انسان»مطابق نوشته ی«مستر هاکس آمریکایی»در کتاب خود«قاموس کتاب مقدّس»۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن(عهد جدید)تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السّلام قابل تطبیق می باشد. (۳)و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن

۱- ۱) .انجیل مرقس:فصل ۱۳ بندهای ۲۶،۲۷،۳۱ و ۳۲.

۲- ۲) .انجیل لوقا:فصل ۱۲ بندهای ۳۵-۳۶ و به همین مضمون انجیل لوقا:فصل ۲۱ بندهای ۲۷،۳۳-۳۶.

۳- ۳) .قاموس کتاب مقدّس:مادّه ی«پسر خواهر»،ص ۲۱۹.

می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد،حضـرت عیسـی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلّاع ندارد.و او کسی جز حضرت مهدی علیه السّلام نمی باشد.

***

مهدی موعود در کتب مقدّسه ی هندیان

در کتابهای مقدّسه ای که در میان هندیان به عنوان کتابهای آسـمانی شناخته شده و آورندگان آنها به عنوان پیامبر شناخته می شونـد،تصـریحات زیادی به مهـدی موعود شـده است که قسـمتی از آنها در زیر از نظر خواننـدگان گرامی می گـذرد.پیش از ورود به اصل موضوع،یادآوری این نکته را لازم می دانیم که:

ما این کتابها را به عنوان«کتاب آسـمانی»نمی دانیم،و آورنـدگان آنها را به عنوان«پیامبر»نمی شناسـیم،بلکه معتقدیم که آنها یا پیامبر بوده اند و یا این مطالب را از کتابهای پیامبران گذشـته،اقتباس کرده اند زیرا این مطالب راجع به آینده است،و پیشگویی آنها منحصـرا از منابع وحی می توانـد سرچشـمه بگیرد.از این رهگذر به نقل برخی از پیشـگوئیهای آنان می پردازیم تا جهانی بودن این ایده و عقیده روشن تر گردد:

۱.در کتاب«باسک»از کتب مقدّسه ی هندیان چنین آمده:

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر الزّمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد.و حقّ و راستی با او باشد،و آنچه در دریاها و زمین ها و کوه ها،پنهان باشد همه را

ص:۱۲۶

به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می دهد،و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید».

۲.در کتاب«شاکمونی»از کتب مقدّسه ی هندیان می گوید:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیّد خلایق در دو جهان:

«کشن» (۱)تمام شود و کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند،و جنّ و انس در خدمت او شوند،و از «سودان»که زیر خط استوا است تا سرزمین«تسعین»که زیر قطب شمال است،و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او«ایستاده»باشد و خداشناس باشد».

۳.در کتاب«ریک ودا»از کتب مقدّسه ی هند چنین آمده:

«ویشنو»در میان مردم ظاهر می گردد...او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است...در یک دست«ویشنو»(نجات دهنده)شمشیری به مانند ستاره ی دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد،هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید». (۲)

۴.در کتاب«دید»از کتب مقدّسه ی هندیان چنین آمده:

«پس از خرابی دنیا،پادشاهی در آخر الزّمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام او«منصور»باشد.تمام عالم را

۱- ۱) .«کشن»در لغت هندی اسم پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می باشد.

۲- ۲) .ریک ودا،ماندالای:۴،۱۶ و ۲۴.

بگیرد،و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد بیاورد». (۱)

۵.در کتاب«وشن جوک»چنین می خوانیم:

«سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاصّ او باشد و نام او«فرخنده»و«خجسته»باشد». (۲)

۶.در کتاب«دادتک»از کتب مقدّسه ی برهمائیان هند چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی بهم رسد،در آخر الزّمان،و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدّی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند...دست حق برآید و جانشین آخر«ممتاطا» (۳)ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا...و خلایق را هدایت کند».

۷.در کتاب«پاتیکل»از کتب مقدّسه ی هندیان چنین آمده است:

«چون مدّت روز تمام شود،دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود،از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخر الزّمان و دیگر وصیّ بزرگتر وی که«پشن» (۴)

۱- ۱) .«منصور»از القاب حضرت مهدی است.

۲- ۲) .«فرخنده و خجسته»در عربی به«محمّد و محمود»ترجمه می شود.

۳- ۳) .«ممتاطا»در زبان هندی به معنای«محمّد»است.

۴- ۴) .«پشن»نام هندی علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

نام دارد،و نام آن ملک تازه«راهنما» (۱)است،به حقّ پادشاه شود و خلیفه«رام» (۲)باشد و حکم برانند،و او را معجزه بسیار باشد».

آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت قسمتی از نویدهای کتب مقدّسه هندیان درباره ی موعود جهانی بود،همه ی آنها با اختلاف عباراتی که داشتند،صریح تر از نویدهای دیگر کتب مقدّسه بودند.

۸.به سال ۱۳۵۹ ش.توفیقی دست داد به صفحات هند سفر کردیم،در «کشمیر»در مورد زبان سانسکریت جویا شدم،معلوم شد که در دانشگاه «سری نگر»دو تن استاد هستند،که بر زبان سانسکریت تسلّط دارند.ترتیبی داده شد که چند ساعتی به خدمتشان رسیدم،از آنها در مورد آینده ی جهان پرسیدم،گفتند:آنچه در کتابهای مذهبی ما موجود است این است که:

«یک مرد آسمانی در آخر الزّمان ظهور می کند،ظلم و ستم را از پهنه ی جهان ریشه کن می سازد،حکومتی را براساس عدالت و آزادی در سطح جهان تأسیس می کند،دیگر در جهان از جهل و شرّ و تبهکاری اثری نمی ماند و همه ی انسانها در برابر او خضوع می کنند و همه ی جهان زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانروا اداره می شود...».

همه ی اظهارات آنها دقیقا با اعتقاد ما پیرامون مصلح جهانی منطبق بود،از آنها خواستم که کتاب بالخصوصی را که حاوی این مطالب باشد

۱- ۱) .«راهنما»به عربی«هادی و مهدی»می باشد که هردو از القاب حضرت امام زمان علیه السّلام است.

۲- ۲) .«رام»به لغت سانسکریتی نام خدا است.

برای من معرّفی کنند،کتاب«گرگوار نهم»را معرّفی کردند و متن سانسکریت آن را به من ارائه دادند و فرازهایی را از روی کتاب برایم خواندند و ترجمه کردند.

۹.در کتاب«اوپانیشاد»در تشریح واژه ی:«کللی»دهمین مظهر «ویشنو» (۱)آمده است:

«این مظهر ویشنو در انقضای کلّی یا عصر آهن،سوار بر اسب سفیدی،در حالی که شمشیر برهنه ی درخشانی به صورت ستاره ی دنباله دار،در دست دارد ظاهر می شود و شریران را تماما هلاک می سازد و خلقت را از نو،تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد». (۲)

۱۰.در کتاب«شاپورگان»کتاب مقدّس مانویه،ترجمه ی«مولر» نام«خرد شهر ایزد»آمده که باید در آخر الزّمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترد. (۳)همچنین در تعالیم مانی از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و به وسیله ی آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می روند.

***

۱- ۱) .«ویشنو»دوّمین خدا از خدایان سه گانه ی هندو می باشد که او را حافظ و حامی جهان، مقتدر و شکست ناپذیر،صاحب ۱۰۰۰ نام و ۱۰ مظهر می دانند،نشاط و سرور و بقای جهان هستی را به او نسبت می دهند.

۲- ۲) .اوپانیشاد،ص ۷۳۷.

۳- ۳) .درباره ی ظهور و علایم ظهور،ص ۳۱.

مهدی موعود در منابع زرتشتیان

۱.در کتاب«زنـد»که از کتب مقـدّسه زرتشتیان است،پس از آن که مقداری پیرامون شـیوع فساد در آخر الزّمان گفتگو کرده و گوشزد می کند که غالبا قوّت و شکوت بااهریمنان خواهد بود می گوید:

«آنگاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می رسد،پیروزی بزرگ از آن یزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند...بعد از پیروزی ایزدان و برانـداختن تبـار اهریمنـان،عـالم کیهـان به سـعادت اصـلی خود رسـیده،بنی آدم بر تخت نیکبختـی خواهند نشست...».

۲.«جاماسب»در کتاب معروف خود«جاماسب نامه»از«زرتشت» نقل می کند که:

«از فرزندان دختر پیغمبر که«خورشـید جهان»و شاه زمان نام دارد،کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد».

۳.باز در جاماسب نامه می خوانیم:

«مردی بیرون آیـد از زمین تازیان،از فرزنـدان هاشم مردی بزرگ سـر و بزرگ تن و بزرگ ساق،و بر دین جدّ خویش باشد،با سپاه بسیار،روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند».

۴.جاماسب در تعالیم خود می گوید:

«پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوه های مکّه ظاهر شود...از فرزندان پیامبر شخصی در مکّه پدیدار خواهد

شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جدّ خود می باشد...

از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه ی جهان به آئین «مهرآزمای»(محمّد)خواهند گروید».

۵.قسمتی از پیشگوئیهای دیگر زرتشت،درباره ی ظهور و علائم ظهور در«بهمن یشت»به تفصیل آمده است. (۱)

۶.در بخش«کاتها»که یکی از بخشهای پنج گانه ی«اوستا»است (۲)در صفحات ۲۴ و ۹۸ نویدهایی در مورد موعود جهانی،مصلح پایه گزار حکومت واحد جهانی دیده می شود.

۷.و در آخرین فراز از کتاب«زند بهمن یسن»که شرح و تفسیر«اوستا» می باشد،از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به رستاخیز سخن گفته:

«پس«سوشیانس»آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد». (۳)

۸.واژه ی«سوئشیانت»در زبان اوستائی و«سوشیانس»در زبان پهلوی

۱- ۱) .«بهمن یشت» که«زندوهومن یسن»نیز نامیده می شود،شامل یک رشته رویدادهایی است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است،که اهورا مزدا وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می کند.این کتاب توسّط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است.

۲- ۲) .اوستا شامل پنج کتاب است به نامهای:یسنا،ویسپرد،وندیداد،یشت ها و خرده اویستا [مزدیسنا و ادب پارسی،ج ۱،ص ۱۹۵].

۳- ۳) .زند بهمن یسن،ص ۱۹.

به معنای سودرسان،نجات بخش و سردار دینی آمده است (۱)ولی هنگامی که به شکل مفرد یا با عنوان«استوت ارت» (۲)همراه باشد،به معنای آخرین رهائی بخش جهان است که همه ی انسانها را از ظلم و ستم رهائی خواهد بخشید. (۳)

۹.در بخش واژه نامه ی«زند بهمن یسن»در شرح و تفسیر واژه ی:

«سوشیانس»آمده است:

«سوشیانس:آخرین نجات بخش دین زرتشتی» (۴)

۱۰-در«زند وهومن یسن»از ظهور«سوشیانس»(نجات دهنده ی بزرگ جهان)خبر داده می گوید:

«نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه ی دنیا پیام می فرستند».

آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

۱۱.قسمت دیگری از پیشگوئیهای زرتشت در مورد سوشیانس را در «یسنا»فصل های ۳،۱۲ و ۱۶ می خوانیم.

ص:۱۳۳

۱- ۱) .آیینه ی آئین مزدیسنا،ص ۱۰۵.

۲- ۲) .اوستا،نامه ی مینوی آیین زرتشت،ص ۳۰۹،یشتها،زامیاد یشت،کرده ی ۱۵،بند ۹۲.

۳- ۳) .سوشیانت موعود مزدیسنا،ص ۲۴.

۴- ۴) .همان مدرک،ص ۱۵۰.

۱۲.هنگامی که«گشتاسب»در مورد کیفیّت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره ی جهان می پرسد،جاماسب حکیم،شاگرد زرتشت توضیح می دهد:

«سوشیانس(نجات دهنده ی بزرگ جهان)دین را به جهان رواج دهد،فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد،ایزدان را از دست اهریمن نجات داده،مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند». (۱)

۱۳.در بخش دیگری از«یشتها»به رجعت و بازگشت مردگان در عصر ظهور اشاره کرده می فرماید:

بدان هنگام که مردگان دگر باره برخیزند و زندگانی جاودانه آغاز گردد و سوشینت به درآید و جهان را به آرزوی خویش دگرگون سازد. (۲)

۱۴.اعتقاد به ظهور«سوشیانس»در میان ملت ایران باستان به قدری رائج بود که در شکستهای جنگی و فرازونشیبهای زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یاس و ناامیدی نجات می دادند.

۱۵.در جنگ قادسیّه پس از درگذشت«رستم فرّخزاد»سردار نامی ایران،هنگامی که یزدگرد با کسان خود آماده ی فرار می شد،به هنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مداین،ایوان مجلّل خود را خطاب کرده گفت:

۱- ۱) .جاماسب نامه،ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۲- ۲) .اوستا،نامه ی مینوی آیین زرتشت،ص ۲۹۰،یشتها،زامیاد یشت،کرده ی اول،بند ۱۱ و کرده ی دوم،بند ۱۹.

«هان ای ایوان!درود من بر تو باد من هم اکنون از تو روی می تابم تا آنگاه که با یکی از فرزنـدان خود که هنوز زمان ظهور او فرا نرسیده است به سوی تو برگردم».

۱۶-سلیمان دیلمی می گوید:

«هنگـامی کـه بـه محضـر امـام صـادق علیـه السّـلام شـرفیاب شـدم مقصـود یزدگرد را از جملـه ی(یکی از فرزنـدان خود)پرسیدم،فرمود:

«او مهدی موعود قائم آل محمّد است که به فرمان خداوند در آخر الزّمان ظهور می کند.او ششـمین فرزند من،و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد». (۱)

۱۷.این روایت را«احمد بن عیّاش»هزار و اندی سال پیش در کتاب نفیس خود«مقتضب الأثر»آورده است. (۲)

۱۸.اوستایی که امروزه در دست داریم،یک چهارم اوستایی است که در روزگـار ساسانی در دست داشـتند.در قسـمتهای از دست رفته بیش از اینها از موعود بحث شده و سخن به میان آمده بود. (۳)

در اوستای کهن بیش از هربخشی در بخش«بامدات نسک»از منجی

ص:۱۳۵

۱- ۱) .با توجّه به این که«شـهربانو»مادر امام سـجاد علیه السّـلام بنابر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است،روشن می شود که او واقعا پدر حضرت ولی عصر علیه السّلام می باشد.

۲- ۲) .مقتضب الأـثر،ص ۴۰،احمـد بن عیّاش با شـیخ صـدوق معاصـر بود و در سال ۴۰۱ هجری درگـذشت.[این حدیث در الملاحم و الفتن صفحه ی ۲۰۰ نیز به نقل از جلد ۸ مناقب آمده است].

۳- ۳) .سوشیانت،ص ۸۳.

آخر الزمان گفتگو شده که اینک در دسترس نیست. (۱)

۱۹.در بخش یشتها،از آخرین منجی«استوت ارت»تعبیر شده،و در شیوه ی ظهور وی آمده است:

بـدان هنگـام که«اسـتوت ارت»به درآیـد،گرزی پیروزمنـد به دست دارد،گرزی که فریـدون دلیر به هنگام کشـتن اژدهاک در دست داشت.

...استوت ارت به این گرز،دروغ را از گیتی-خانه ی راستی- بیرون خواهد راند. (۲)

۲۰.در بندهای فراوان از بخشهای اوستا از یاران سوشیانس گفتگو شده و از آنها ستایش شده،از جمله:

۱.فرّی که به سوشـیانت پیروزمنـد و دیگر یارانش پیوسـته است، بـدان هنگام که آنان گیتی را دگرگون کننـد و از نو بسازنند. (۳)

۲.یاران«اسـتوت ارت»پیرومندانی به درآیند،نیک اندیش، نیک گفتار،نیک کردار و نیک دین،آنان هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند. (۴)

در اوستا اسامی برخی از یاران سوشیانت به شرح زیر آمده است:

ص:۱۳۶

۱- ۱) .سوشیانت موعود مزدیسنا،ص ۳.

۲- ۲) .اوستا،ص ۳۰۹،یشتها،زامیاد یشت،کرده ی ۱۵،بندهای ۹۲-۹۳.

۳- ۳) .اوستا،ص ۳۰۸،زامیاد یشت،کرده ی ۱۴،بند ۸۹.

۴- ۴) .همان،ص ۳۱۰،کرده ی ۱۵،بند ۹۵.

۱)توس،فرزند نوذر (۱)

۲)اشوذ دنگهه (۲)

۳)گرشاسب (۳)

*** آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت،نمونه ای از نویدهای جاوید کتب مقدّسه ی ادیان و مذاهب مختلف جهان بود که همه ی آنها با مضمونهای مختلف خود،آمدن مصلحی را به نام«مهدی»در آخر الزّمان نوید می دهند و می رسانند که او صاحب قدرت عظیم و نیروی شگرف و معجزآسا بوده،و حکومت واحد جهانی را در ربع مسکون کره ی زمین بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد.

و از نقل همین مختصر اصالت مسئله ی مهدی و جهانی بودن آن آفتابی می شود و روشن می گردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه پیروان همه ی ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی به سر می برند.و اگر از اسم«مهدی»و«قائم»صرف نظر کنیم،اعتقاد به ظهور مصلح مقتدری را در عقاید«یونانیان»و مردم ایران باستان و کتب قدیمی«چینیان»و در بین اهالی«اسکاندیناوی»و حتّی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی «مکزیک»نیز می توان یافت که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود.

ص:۱۳۷

۱- ۱) .همان،ص ۱۴۹،آبان یشت،کرده ی ۱۴،بند ۵۳.

۲- ۲) .همان،ص ۱۵۴،کرده ی ۱۸،بند ۷۲.

۳- ۳) .همان،ص ۲۵۳،فروردین یشت،کرده ی ۱۹،بند ۶۱.

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

۱.ایرانیان باستان معتقد بودند که«گرزاسپه»قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل زندگی می کند و صدهزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲.گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که«کیخسرو»پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده ی فرمانروایی،دیهیم پادشاهی را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت،و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳.ابو عبد اللّه عدی،که برای آیین مجوس تعصب می ورزید و روزگاری منتظر«قائم»علیه السلام بود،کتابی به نام«الأدوار و القرانات»تألیف کرده،در آن کتاب می نویسد:

در قران هجدهم از تولد حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که مطابق هزاره ی دهم است،انسانی خروج کند،که دولت مجوس را بازگرداند،بر همه ی کره ی زمین تسلط پیدا کند،همه ی دولتها را از عرب و غیر عرب ساقط نماید. (۱)

۴.نژاد«اسلاو»بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متّحد سازد و آنها را بر دنیا مسلّط گرداند.

۵.نژاد«ژرمن»معتقد بودند که یک نفر فاتح از طرف آنان قیام نماید

۱- ۱) .الآثار الباقیه،ص ۲۶۰.

و«ژرمن»را بر دنیا حاکم گرداند.

۶.اهالی«صربستان»انتظار ظهور«مارکوکرالیویچ»را داشتند.

۷.«برهمائیان»از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخر الزّمان «ویشنو»ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته،مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا برهمن گردد و به این سعادت برسد.

۸.ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که «ارتور»روزی از جزیره ی«آوالون»ظهور نماید و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۹.یهودیان معتقدند که در آخر الزّمان«ماشیح»(مهدی بزرگ)ظهور می کند و تا ابدالاباد در جهان حکومت می کند.ولی او را از اولاد اسحاق می پندارند،در صورتی که تورات او را صریحا از اولاد اسماعیل دانسته است،چنان که در دوّمین بشارت عهد عتیق گذشت.

۱۰.اعتقاد به منجی از ارکان عقیدتی یهود است،در منابع یهودی به تفصیل از ناجی و رهایی بخش قوم یهود به عنوان«ماشیح صیدقنو»یعنی:

نجات بخش واقعی ما یاد شده است.

۱۱.در برخی منابع یهود از او«ماشیح بن داوید»نیز یاد شده است، یعنی:«رهایی بخش فرزندان داود». (۱)

۱- ۱) .کلیمیان ناجی را از تبار حضرت داود علیه السّلام می دانند و لذا او را«ماشیح بن داوید»می نامند، جالب توجه است که حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه نیز از سوی مادر از تبار حضرت داود علیه السّلام می باشد.زیرا حضرت نرجس از تبار شمعون بن صفا می باشد،او نیز پسر عمه ی حضرت مریم می باشد[بحار الأنوار،ج ۲۵،ص ۱۸۶]و نسب حضرت عیسی از طرف مادر به حضرت داود می رسد.[قاموس کتاب مقدس،ص ۳۷۱.]

۱۲.کلیمیان معتقدند که ناجی ظهور کرده همه ی نیازهای جسمی و روحی انسان را به وفور تأمین کرده،جنگ،خونریزی،کینه توزی،فقر و جهالت را از زمین برخواهد چید. (۱)

۱۳.نصاری نیز به وجود موعودی قائل هستند و می گویند که در آخر الزّمان ظهور کرده،عالم را خواهد گرفت.ولی در اوصافش اختلاف دارند.

۱۴.ملل و اقوام مختلف هند،مطابق کتابهای مقدّسه شان،در انتظار مصلحی هستند که ظهور کرده حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۵.اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزّمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود. (۲)

۱۶.سلت ها می گویند پس از بروز آشوبهائی در جهان«بوریان بورویهم»قیام کرده،دنیا را متصرف خواهد شد.

۱۷.برخی از اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهائی می رسد جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد،آنگاه«اودین»با نیروی الهی ظهور کرده،بر همه چیره می شود.

۱۸.برخی دیگر همین عقیده را در مورد«یمیر»دارند. (۳)

۱۹.یونانیان می گویند«کالویبرگ»نجات دهنده ی بزرگ،ظهور کرده،جهان را نجات خواهد داد.

۲۰.اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور«بوخص»می باشند.

ص:۱۴۰

۱- ۱) .واژه های فرهنگ یهود،ص ۲۱۶.

۲- ۲) .واژه های فرهنگ یهود،ص ۱۰۲.

۳- ۳) .الآثار الباقیه،ص ۵۵۴.

۲۱.چینی ها معتقدند که«کرشنا»ظهور کرده،جهان را نجات می دهد.

۲۲.اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که«کوتزلکوتل»نجات بخش جهان،پس از بروز حوادثی در جهان،پیروز خواهد شد.

۲۳.گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس»زندگی می کردند معتقد بودند که سلطانی در آخر الزّمان با نیروی غیب بر جهان مسلّط می شود،اختلافات طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.

۲۴.گروهی دیگر از مصریهای باستان معتقد بودند که فرستاده ی خدا در آخر زمان،در کنار خانه ی خدا پدیدار گشته،جهان را تسخیر می کند.

۲۵.قبایل«ای پوور»معتقد بودند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند،و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

۲۶.گروهی از مردم پرتغال معتقدند که یکی از پادشاهان سابق پرتغال به نام:«سبستیانوس»با تمام لشکر خود در جزیره ی غیب از دیده ها غائب است تا در آخر الزّمان خروج کرده،تمام دنیا را مسخّر نموده،یک دین و یک فرمانروا بر همه ی روی زمین حاکم شود.

۲۷.یک کشیش پرتغالی به نام:«آنتونیو دوژزو»که در اوایل قرن دوازدهم به عنوان رئیس دیر آگوستینهای پرتغالی مقیم اصفهان (۱)به شهر اصفهان عزیمت نموده،پس از سالها اقامت به حقانیّت آئین مقدّس اسلام پی برده به شرف اسلام مشرّف گردید.

۱- ۱) .این دیر نخستین دیری بود که در اوائل قرن هفدهم میلادی توسّط لاتینی ها در اصفهان ساخته شد،روحانیّون این دیر نمایندگان رسمی پادشاه پرتغال در ایران بودند.

از آثار ارزشمندی که این اندیشمند تازه مسلمان پس از پذیرش اسلام نوشته،کتاب:«سیف المؤمنین فی قتال المشرکین»می باشد. (۱)

۲۸.وی در این اثر گرانسنگ خود از«جزیره ی غیب»به تفصیل سخن گفته می افزاید:

«اینسولا کوپرتا Insula Caperta که به معنای«جزیره ی غیب»،موافق است با آن:«جزیره ی خضرا»که شیعیان علیّ بن ابی طالب-صلوات اللّه علیه-اعتقاد دارند که حضرت مهدی علیه السّلام در آنجا سکنا دارد و هم چنانکه آفتاب،وقتی در زیر ابر پنهان است،باز روشنی به اهل دنیا می دهد...آن حضرت نیز اگرچه در جزیره ی خضرا سکنا دارد،امّا از پرتو وجود او دنیا معمور و نفع او به هر نزدیک و دور می رسد». (۲)

۲۹.این دانشمند پرتغالی پس از تشریح موقعیّت«جزیره ی غیب» می نویسد:

«بعضی جماعت پرتغال این اعتقاد را دارند که یکی از پادشاهان سابق پرتغال که او را«سبستیانوس»نام بود که در جنگ پادشاه مراقوس که یکی از پادشاهان عرب مغرب بود، با همه ی قشون خود کشته شده است،می گویند که در آن جزیره غیب است،از برای آنکه در آخر الزّمان خروج کند و

۱- ۱) .این کتاب اخیرا تحت عنوان:«ترجمه،شرح و نقد سفر پیدایش تورات»در ۷۷۶ صفحه ی وزیری در قم چاپ و منتشر شد.

۲- ۲) .ترجمه،شرح و نقد سفر پیدایش تورات،ص ۲۸۶.

تمام دنیا را مسخّر کرده،یک دین و یک پادشاه در همه ی روی زمین قرار بگیرد». (۱)

۳۰.تا اوایل قرن چهارم اسلامی،قرامطه خود را به تشیع آل پیامبر منسوب می دانستند و ظهور منتظر را در قرن هفتم در«مثلثه ی ناریه»نوید می دادند. (۲)

*** آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت،با مهدی موعود اسلام کاملا تطبیق نمی کند،حتّی برخی از آنها اصلا وفق نمی دهد،لکن از یک حقیقت مسلّم حکایت می کند،و آن این که نوید مصلح جهانی به گوش آنها رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر زمان در اعماق دلشان جا گرفته است،ولی چون از فروغ حقّ بیش از این برخوردار نبوده اند در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

علیرغم کوته نظرانی که خیال می کنند همه ی انبیاء از مشرق زمین برخواسته اند،ما معتقدیم که در میان تمام ملل و اقوام در همه ی اقطار و اکناف جهان،پیامبرانی برخاسته و مردم را به سوی دین قویم و صراط مستقیم فراخوانده اند،چنان که منطق وحی به آن تصریح می کند:

إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ (۳)

«تو(ای محمّد)بیم دهنده هستی،و برای هرملّتی رهبر و راهنمایی هست».

ص:۱۴۳

۱- ۱) .همان مدرک،ص ۲۸۳.

۲- ۲) .الآثار الباقیه،ص ۲۶۱.

۳- ۳) .سوره ی رعد:آیه ی ۷.

از ایـن رهگـذر روشـن می شـود کـه همـه ی آن عقایـد،از منبع شـریف وحی سرچشـمه گرفته است،لکن در برخی از منـاطق دوردست که شـعاع حقیقت کمتر تابیـده،در طول تاریـخ از فروغ آن کاسـته شـده و فقط کلّیاتی از نویـدهای مهـدی موعود به جای مانده است،و در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

صرف نظر از ایمان که پایه ی این ایده و عقیده را تشکیل می دهد،هر فردی که به سرنوشت بشریّت بیندیشد و خواهان تکامل و ترقّی جهان انسانیّت باشد و ببیند که چگونه باوجود این همه ترقیّات فکری و علمی و پیشرفت روزافزون تکنیک و صنعت نه تنها اخلاق و معنویّت پیشـرفت نمی کنـد،بلکه با سـرعت تکان دهنده و اندوهباری عقب گرد نموده،به سوی سـقوط و نابودی می گراید و ترقّیات ماشینی بر فساد و انحطاط معنوی آنها می افزاید و...

بـا انـدک تـأمّلی،طبق فطرت ذاتی خود متوجّه درگـاه حضـرت احـدیّت خواهـد شـد و از برای رفع این جنایتها و خیانتها یاری خواهد طلبید و با الحاح و نیایش خواستار مصلحی خواهد شد که به این وضع رقّت بار خاتمه دهد.

از این رهگـذر آرزوی یـک مصـلح جهانی همواره در دل های خداپرسـتان وجود داشـته است،و تمام پیامبران الهی و سـفیران آسمانی نویدهایی درباره ی وی ابراز نموده اند.

***

مهدی موعود از دیدگاه وسیعتر

در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسائل علمی نصیب بشریّت شده،این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسائل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اندیشمندان بزرگ برای از بین بردن جنگها و خصومتها و برطرف ساختن بحرانهای منطقه ای و بالاخره جلوگیری از جنگها و کشمکشهایی که احتمالاـ به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید،تنها راهی که پیدا کرده اند این است که باید فکر پوسیده ی«نژاد برتر»را از مغزها بیرون ریخت،«جهان وطنی»را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داده، مرزهای جغرافیایی را درهم ریخته،شالوده ی حکومت واحد جهانی را استوار ساخت.اینک عین گفته دو تن از اندیشمندان مشهور جهان را در ذیل می آوریم:

۱.انیشتین:

یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود،و یا حکومتهای ملّی جداگانه ی فعلی همچنان باقی بمانند و منجر به انهدام بشری گردد». (۱)

۲-برتراندراسل:

چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است،یا

ص:۱۴۵

۱- ۱) .مفهوم نسبیّت انیشتین،ص ۳۵.

باید حکومت جهانی را بپذیریم و یا به عهد بربریّت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم». (1)

یک دانشمند فرانسوی به نام:«نوستر آداموس»(متولّد ۱۵۰۳ م.و متوفّای ۱۵۶۶ م.)پیشگوییهای فراوانی در مورد حوادث آینده ی جهان به صورت رمز و اشاره گفته و بیشتر آنها به صورت دقیقی مطابق پیشگویی او تحقّق یافته است.

پیشگوییهای نوستر آداموس برای نخستین بار به سال ۱۵۵۵ م.منتشر شد.

این پیشگوییها در طول چهار قرن از طرف دهها دانشمند تجزیه و تحلیل شده است.

یکی از پیشگوییهای تحقّق نیافته ی او مربوط به یک مصلح جهانی است که به تصوّر او پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی از آسمان نازل خواهد شد (2)و اینک متن پیشگویی:

«در سال هزار و نهصد و نود و نه و هفت ماه از آسمان،یک پادشاه وحشتناکی نزول می کند.پادشاه انگولم را دو مرتبه زنده می کند،کمی بعد یا قبل از ظهور مشتری،سعادت را همراه می آورد».

«هیچ زمانی مثل آن روز نخواهد آمد،از مرکز آسیا قانون

ص:۱۴۶

۱- ۱) .تأثیر علم بر اجتماع،ص ۵۶.

۲- ۲) .تذکّر این نکته ضروری است که در احادیث اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السّلام،از تعیین وقت به شدّت نهی شده،و در حدیثی از امام باقر علیه السّلام آمده است که:«خداوند وقت آن را در نزد ما قرار نداده است».[اصول کافی،ج ۱،ص ۳۶۸].

جدیدی از ریشه ی عیسی و هرمس مصری به داخل اروپا نفوذ خواهد کرد و سپس در تمام شرق سایه خواهد انداخت». (۱)

این دو فراز که قطعات ۷۲ و ۷۵ سانتوری دهم پیشگوییهای اوست به صراحت از آمدن یک مصلح جهانی خبر می دهد.

جالب توجّه است که تعبیر:«از آسمان...نزول می کند»را دربردارد و در قطعات بعدی از:قدرت فوق العاده ی او،حکومت قانون بر سرتاسر جهان، سرور و شادی همگان،پیوند ناگسستنی پیروان،تغییر یافتن چهره ی جهان، نفوذ عمیق او در میان دوستان و پراکنده شدن مخالفان سخن گفته است.این فرازها از یک دانشمند فرانسوی بسیار جالب و اعجاب انگیز است.

م.ب.ادوارد،یکی از مفسّران پیشگوییهای نوستر آداموس در شرح دو فراز بالا می نویسد:

«از این دو قطعه به طور وضوح مستفاد می شود که پادشاه یا فرمانروایی بسیار مقتدر برای پایان دادن این همه بدبختی ها که به دست بشر فراهم شده،از آسمان نزول خواهد کرد و مخصوصا تأکید می کند که این فرمانروا حامل پیام آسمانی است که مردم انتظار آن را دارند و سایه ی سعادت او مخصوصا بر سر پادشاهان مشرق افکنده خواهد شد». (۲)

دیگر مفسّر این پیشگوییها:بانو«اریکا چاتهام»در تفسیر قطعه ی ۷۵ می نویسد:

۱- ۱) .نوستر آداموس از آینده ی جهان خبر می دهد،ص ۹۵.

۲- ۲) .همان مدرک،ص ۶۱.

«در دوره ی هرمس SEMREH، هرمس در برابر مرکوری- تیر«۲۷»و ژوپیتر«۲۲۸»-پدر آسمانی-زئوس قرار می گیرد که در برابر با خیزش اسلام در جهان است». (۱)

این مفسّر انگلیسی پس از آن که تصریح می کند که این فرمانروا از آسیا برخواهد خاست،می نویسد:

«البتّه آینده نشان خواهد داد که او چه کسی است؟». (۲)

اکنون باید دید کدام مصلحی خواهد توانست مرزهای جغرافیایی را درهم کوبیده شالوده ی حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی پی ریزی کند؟و آن مهدی موعود و مصلح جهانی که ضرورت ظهور آن را علم و دین خبر می دهد و میلیونها انسان در انتظار وی دقیقه شماری می کنند،کیست؟

پاسخ این سئوال را،تنها از کسانی که با منبع وحی و جهان ماوراء طبیعت ارتباط نزدیک دارند،باید شنید.

***

مهدی موعود از دیدگاه اسلام

مهدی موعود یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و با سایر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد.

ص:۱۴۸

۱- ۱) .پیشگوییهای نوستر آداموس،ص ۸۶۸.

۲- ۲) .پیشگوییهای نوستر آداموس،ص ۸۶۸.

آیات متعدّدی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده اند و در ضمن صدها حدیث،مشخّصات آن حضرت را بیان نموده اند که از حوصله ی این کتاب بیرون است. (۱)

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و سایر پیشوایان دین صادر شده است،کلّیه ی اوصاف و تمام جزئیات زندگی مصلح جهانی و پایه گذار حکومت واحد جهانی بیان شده است.

احادیث وارده درباره ی«امام زمان علیه السّلام»از طریق شیعه و سنّی بیرون از شمار است،از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در زیر از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

۱.در ۲۹۳ حدیث تصریح شده که او فرزند«امام عسکری علیه السّلام»است.

۲.در ۹۰ حدیث تصریح شده که او نوه ی«امام هادی علیه السّلام»و نبیره ی «امام جواد علیه السّلام»است.

۳.در ۹۵ حدیث وارد شده که وی چهارمین فرزند«امام رضا علیه السّلام»است.

۴.در ۱۹۹ روایت آمده که او پنجمین فرزند«امام کاظم علیه السّلام»است.

۵.در ۲۰۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند«حضرت صادق علیه السّلام»است.

۶.در ۱۰۳ حدیث وارد شده که او هفتمین فرزند«امام باقر علیه السّلام»است.

۷.در ۱۸۵ خبر آمده که او هشتمین فرزند«حضرت سجاد علیه السّلام»است.

۸.در ۳۰۸ حدیث تصریح شده که وی نهمین فرزند«امام حسین علیه السّلام»است.

---

۱ - ۱) .طالبین می توانند به کتاب پرارج«شواهد التّنزیل»حسکانی حنفی و«المهدی فی القران» سیّد صادق شیرازی و«بحار الأنوار»علاّمه ی مجلسی مراجعه نمایند.

۹.در ۲۱۴ حدیث وارد شده که او دهمین فرزند«امام علی علیه السّلام»است.

۱۰.در ۱۹۲ روایت آمده که وی از اولاد«حضرت فاطمه علیها السّلام»است.

۱۱.در ۴۸ حدیث تصریح شده که وی همنام حضرت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است.

۱۲.در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین و آخرین پیشوا است.

۱۳.در ۹۱ حدیث به غیبت طولانی آن حضرت تصریح شده است.

۱۴.در ۷ حدیث کیفیت انتفاع مردم از آن حضرت در زمان غیبت بیان شده است.

۱۵.در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است.

۱۶.در ۴۷ روایت تصریح شده که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد.و آیه ی شریفه ی لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ (۱)تحقّق خواهد یافت.

۱۷.در ۱۲۳ روایت وارد شده که او شخصا عدالت اجتماعی را در روی زمین برقرار می کند.

۱۸.در ۲۹۳ حدیث از تولّد آن حضرت گفتگو شده است.

۱۹.در ۶۵۷ حدیث درباره ی ظهور و علائم ظهور بحث شده است.

۲۰.در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آن حضرت مطرح شده و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش به قدری طولانی می شود که جز مؤمنان راستین،کسی در اعتقاد خود استوار نمی ماند.

متن ۳۶۹۲ فرازی که فهرست آنها در بالا گفته شد،به اضافه ی ۲۵۱۵ فراز دیگر که پیرامون آن حضرت در منابع شیعه،از پیشوایان معصوم علیهم السّلام

۱- ۱) .سوره ی توبه:آیه ی ۳۳،سوره ی فتح:آیه ی ۲۸ و سوره ی صفّ:آیه ی ۹.

به دست ما رسیده است،در کتاب نفیس«منتخب الأثر»آمده است.

مؤلف این کتاب که از شخصیّتهای برجسته ی جهان تشیّع و از مراجع حوزه ی علمیّه ی قم می باشد،روایات مربوط به امام زمان علیه السّلام را تا جایی که توانایی داشته،از کتابهای معتبر و مدارک دست اوّل استخراج،و در این کتاب گردآورده است.

در این کتاب جمعا ۱۲۰۰ روایت با ذکر مأخذ از ۳۹۰ کتاب معتبر نقل شده است. (۱)

***

مهدی موعود در منابع اهل تسنّن

روایاتی که پیرامون بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی مهدی موعود،قائم آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در منابع معتبر اهل تسنّن آمده است،دست کم از روایات شیعیان نمی باشد و حتّی در«صحاح ستّه»که معتبرترین کتاب روایتی اهل تسنّن است روایات مهدی علیه السّلام به شرح زیر آمده است:

۱.صحیح بخاری،جلد چهارم«کتاب الاحکام»و باب«نزول عیسی ابن مریم».

۲.صحیح مسلم،جلد اوّل،باب«الفتن و اشراط السّاعه»و باب «نزول عیسی».

۱- ۱) .منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر،آیه اللّه حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی،چاپ ۱۴۲۲ ه.قم،در سه مجلد.

۳.سنن ابن ماجه،جلد دوّم،باب«خروج المهدی».

۴.سنن ابی داود،جلد دوّم کتاب«المهدی».

۵.سنن ترمذی،باب«ما جاء فی المهدی».

همچنین مسند احمد،پیشوای حنبلی ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنّن روایات حضرت مهدی علیه السّلام را احتواء کرده است.

استاد«علی محمّد دخیّل»اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان علمای سنّی را در کتاب خود«الامام المهدی»آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها مستقلاّ درباره ی حضرت ولیّ عصر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-کتاب نوشته اند،و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی اختصاص داده اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسبهای مختلف روایات مهدی را در کتابهای خود آورده اند.

اگر بخواهیم اسامی همه ی این کتابها را نقل کنیم،سخن به درازا می کشد،از این رهگذر فقط کتابهایی که مستقلا درباره ی حضرت ولیّ عصر علیه السّلام از بزرگان اهل سنّت به رشته ی تحریر آمده است،به ترتیب حروف تهجّی نام می بریم:

۱.ابراز الوهم من کلام ابن حزم،تألیف احمد بن صدیق بخاری.

۲.ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون،تألیف احمد بن محمّد بن صدیق حضرمی،متوفّای ۱۳۸۰ ه.

۳.اتّحاف الجماعه بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط السّاعه-۲ جلدی-تألیف شیخ حمّود بن عبّد اللّه تویجری-معاصر-

۴.احادیث اشراط السّاعه الصّغری،تألیف صالح بن محمّد دخیل اللّه -معاصر-

ص:۱۵۲

۵.الاحادیث القاضیه بخروج المهدی،تألیف محمّد بن اسماعیل امیر یمانی،متوفّای ۷۵۱ ه.

۶.الاحادیث الوارده فی المهدی،تألیف ابو بکر بن خثیمه،متوفّای ۲۷۹ ه.

۷.الأحادیث الوارده بشأن الدّجّال،تألیف احمد بن عیسی بن الهادی -معاصر-

۸.الأحادیث الوارده فی شأن المهدی،تألیف شیخ عبد العلیم بن عبد العظیم بستوی-معاصر-

۹.احادیث و کلمات حول الامام المنتظر،تألیف سیّد عبد اللّه غریفی -معاصر-

۱۰.الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر،تألیف شیخ حمود بن عبد اللّه تویجری-معاصر-

۱۱.احوال صاحب الزّمان،تألیف سعد الدّین حموئی،متوفّای ۶۵۰ ه.

۱۲.احوال مهدی آخر الزّمان،تألیف متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه.

۱۳.اخبار الدّوله فی ظهور المهدی،تألیف احمد بن ابراهیم،ابن جزار قیروانی،متوفّای ۴۰۰ ه.

۱۴.اخبار المهدی،تألیف ابو العلاء همدانی،متوفّای ۵۶۹ ه.

۱۵.اخبار المهدی،تألیف بدر الدّین حسن بن محمّد بن صالح نابلسی، متوفّای ۷۷۲ ه.

۱۶.اخبار المهدی،تألیف عبد العزیز بن یحیی جلّودی،متوفّای ۳۰۲ ه.

یا ۳۳۲ ه.

۱۷.اخبار المهدی،تألیف ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه.

ص:۱۵۳

۱۸.اخبار المهدی،تألیف حمّاد بن یعقوب رواجنی.

۱۹.اخبار المهدیّه،تألیف ابو بکر صنهاجی.

۲۰.اربعین حدیث فی المهدی،تألیف ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه. (۱)

۲۱.اربعین حدیث فی المهدی،تألیف ابو العلاء همدانی،متوفّای ۵۶۹ ه.

۲۲.ارشاد المستهدی فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الوارده فی شأن الامام المهدی،تألیف محمّد علی حسین بکری مدنی.

۲۳.الاشاعه لاشراط السّاعه،تألیف محمّد بن رسول برزنجی شافعی، متوفّای ۱۱۰۳ ه.

۲۴.اشراط السّاعه،تألیف ابو محمّد عبد الغنی مقدّسی جماعیلی حنفی،متوفّای ۶۰۰ ه.

۲۵.اشراط السّاعه،تألیف احمد بن فقیه شافعی.

۲۶.اشراط السّاعه،تألیف یوسف بن عبد اللّه بن یوسف وابل.

۲۷.اشراط السّاعه الصّغری و الکبری،تألیف شیخ امین حاج محمّد احمد-معاصر-

۲۸.اشراط السّاعه و خروج المهدی،تألیف علی بن محمّد میلی جمالی مغربی مالکی،متوفّای ۱۲۴۸ ه.

۲۹.اصحّ ما ورد فی المهدی و عیسی،تألیف شیخ محمّد حبیب اللّه شنقیطی جکنی،متوفّای ۱۳۶۳ ه.

---

۱ - ۱) .متن آن در جلد دوّم«نامه ی دانشوران»و ترجمه اش توسط«عبد الحجّه بلاغی»در سال ۱۳۸۳ قمری،در تهران به چاپ رسیده است.

۳۰.اعتقاد اهل القرآن فی نزول المسیح ابن مریم آخر الزّمان،تألیف شیخ محمّد عربی مغربی.

۳۱.اقامه البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزّمان،تألیف ابو الفضل عبد اللّه بن محمّد بن صدّیق ادریسی غماری-معاصر-

۳۲.اقامه البرهان فی الرّد علی من انکر خروج المهدی و الدّجال و نزول المسیح فی آخر الزّمان،تألیف حمّود بن عبد اللّه تویجری-معاصر-

۳۳.امارات السّاعه،تألیف شاه رفیع الدّین دهلوی.

۳۴.البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان،تألیف ملاّ علی متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه. (۱)

۳۵.البرهان،فی علامات مهدی آخر الزّمان،تألیف جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.

۳۶.البیان فی اخبار صاحب الزّمان،تألیف محمّد بن یوسف گنجی شافعی متوفّای ۶۵۸ ه. (۲)

۳۷.بین یدی السّاعه،تألیف دکتر عبد الباقی احمد سلامه-معاصر-

۱- ۱) .نگارنده یک نسخه ی خطی آن را در کتابخانه ی سلیمانه ی استانبول و یک نسخه اش را در کتابخانه ی سلطنتی برلین دیده است،و اخیرا از روی نسخه خطی کتابخانه ی مسجد الحرام (مکّه ی مکرّمه)در سال ۱۳۹۸ به کوشش آقای علی اکبر غفاری در تهران چاپ شده است و نسخه ای هم در کتابخانه الامام امیر المؤمنین در نجف اشرف موجود است.

۲- ۲) .این کتاب در سال ۱۳۲۴ قمری به ضمیمه ی کتاب«الغیبه»شیخ طوسی در ایران چاپ شد،چاپ دوّم آن در استانبول(۱۳۳۱)و سومش در نجف(۱۳۸۲)و یکبار هم در آخر «کفایه الطالب»و اخیرا به صورت جالبی با مقدّمه ی سیّد مهدی خرسان در بیروت چاپ شده است.

۳۸.تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر،تألیف محمّد بن عبد العزیز بن مانع،متوفّای ۱۳۸۵ ه. (۱)

۳۹.تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزّمان،تألیف ابن کمال پاشا حنفی،متوفّای ۹۴۰ ه. (۲)

۴۰.تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان،تألیف ملّا علی متّقی، متوفّای ۹۷۵ ه. (۳)

۴۱.تنبیه الوسنان الی اخبار مهدی آخر الزّمان،تألیف احمد نوبی، متوفّای ۱۰۳۷ ه.

۴۲.التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجّال و المسیح،تألیف شوکانی.

۴۳.ثلاثه ینتظرهم العالم:عیسی،الدّجال و المهدی المنتظر،تألیف شیخ عبد اللّطیف عاشور-معاصر-

۴۴.جامع الاخبار و الاقواب فی المسیح الدّجال،تألیف عبد الرّزاق عید الرّعود.

۴۵.جزء فی المهدی،تألیف ابو حسین ابن المنادی،متوفّای ۳۳۶ ه.

۴۶.جزء فی المهدی،تألیف عماد الدّین ابن کثیر،متوفّای ۷۷۴ ه.

۴۷.الجواب المقنع المحرّر،فی الرّد علی من طغی و تبحّر،بدعوی انّه

ص:۱۵۶

۱- ۱) .نسخه ای از آن در کتابخانه ی سلیمانیه ی استانبول و نسخه ای در دار الکتب مصر موجود است.

۲- ۲) .نسخه ای از آن در کتابخانه ی برلین و چندین نسخه در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

۳- ۳) .یک نسخه از آن در کتابخانه ی برلین و نسخه ای دیگر در کتابخانه ی سلیمانیه و نسخ سومی در کتابخانه ی آیت اللّه نجفی در قم موجود است.

عیسی او المهدی المنتظر،تألیف محمّد حبیب اللّه بن مایانی جکنی شنقیطی،متوفّای ۱۳۶۳ ه.

۴۸.دجّال از دیدگاه اسلام و سایر ادیان،-ترکی استانبولی-تألیف دکتر زکی ساری توپراق-معاصر-

۴۹.دراسات المرویّات بشأن الدّجال فی الکتب السّته،تألیف احمد بن عیسی احمد هادی عمر-معاصر-

۵۰.ذکر المهدی و نعوته،تألیف ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه.

۵۱.الرّد علی من حکم و قضی،ان المهدی جاء و مضی،تألیف ملاّ علی قاری،متوفّای ۱۰۱۴ ه. (۱)

۵۲.الرّد علی من حکم و قضی بان المهدی جاء و مضی،تألیف متّقی هندی،متوفّای ۱۰۱۴ ه.

۵۳.الرّد علی من کذّب بالأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی، تألیف شیخ عبد المحسن عبّاد-معاصر-

۵۴.رساله فی ردّ من انکر انّ عیسی علیه السّلام اذا نزل یصلّی خلف المهدی، تألیف جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.

۵۵.رساله فی علامات المهدی،تألیف جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.

۵۶.رساله فی الفتن و الملاحم و اشراط السّاعه،تألیف ابو عبیده ماهر بن صالح آل مبارک.

۱- ۱) .نسخه ای از آن در کتابخانه ی الامام امیر المؤمنین،نجف و نسخه ای دیگر در کتابخانه ی ناصریه(لکهنو-هند)موجود است.

۵۷.رساله فی المهدی،تألیف جعفر بن حسن بن عبد الکریم برزنجی، متوفّای ۱۱۷۹ ه.

۵۸.رساله فی المهدی،تألیف متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه.

۵۹.رساله فی المهدی،تألیف ابن کثیر دمشقی،متوفّای ۷۷۴ ه.

۶۰.رساله فی المهدی،تألیف ادریس بن محمّد بن حمدون عراقی فارسی،متوفّای ۱۱۸۳ ه.

۶۱.رساله فی المهدی،تألیف احمد بربیر،متوفّای ۱۲۲۶ ه.

۶۲.روض وردی فی اخبار المهدی،تألیف جعفر بن حسن برزنجی شافعی،متوفّای ۱۱۷۹ ه.

۶۳.السّرّ فی عور الدّجال،تألیف عبد الرّحمن بن عبد اللّه اندلسی سهیلی،متوفّای ۵۸۱ ه.

۶۴.سیّد البشر یتحدّث عن المهدی المنتظر،تألیف شیخ حامد محمود محمّد لیمود-معاصر-

۶۵.صاحب الزّمان،تألیف ابو العنبس محمّد بن اسحاق،متوفّای ۲۷۵ ه.

۶۶.الصّحیح المسند من احادیث الفتن و الملاحم و اشراط السّاعه، تألیف مصطفی عدوی-معاصر-

۶۷.طرق احادیث المهدی،تألیف حافظ ولیّ الدّین ابوزرعه ی عراقی، متوفّای ۸۲۶ ه.

۶۸.العرف الوردی فی اخبار المهدی،تألیف جلال الدّین سیوطی متوفّای ۹۱۱ ه. (۱)

۱- ۱) .نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه موجود است.و در ضمن کتاب«الحاوی للفتاوی»-

۶۹.العرف الوردی فی اخبار المهدی،تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی،متوفّای ۶۸۵ ه. (۱)

۷۰.العرف الوردی فی دلایل المهدی،تألیف عبد الرّحمن بن مصطفی، عیدروس یمنی،متوفّای ۱۱۹۲ ه. (۲)

۷۱.العطر الوردی،فی شرح القطر الشهدی،فی اوصاف المهدی، تألیف محمّد بن محمّد بن احمد بلبیسی،متوفّای ۱۳۰۸ ه.

۷۲.عقد الدرر فی اخبار المهدیّ المنتظر،تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی،متوفّای ۶۸۵ ه. (۳)

۷۳.عقد الدّرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر،تألیف احمد بن زینی دحلان.

۷۴.عقیده الاسلام فی رفع سیّدنا عیسی و نزوله فی آخر الزّمان،تألیف محمّد ضیاء الدّین کردی.

۷۵.عقیده اهل الاسلام فی نزول عیسی،تألیف ابو الفضل عبد اللّه بن صدّیق غماری-معاصر-

۷۶.عقیده اهل السّنّه و الاثر فی المهدی المنتظر،تألیف شیخ

۱- ۱) .یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

۲- ۲) .یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

۳- ۳) .نسخه هایی از آن در کتابخانه ی آیت اللّه حکیم در نجف،مدرسه ی هندیها در کربلا،علی پاشا در استانبول،معهد مخطوطات عربی در مصر موجود است،و اخیرا با همّت والای آیه اللّه حاج شیخ محمّد حسین کلباسی قدّس سرّه[متوفّای نهم رجب ۱۴۱۸ ه.]از روی نسخه ی برلین در مصر به چاپ رسیده،سپس در قم و تهران تجدید طبع شده است.

عبد المحسن عبّاد-معاصر-

۷۷.علائم الظهور،تألیف علی بن حسان الدّین متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه.

۷۸.علامات السّاعه الصّغری و الکبری،تألیف لیلی مبروک-معاصر- ۷۹.علامات السّاعه فی القرآن و السّنّه،تألیف شیخ جزاع شمری-معاصر-

۸۰.علامات قیام السّاعه الصّغری و الکبری،تألیف یوسف بن اسماعیل نبهانی،متوفّای ۱۳۵۵ ه.

۸۱.علامات القیامه الکبری،من بعثه النّبی حتی نزول عیسی،تألیف شیخ عبد اللّه حجّاج-معاصر-

۸۲.علامات المهدی،تألیف صدر الدّین قونوی،متوفّای ۶۷۲ ه.

۸۳.علامات یوم القیامه،تألیف ابو عبد اللّه محمّد بن احمد انصاری قرطبی،متوفّای ۶۷۱ ه.

۸۴.العواصم عن الفتن القواصم،تألیف ابن بریده.

۸۵.فتح المنّان شرح الفوز و الامان فی مدح صاحب الزّمان،تألیف احمد بن علی بن عمر بن صالح عدوی منینی،متوفّای ۱۱۷۳ ه.

۸۶.الفتن،تألیف ابو عبد اللّه نعیم بن حماد مروزی،متوفّای ۲۸۸ ه.

۸۷.الفتن،تألیف ابو صالح احمد بن عیسی سلیلی-قرن چهارم-

۸۸.الفتن،تألیف ابو عمرو،عثمان بن سعید دانی،متوفّای ۴۴۴ ه.

۸۹.الفتن و الملاحم الواقعه فی آخر الزّمان،تألیف ابن کثیر،متوفّای ۷۷۴ ه.

۹۰.الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر،شیخ منتصر کتانی. (۱)

۱- ۱) .این جزوه در پاسخ یک مسلمان کنیائی،از طرف رابطه العالم الاسلامی(مکّه)منتشر-

۹۱.فرائد الفوائد،تألیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی،متوفّای ۱۰۳۱ ه. (۱)

۹۲.فصل المقال فی رفع عیسی علیه السّلام حیّا،و فی نزوله و قتله الدّجال، تألیف دکتر محمّد خلیل هراس.

۹۳.القطر الشهدی فی اوصاف المهدی،تألیف احمد بن احمد حلوانی شافعی،متوفّای ۱۳۰۸ ه. (۲)

۹۴.القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر،تألیف شهاب الدّین احمد بن محمّد ابن حجر مکّی،متوفّای ۹۷۳ ه. (۳)

۹۵.کتاب المهدی،برهان الدّین،ابراهیم بن محمّد حنبلی،مشهور به ابن قیّم جوزیه،متوفّای ۷۶۷ ه.

۹۶.کتاب المهدی ابو موسی عیسی بن مهران مسعطف.

۹۷.مختصر الاخبار المشاعه فی الفتن و اشراط السّاعه و اخبار المهدی،تألیف شیخ عبد اللّه بن سلیمان مشعل-معاصر-

۹۸.مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر،تألیف ابن حجر هیثمی،متوفّای ۹۷۳ ه.

۱- ۱) .نسخه ای از آن در کتابخانه ی سلیمانیه استانبول موجود است.

۲- ۲) .همان مدرک،و در سال ۱۳۴۵ هجری در مصر به ضمیمه ی کتاب«فتح رب الارباب» چاپ شده است.

۳- ۳) .نسخه هایی از آن در کتابخانه های برلین و استانبول و دار الکتب مصر موجود است.

۹۹.مرآه الفکر فی المهدی المنتظر،تألیف مرعی بن یوسف مقدسی، متوفّای ۱۰۳۱ ه.

۱۰۰.مسأله فی الغیبه،تألیف قاضی عبد الجبّار معتزلی،متوفّای ۴۱۵ ه.

۱۰۱-المسیح عیسی،نزوله فی آخر الزّمان و قتاله الدّجال،تألیف مصطفی عبد القادر عطا-معاصر-

۱۰۲.مشاهده الآیات فی اشراط السّاعه و ظهور العلامات،تألیف محمّد بن مؤیّد حموینی،متوفّای ۶۵۰ ه.

۱۰۳.المشرب الوردی فی مذهب المهدی،تألیف ملّا علی قاری متوفّای ۱۰۱۴ ه. (۱)

۱۰۴.مشرق الأکوان،تألیف سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفّای ۱۲۹۴ ه.

۱۰۵.الملاحم،تألیف ابو الحسن،احمد بن جعفر بن محمّد،ابن المنادی،متوفّای ۳۳۶ ه.

۱۰۶.مناقب المهدی،تألیف ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه.

۱۰۷.من روی من طرق اصحاب الحدیث،انّ المهدی من ولد الحسین علیه السّلام، تألیف ابو علی احمد بن محمّد بن احمد جرجانی،(مقیم مصر)

۱۰۸.من علامات القیامه الکبری:المسیح الدّجال و اسرار السّاعه، تألیف محمّد احمد سفارینی،متوفّای ۱۱۸۸ ه.

۱۰۹.مهدویّت(ترکی استانبولی)،تألیف ایلهان عونی-معاصر-

۱- ۱) .یک نسخه از آن در کتابخانه ی برلین و شش نسخه از آن در کتابخانه ی سلیمانیه استانبول موجود است.

۱۱۰.مهدویّت و اشغال کعبه(ترکی)،تألیف احمد فاروق(معاصر) ۱۱۱.المهدی،تألیف عماد الدّین ابو الفداء اسماعیل بن عمر،ابن کثیر، متوفّای ۷۷۴ ه.

۱۱۲.المهدی،تألیف ابن قیّم جوزیه،متوفّای ۷۵۱ ه.

۱۱۳.المهدی،تألیف ابو داود(صاحب سنن)متوفّای ۲۷۵ ه.

۱۱۴.المهدی،تألیف ادریس العراقی المغربی.

۱۱۵.مهدی آل الرّسول،تألیف علی بن سلطان محمّد هروی حنفی.

۱۱۶.المهدی الی ما ورد فی المهدی،تألیف محمّد بن طولون، متوفّای ۹۳۵ ه.

۱۱۷.المهدی حقیقه لا خرافه،تألیف محمّد بن احمد بن اسماعیل -معاصر-

۱۱۸.المهدی قیاده و فکره،تألیف عبد الرّحمن عیسی.

۱۱۹.المهدی المنتظر،تألیف ابراهیم مشوخی-معاصر-

۱۲۰.المهدی المنتظر،تألیف جهیمان بن محمّد بن سیف عتیبی، متوفّای ۱۴۰۰ ه.

۱۲۱.المهدی المنتظر،تألیف ابو الفضل عبد اللّه بن محمّد بن صدّیق غماری-معاصر-

۱۲۲.المهدی المنتظر،تألیف عبد اللّه حجّاج-معاصر-

۱۲۳.المهدی المنتظر بین الحقیقه و الخرافه،تألیف عبد القادر احمد عطا.

۱۲۴.المهدی المنتظر بین العقیده الدینیّه و المضمون السّیاسی،تألیف محمّد فرید حجاب-معاصر-

ص:۱۶۳

۱۲۵.المهدی المنتظر فی المیزان،تألیف عبد المعطی عبد المقصود.

۱۲۶.المهدی المنتظر و من ینتظرونه،تألیف عبد الکریم خطیب.

۱۲۷.المهدی و اشراط السّاعه،تألیف محمّد علی صابونی-معاصر-

۱۲۸.المهدیّه فی الاسلام منذ اقدم العصور حتّی الیوم،تألیف سعد محمّد حسن-معاصر-

۱۲۹.المهدیّه فی الاسلام،تألیف یوسف کرم.

۱۳۰.نبأ الدّجّال،تألیف شمس الدّین محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی، متوفّای ۷۴۸ ه.

۱۳۱.النّجم الثّاقب،تألیف زبیدی و عقیلی.

۱۳۲.النّجم الثّاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ابی طالب،تألیف شمس الدّین محمّد بن محمّد بن عبد الرّحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی،متوفّای ۱۰۰۱ ه. (۱)

۱۳۳.نصیحه النبوّه فی النّجاه من الفتن،تألیف محمّد عبد الرّحمن عوض-معاصر-

۱۳۴.نظره عابره فی مزاعم من ینکر نزول عیسی قبل الآخره،تألیف محمّد زاهد کوثری.

۱۳۵.نظره فی احادیث المهدی،تألیف محمّد خضر حسین مهدی، متوفّای ۱۳۷۷ ه.

۱۳۶.نظریّه ی مهدی(اردو)،تألیف محمّد حسن لطفی-معاصر-

۱۳۷.النّظم الواضح المبین،تألیف عبد القادر بن محمّد سالم.

۱- ۱) .یک نسخه از آن در کتابخانه ی سلیمانیه استانبول موجود است.

۱۳۸.نعت المهدی،تألیف ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه.

۱۳۹.الهدایه المهدویّه،تألیف ابو الرّجا محمّد هندی،متوفّای ۱۲۹۰ ه.

۱۴۰.الهدیّه النّدیه،للامّه المحمّدیّه فیما جاء فی فضل الذات المهدیّه، تألیف قطب الدّین مصطفی بن کمال الدّین حنفی،متوفّای ۱۱۶۲ ه. (۱)

در پایان گفتار،تـذکّر این نکته لازم است که در کتابهای اهل تسنّن که روایات حضـرت مهدی علیه السّلام آورده اند،به نقل روایـات کلّی اکتفـا نشـده، بلکه از اوصاف و خصوصیّات آن حضـرت نیز بحث شـده است.مثلا در دهها کتاب از دانشـمندان سنّی،تصریح شده که«مهدی موعود»فرزند بلافصل حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام می باشد. (۲)

سیری در مسئله ی غیبت

جالب توجّه این است که تمـام مسائـل مربوط به حضـرت مهـدی علیه السّلام، در میان توده ی مردم در هرعصـری مشـهور و زبـانزد خـاصّ و عـامّ بـود و حتّی در هرجنبه ی آن کتابهـای مسـتقلّی نوشـته شـده است.اگر روزی بتوانیم کتابهـایی را که در هرعصـری پیرامون حضـرت مهدی نوشـته شده احصاء کنیم خود یکی از مسـتدل ترین راههای اثبات«اصالت مهدویّت»خواهد بود،نگارنده تصمیم داشت این روش بحث را در مورد یکی از مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السّلام در این گفتار دنبال کند و قرعه ی فال به نام

ص:۱۶۵

۱- ۱) .مشـخصات چاپ و آدرس نسخ خطّی این کتابها را در کتابنامه ی حضـرت مهدی علیه السّلام-به قلم نگارنده-ملاحظه فرمائید.

۲- ۲) .اسامی آنها را در کتاب«موعودی که جهان در انتظار اوست»،ص ۵۱-۶۸ بخوانید.

«مسئله ی غیبت»زده شد،هنگامی که به بحث و تحقیق در این زمینه شروع کرد،فقط به بحث از کتابهایی پرداخت که پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السّلام کتاب مستقلی پیرامون«غیبت آن حضرت نوشته اند:

۱.ابو اسحاق،ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی،از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیهم السّلام بوده و کتابی در«غیبت»نوشته و ابن قولویه با یک واسطه این کتاب را از او روایت کرده است. (۱)

۲.ابو الحسن،علی بن حسن بن محمّد طائی جرمی شاطری،معاصر حضرت موسی بن جعفر علیهم السّلام و کتابی به نام«الغیبه»نوشته است. (۲)

۳.ابو الحسن علی بن عمر اعرج کوفی،از یاران حضرت موسی بن جعفر علیهم السّلام و مؤلّف کتابی به نام«الغیبه». (۳)

۴.حسن بن علی بن ابی حمزه ی بطاینی،که در عصر امام رضا علیه السّلام می زیسته و کتابی پیرامون«غیبت»نوشته است. (۴)

۵.ابو الفضل عبّاس بن هشام ناشری،از اصحاب امام رضا علیه السّلام و متوفّای ۲۲۰ ه.و صاحب کتاب«الغیبه». (۵)

۶.ابو محمّد فضل بن شاذان ازدی،از اصحاب امام رضا علیه السّلام و متوفّای ۲۶۰ ه.و صاحب ۱۸۰ جلد کتاب در حمایت از حریم مقدّس ولایت،که

۱- ۱) .رجال نجاشی،ص ۲۸؛فهرست شیخ طوسی،ص ۷۵.
۲- ۲) .رجال نجاشی،ص ۱۹۳،رجال شیخ طوسی،ص ۳۵۷ و فهرست شیخ طوسی:۱۱۸.
۳- ۳) .رجال نجاشی،ص ۱۹۴.
۴- ۴) .قاموس الرجال،ج ۳،ص ۱۹۳،رجال نجاشی،ص ۲۸؛فهرست شیخ طوسی،ص ۷۵.
۵- ۵) .رجال نجاشی،ص ۲۱۵؛رجال شیخ طوسی،ص ۳۸۴؛فهرست شیخ طوسی:۱۴۷.

یکی از آنها کتاب«الغیبه»است. (۱)

۷.همچنین کتابهای فراوانی از معاصرین امام حسن عسکری علیه السّلام مانند «ابراهیم بن اسحاق» (۲)و معاصرین نوّاب اربعه،مانند«محمّد بن قاسم بغدادی»متوفّای ۳۳۲ (۳)به نام«الغیبه»به یادگار مانده است.

فهرست بالا مربوط به کسانی است که پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السّلام کتاب مستقلّی در موضوع«غیبت»نوشته اند،وگرنه در صدها کتاب پیش از ولادت آن حضرت موضوع غیبت مطرح شده است،مثلا حسن بن محبوب یکی از محدّثین مورد اعتماد،صد سال پیش از ولادت حضرت مهدی،احادیث مربوط به غیبت را در«مشیخه ی»خود آورده است. (۴)

مدّعیان مهدویّت

یکی دیگر از دلایل روشن اصالت مهدویّت،مدّعیان مهدویّت است، از پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السّلام تا به امروز در هرعصری فرد یا افرادی پیدا شده که به دروغ ادّعای مهدویّت کرده اند،خود این مسئله از دلایل اصالت موضوع مهدویّت است،زیرا اگر چیزی اصالت نداشته باشد هرگز تقلّبی آن یافت نمی شود،چون همواره اشیاء تقلّبی را می سازند تا به جای اصلی آن را قالب کنند،شما حتما در زندگی با ۵ ریالی تقلّبی و ۱۰ ریالی

۱- ۱) .رجال نجاشی،ص ۲۳۵؛رجال شیخ طوسی،ص ۴۲۰؛فهرست شیخ طوسی:۱۵۰.

۲- ۲) .رجال نجاشی،ص ۱۵۵؛فهرست شیخ طوسی،ص ۲۹.

۳- ۳) .الذریعه الی تصانیف الشیعه،ج ۱۶،ص ۸۰.

۴- ۴) .اعلام الوری،ص ۴۱۶.

تقلّبی روبرو شده اید ولی هرگز با ۷ ریالی تقلّبی مواجه نشده اید،چرا؟

پرواضح است که هیچ دیوانه ای به فکر ساختن ۷ ریالی تقلّبی نخواهد افتاد،زیرا ۷ ریالی اصالت ندارد و هرچیزی که اصالت و واقعیّت ندارد، تقلّبی آن مفهوم ندارد.

در تاریخ،«فرعون ها»ادّعای خدایی کرده اند،چون«خدا»اصالت دارد و اصالتش برای همگان روشن و ثابت است،از این رهگذر عدّه ای خواسته اند که خود را به جای آن حقیقت و واقعیّت جا بزنند.

«مسلیمه ها»ادّعای نبوّت کرده اند،چون نبوت اصالت دارد و عدّه ای خواسته اند که خود را به جای آن قالب کنند،«مهدویّت»نیز اصالت دارد و لذا عدّه ای چون«علیمحمّد باب»خواسته اند خود را به جای مهدی واقعی جا بزنند،از این رهگذر وجود«متمهدی»ها(مدّعیان دروغگوی مهدویّت)خود یکی از دلایل اصالت و واقعیّت مهدویّت است.

*

ص:۱۶۸

نقش امام زمان در جهان هستی

از امام غایب چگونه استفاده می شود؟

در این گفتار به یکی از شایع ترین پرسش ها در مورد حضرت ولیّ عصر -عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-پاسخ خواهیم گفت،و آن این که:

در زمان غیبت که دست مردم از دامن آن حضرت کوتاه است و آن جمال الهی از دیدگان ما ناپدید است نحوه ی استفاده ی ما از آن حضرت، چگونه است؟

خوشبختانه این پرسش در روایات متعدّدی مطرح شده و پاسخ آن از پیشوایان دین رسیده است که ما در زیر به چند نمونه از آن اشاره می کنیم:

۱.جابر بن عبد اللّه انصاری،از پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پرسید:آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برخوردار می شوند؟فرمود:«ای و الّذی بعثنی بالنّبوّه،انّهم لیستضیئون بنوره و ینتفعون بولایته فی غیبته،کانتفاع النّاس بالشّمس و ان تجلّلها سحاب»:

«آری،قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت،

از وی نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند،همچنان که از خورشید استفاده می کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار بگیرد». (۱)

آنگاه خطاب به جابر فرمود:

«یا جابر!هذا من مکنون سرّ اللّه و مخزون علمه،فاکتمه الاّ عن اهله»:

«ای جابر!این از گنجینه های اسرار الهی و از رازهای دانش پروردگار است،آن را مکتوم بدار،مگر از اهلش». (۲)

۲.از پیشوای چهارم شیعه،حضرت امام سجّاد علیه السّلام پرسیدند:

شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولیّ عصر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف-چگونه استفاده می کنند؟فرمود:«آن چنان که از خورشید استفاده می کنند هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد». (۳)

۳.ششمین پیشوای شیعه فرمود:از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفرید تا روز رستاخیز زمین خالی از حجّت نبوده و نخواهد بود.یا حجّت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان.

راوی پرسید از امام غایب چگونه استفاده می شود؟فرمود:

«کما ینتفعون بالشّمس اذا سترها السّحاب»:

۱- ۱) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۵۳؛بحار الانوار،ج ۳۶،ص ۲۵۰.

۲- ۲) .اعلام الوری،ص ۳۷۵؛کفایه الأثر،ص ۵۵۳؛ینابیع المودّه،ج ۳،ص ۲۳۸ و ۳۹۹.

۳- ۳) .نظریه الامامه،ص ۴۱۳.

«آن چنان که از خورشید استفاده می شود هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد». (۱)

۴.در توقیع مبارکی که از ناحیه ی مقدّسه،به توسّط دوّمین نائب خاصّ:«محمّد بن عثمان»به اسحاق بن یعقوب صادر شده است،چنین می نگارد:

«و امّا وجه الانتفاع[بی]فی غیبتی،فکا الانتفاع الشّمس اذا غیّبتها عن الابصار السّحاب»:

«امّا چگونگی استفاده ی مردم از من،بسان استفاده ی آنهاست از خورشید هنگامی که در پشت ابر پنهان شود». (۲)

خورشید فروزان در پشت ابرهای تار

در پاسخ چهار تن از پیشوایان دین،خواندیم که همگی تصریح می کنند بر این که:

در زمان غیبت از فیوضات ناپیدا کرانه ی ناموس دهر امام عصر-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-همگان برخوردار هستند،بسان استفاده ی آنان از خورشید،هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد.

---

۱ - ۱) .امالی صدوق،ص ۱۵۷،کمال الدّین،ج ۱، ص ۲۰۷،بحار الأنوار،ج ۵۲، ص ۹۲،فرائد السّمطین،ج ۱، ص ۴۶؛ینابیع المودّه،ج ۱،ص ۷۶ و ج ۳،ص ۳۶۱.

۲ - ۲) .غیبت شیخ طوسی،ص ۱۷۷،بحار الانوار،ج ۵۳،ص ۱۸۱،کمال الدّین،ج ۲،ص ۴۸۵، احتجاج طبرسی،ص ۴۷۱،اعلام الوری،ص ۴۲۴،کشف الغمّه،ج ۳،ص ۳۲۲،النّوادر فیض کاشانی،ص ۱۶۴،کلمه الامام المهدی،ص ۲۲۵؛المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱،ص ۲۹۴.

و لکن هزار نکته ی باریکتر از مو اینجاست که چرا امام زمان علیه السّلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟

برای روشن شدن نکات لطیف ناچاریم موقعیّت امام را در جهان هستی و نقش خورشید را در منظومه ی شمسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم،و آن نیازمند مقدّمه ی زیر است!

هسته ی مرکزی جهان هستی

مشیّت الهی بر این جاری شده که در میان هرمجموعه ای از جهان هستی مرکز و محوری قرار دهد که آن مجموعه به گرد آن محور بچرخد و هستی آن مجموعه در پرتو همان هسته ی مرکزی ثابت و استوار باشد.این قانون تمام موجودات جهان آفرینش را فرامی گیرد،«اتم»که ریزترین موجودات جهان است و«کهکشان»که بزرگترین موجود جهان شناخته می شود،از این قانون مستثنی نیستند.

برای مطالعه در مورد اتمها،کافیست که مشتی خاک یا جرعه ای آب را در نظر بگیرید و با نیروی علم در درون آن به مطالعه بپردازید.

فی المثل یک قطره آب را در نظر می گیریم و اجزاء آن را تجزیه و تحلیل می کنیم،یک قطره آب از ۱/۰۰۰/۰۰۰ مولکول(ریزترین جزء یک جسم مرکّب)تشکیل یافته است،و می دانیم که هرمولکول آب از یک اتم اکسیژن و دو اتم ئیدروژن ترکیب شده است (H_2O) از این رهگذر معلوم می شود که در هرقطره ی آب ۳/۰۰۰/۰۰۰ اتم(ریزترین جزء یک عنصر ساده)وجود دارد.

ص:۱۷۲

هریک از اتمهای گوناگون از دو قسمت متمایز تشکیل شده اند:

۱.الکترونها،یا گرده هایی که به دور هسته ی مرکزی در حرکتند و دارای بار الکتریکی منفی هستند.

۲.هسته ی مرکزی،شامل پروتونها با بار الکتریکی مثبت و نوترونها که از نظر بار الکتریکی خنثی هستند و پوزتیرونها و هیپرونها و مزونها،و ذرات دیگری که تاکنون بیش از ۳۰ نوع آن کشف شده است.

*** می دانیم که دو بار الکتریکی که یکی مثبت و دیگری منفی باشد همدیگر را به سوی خود جذب می کنند.روی این حساب باید در هراتمی پروتونها،الکترونها را جذب کنند و در آغوش یکدیگر قرار گیرند.نظر به اینکه پروتونها بزرگترین قسمت تشکیل دهنده ی«اتم»هستند و بیش از ۱۰۰۰/۹۹۹ وزن اتم را تشکیل می دهند.و در حدود ۱۸۳۶ بار بزرگتر از الکترونها می باشند،و جاذبه ی یک جسم،تناسب مستقیم با وزن آن دارد.

بدیهی است که پروتونها،الکترونها را به سوی خود جذب خواهند کرد و بدین طریق الکترونها به روی پروتونها خواهد ریخت،و انفجار اتمی پیش خواهد آمد و چون این موضوع با یک فعل و انفعال زنجیره ای در تمام اتمهای جهان روی خواهد داد،در نتیجه با انفجار میلیاردها اتم،دنیا به خاک و خون کشیده خواهد شد و جهان هستی دیار نیستی را در پیش خواهد گرفت.

آنچه از بروز چنین حادثه ی مرگباری جلوگیری می کند تدبیر خداوند حکیم است که در برابر این جاذبه ی شدیدی که در اجزاء تشکیل دهنده ی اتم هست،یک نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی هم به الکترونها داده،تا در

اثر حرکت دورانی بسیار سریعی که به دور هسته ی مرکزی خود(پروتونها) دارند با سرعت سرسام آوری از مرکز خود دور نشوند و در پرتو تعادل این دو نیرو(جاذبه و دافعه)الکترونها با نظم شگفت انگیزی گردش خود را در مدارات تعیین شده دنبال کنند و اتمهای جهان به هستی خود ادامه دهند.

بدیهی است که اگر میزان جاذبه ی پروتونها کمی بیش از نیروی دافعه ی (گریز از مرکز)الکترونها بود،الکترونها به سوی هسته ی مرکزی خود کشیده می شدند و در دوران خود انفجار اتمی به بار آورده،هستی خود را به باد می دادند،و اگر نیروی گریز از مرکز الکترونها کمی بیش از میزان جاذبه ی پروتونها بود،الکترونها در اثر سرعت سرسام آور خود،جاذبه ی پروتونها را می شکستند و از حومه ی مغناطیسی آنها فرار کرده،به درون اتمهای مجاور وارد می شدند،و با ایجاد انفجار اتمی بسیار نیرومندی، جهانی را به خاک و خون می کشیدند.

روی این بیان نقش هسته ی مرکزی اتم در جلوگیری از انفجار اتمی به خوبی روشن می شود،زیرا انفجار اتمهای موجود در یک لیوان آب برای نابودی جهان کافیست.و تنها چیزی که از آن جلوگیری می کند،تعادل جاذبه و دافعه ی ذرّات اتمی مولکولهای آن است.

هسته ی مرکزی منظومه ی شمسی

اینک قدمی فراتر نهاده،سیر کوتاهی در منظومه ی شمسی خود به عمل آوریم:

در منظومه ی شمسی ما،طبق هیئت جدید،خورشید در مرکز آن قرار

گرفته و کرات دیگر(به ترتیب عطارد،زهره،زمین،مرّیخ،مشتری، زحل،اورانوس،نپتون و پلوتون)در فواصل معیّن و در مدارهای منظّمی به دور آن می گردند.

در منظومه نیز به طوری که توضیح خواهیم داد،عامل بقای آن تعادل جاذبه و دافعه می باشد و بس.

دیگر منظومه های کهکشان ما که بالغ بر ۳۰/۰۰۰ می باشند،از این قانون مستثنی نیستند،و اگر گامی فراتر نهاده نظری به سایر کهکشانها بیاندازیم مشاهده خواهیم کرد که شالوده ی تمام کهکشانها که بیش از ۲۰۰ میلیارد آن تاکنون کشف شده،براساس همان قانون استوار است.ولی نظر به این که اطّلاعات ما در مورد کهکشان خود بیش از کهکشانهای دیگر،و در زمینه ی منظومه ی خود بیش از دیگر منظومه ها می باشد،به نقش خورشید در منظومه ی خود می پردازیم:

مطابق هیئت جدید تمام کرات این منظومه با نیروی مرموزی به نام «گریز از مرکز»با سرعت سرسام آوری از مرکز خود(خورشید)دور می شوند و خورشید که در وسط منظومه قرار دارد با نیروی عظیم و با سرعت شگرفی معادل سرعت گریز آنها،آنها را به سوی خود جذب می کند و تعادل همین دو نیرو(جاذبه و دافعه)توده ی کرات منظومه را در مدار خود با فاصله ی ثابتی در اطراف خورشید به گردش می آورد.

فی المثل کره ی خاکی ما با ۵۹۵۵ میلیارد تن وزن در حدود ۴۰۰۰ میلیون سال است که با سرعت سرسام آوری(۱۰۶۲۰۰ کیلومتر در ساعت) به دور هسته ی مرکزی خود(خورشید)می گردد.

ص:۱۷۵

در اثر این حرکت سریع،نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی هر لحظه کره ی خاکی ما را از مرکز خود دور می کند،و در مقابل،خورشید با جاذبه ی نیرومند خود،آن را به سوی خود جذب می کند،تعادل این دو نیرو،زمین را در مدار منظّم خود به گردش می آورد.

البتّه زمین نیز خورشید را به سوی خود جذب می کند.ولی چون جاذبه ی یک جسم با وزن آن تناسب مستقیم دارد.جاذبه ی زمین نمی تواند در خورشید اثر بگذارد،روی این حساب چون در فاصله ی متساوی، مقدار جاذبه متناسب با جرم جسم جذب کننده است.پس خورشید که ۳ میلیون و ۳۳۰ هزار مرتبه از زمین سنگین تر است،جاذبه ی آن نیز به همان اندازه بیشتر است.آن مقدار نیروئی که در اثر جاذبه ی خورشید به کره ی ما وارد می شود،دقیقا معادل است با نیروی دافعه ای که زمین در اثر حرکت دورانی خود کسب می کند.تعادل این دو نیرو،زمین را در مدار معیّن خود به گردش می آورد و بقای هستی آن را تضمین می کند،زیرا اگر میزان جاذبه ی خورشید کمی بیشتر از نیروی گریز از مرکز زمین بود،زمین در یک لحظه،به سوی خورشید کشیده می شد و به مجرّد برخورد با سطح خورشید متلاشی شده با همه ی ساکنانش رهسپار دیار نیستی می گردید.و اگر نیروی گریز از مرکز زمین کمی بیش از میزان جاذبه ی خورشید بود، زمین با شکستن جاذبه ی خورشید و فرار از حوزه ی مغناطیسی آن در فضای بیکران پخش و متلاشی می شد و هستی خود را از دست می داد.

پس اگر یک لحظه جاذبه ی خورشید قطع شود،زمین و دیگر کرات منظومه،هستی خود را از دست داده،و محو و نابود خواهند شد.زیرا

براساس هیئت جدید تنها عامل بقای کرات همان جاذبه ی خورشید و تعادل آن با نیروی گریز از مرکز آنهاست.

ازاین رو موقعیّت خورشید در منظومه ی ما روشن می شود و معلوم می گردد که اگر یک لحظه جاذبه ی آن به کرات منظومه نرسد،همه ی آنها محکوم به فنا و نابودی شده و راه دیار نیستی را در پیش خواهند گرفت.

جان جهان

در مقدّمه ی بالا موقعیّت خورشید به طور فشرده،تجزیه و تحلیل گردید و ضمنا معلوم شد که قانون خلقت و ناموس طبیعت براساس هسته ی مرکزی استوار است،و در میان هرهسته از موجودات جهان محور و هسته ای وجود دارد که عامل بقای آن مجموعه از موجودات می باشد،و به «هسته ی مرکزی»موسوم است.اینک ببینیم جهان انسانها که شریفترین و گرامی ترین موجود جهان هستی است،به دور کدام محور می چرخد و در پرتو کدام هسته ی مرکزی به زندگی خود ادامه می دهند؟

بدیهی است که قلب عالم امکان و هسته ی مرکزی جهان هستی وجود مقدّس امام زمان-عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-می باشد.از اینجا نکته ی تشبیه امام زمان علیه السّلام به خورشید فروزان در زبان اخبار روشن می شود.زیرا که امام زمان علیه السّلام بسان آفتاب جهان تاب رمز بقای جهان انسانیّت است و جهان انسانها به دور آن محور می چرخد.

و اگر یک لحظه پیوند انسانها از آن«هسته ی مرکزی»قطع شود، همگی محکوم به فنا و سقوط در درّه ی هلاکت می باشند.و تعبیر پیشوایان

ص:۱۷۷

دین به همین معنی ناظر است،آنجا که می فرماید:«لو لا الحجّه لساخت الارض باهلها»:«اگر لحظه ای حجّت خدا در روی زمین نباشد زمین ساکنان خود را در کام خود فرومی برد».

این حقیقت در احادیث فراوانی از رسول گرامی اسلام و پیشوایان معصوم علیهم السّلام در مقام تبین نقش حجج الهی در نگهداری نظام هستی به ما رسیده است که به چند نمونه ی آن اشاره می کنیم:

۱.رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:

«انّی و احد عشر من ولدی و انت یا علیّ زرّ الارض -أعنی اوتادها و جبالها-بنا اوتد اللّه الارض ان تسیخ باهلها،فاذا ذهب الاثنا عشر من ولدی ساخت الارض باهلها و لم ینظروا»:

«من و یازده تن از فرزندانم و تو ای علی!لنگرهای زمین هستیم،خداوند به وسیله ی ما زمین را استوار کرده که ساکنانش را در دل خود فرونبرد،هنگامی که دوازده فرزندم از روی زمین بروند،زمین ساکنانش را در دل خود فرومی برد و به آنها مهلت داده نمی شود». (۱)

این حدیث با اندک تغییری در صدر آن،در منابع فراوانی از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است. (۲)

ص:۱۷۸

۱- ۱) .غیبت شیخ طوسی،ص ۱۳۹؛بحار الأنوار،ج ۳۶،ص ۲۵۹.

۲- ۲) .اصول کافی،ج ۱،ص ۱۳۹؛تقریب المعارف،ص ۱۷۵۵؛اثبات الهداه،ج ۱،ص ۴۶۰.

۲.و در حدیث دیگری فرمود:

«لن یزال هذا الّدین قائما الی اثنا عشر من قریش،فاذا مضوا ساخت الأرض باهلها»:

«تا پایان[امامت]دوازده تن از قریش،این دین پابرجاست.

هنگامی که آنها رخت بربندند،زمین ساکنانش را در کام خود فروبرد». (۱)

۳.و در خطبه ای که در آخری روزهای عمر خود ایراد کرد فرمود:

«ماشر النّاس کأنّی ادعی فاجیب،و انّی تارک فیکم الثّقلین:کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی،ما ان تمسّکتم بهما لن تضلّنا،فتعلّموا منهم و لا تعلّموهم،فانّهم اعلم منکم، لا تخلو الأرض منهم،و لو خلت اذا لساخت باهلها»:

«ای توده های مردم!گویی نزدیک است که فراخوانده شوم و دعوت حق را لبّیک گویم.من در میان شما دو امانت گرانبها نهادم:کتاب خدا و عترت خود اهلبیتم را.اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد.از آنها فراگیرید و درصدد تعلیم آنها نباشید که آنها از شما داناترند.روی زمین از آنها خالی نمی ماند،و اگر خالی بماند اهل خود را در کام خود فروبرد». (۲)

۴.پس از نزول آیه ی شریفه ی: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ: «تو

۱- ۱) .اعلام الوری،ص ۳۶۴؛بحار الأنوار،ج ۳۶،ص ۲۶۷.

۲- ۲) .کفایه الأثر،ص ۱۶۳؛بحار الأنوار،ج ۳۶،ص ۲۳۸؛مدینه البلاغه،ج ۱،ص ۱۷۰؛ ینابیع المودّه،ج ۱،ص ۷۴.

بیم دهنده ای و برای هرقومی هدایتگری هست». (1)رسول گرامی اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

«آن بیم دهنده من هستم،آیا می دانید که هدایتگر کیست؟».

عرضه داشتند:«نه یا رسول اللّه».

به امیر مؤمنان علیه السّلام اشاره فرمودند و بخشی از فضائل امیر مؤمنان و اهلبیت عصمت و طهارت را بازگو کردند و در پایان فرمودند:

«هو الامام،ابو الأئمّه الزّهر»:

«او امام است و پدر امامان نوفشان».

پرسیدند:یا رسول اللّه امامان بعد از شما چند نفر هستند؟فرمود:

«اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل،و منّا مهدیّ هذه الامّه، یملأ اللّه به الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، لا یخلو الأرض منهم الاّ ساخت بأهلها»:

«دوازده تن به تعداد نقباء بنی اسرائیل می باشند.مهدی امّت نیز از ماست.خداوند به وسیله ی او زمین را پر از عدل و داد می کند،به طوری که پر از جور و ستم شده است.زمین از آنها خالی نخواهد شد،مگر این که اهل خود را در کام خود فروبرد». (2)

۵.امام زین العابدین علیه السّلام در یک روایت طولانی از نقش امامان در

۱- ۱) .سوره ی رعد:آیه ی ۷.

۲- ۲) .کفایه الأثر،ص ۸۹؛بحار الأنوار،ج ۳،ص ۳۱۶.

رخدادهای جهان به تفصیل سخن گفته،در فرازی از آن می فرماید:

«و بنا یمسک الارض ان یمید باهلها،و بنا ینزّل الغیث، و بنا ینشر الرّحمه و یخرج برکات الارض،و لو لا ما فی الأرض منّا لساخت بأهلها»:

«خداوند به وسیله ی ما نمی گذارد که زمین اهل خود را پریشان سازد،و به وسیله ی ما باران را می فرستد،و به وسیله ی ما رحمتش را می گستراند،و به وسیله ی ما برکات زمین را خارج می سازد،و اگر نبود امامی از ما در روی زمین، زمین اهل خود را در کام خود فرومی برد». (۱)

۶.امام باقر علیه السّلام در همین رابطه فرمود:

«لو انّ الامام رفع من الأرض ساعه لماجت باهلها،کما یموج البحر باهله»:

«اگر یک ساعت امام از روی زمین برداشته شود،زمین ساکنانش را درنوردد،آن چنانکه دریا-به هنگام طوفان- ساکنانش را درمی نوردد». (۲)

این حدیث با اندک اختلافی در تعبیر به سند دیگری نیز از امام باقر علیه السّلام روایت شده است. (۳)

۱- ۱) .فرائد السّمطین،ج ۱،ص ۴۶،ینابیع المودّه،ج ۱،ص ۷۵،ج ۳،ص ۳۶۰،امالی شیخ صدوق،ص ۱۵۷؛کمال الدّین،ج ۱ ص ۲۰۷.

۲- ۲) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۰۲؛بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۳۴.

۳- ۳) .غیبت نعمانی،ص ۱۳۹؛بصائر الدّرجات،ص ۵۰۸.

۷.پیشوای پنجم شیعیان در حدیث دیگری فرمود:

«لو بقیت الأرض یوما بلا امام منّا لساخت باهلها»:

«اگر یک روز امامی از ما در روی زمین نباشد،زمین اهل خود را در کام خود فروبرد». (۱)

۸.امام صادق علیه السّلام در همین رابطه می فرماید:

«و لو لا من علی الأرض من حجج اللّه،لنفضت الأرض ما فیها و القت ما علیها،انّ الأرض لا تخلو ساعه من الحجّه»:

«اگر آن حجّتهای پروردگار در روی زمین نبودند،زمین هر چه در درون دارد بیرون می ریخت،و آنچه بر فراز خود دارد دور می انداخت،زمین حتّی یک ساعت از حجّت خدا خالی نمی شود». (۲)

۹.ابو حمزه ی ثمالی به خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کرد:

«آیا ممکن است که روی زمین خالی از حجّت باشد؟».

امام صادق علیه السّلام فرمود:

«لو بقیت الأرض بغیر امام لساخت»:

«اگر زمین خالی از امام بماند فروریزد». (۳)

۱- ۱) .اصول کافی،ج ۱،ص ۱۷۹؛کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۰۴؛بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۳۷.

۲- ۲) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۰۲؛بحار الأنوار،ج ۲۳،ص ۳۴.

۳- ۳) .اصول کافی،ج ۱،ص ۱۷۹؛غیبت نعمانی،ص ۱۳۸؛علل الشّرایع،ص ۱۹۸؛بصائر الدّرجات،ص ۵۰۸.

۱۰.و در نقلی دیگر فرمود:

«لو بقیت الأرض بغیر امام ساعه لساخت»:

«اگر یک ساعت روی زمین خالی از امام بماند فروریزد» (۱)

۱۱.امام صادق علیه السّلام در فرازی از یک حدیث طولانی در همین رابطه فرمود:

«و لو خلت الأرض ساعه واحده من حجّه للّه لساخت باهلها»:

«اگر زمین یک ساعت از حجّت خدا خالی باشد اهل خود را در کام خود فرومی برد». (۲)

۱۲.به خدمت امام رضا علیه السّلام عرض شد:

«آیا ممکن است روی زمین خالی از حجّت بماند؟»فرمود:«نه».

راوی گفت:از امام صادق علیه السّلام برای ما روایت شده که فرمود:

«زمین خالی از حجّت نمی ماند،مگر این که خداوند بر اهل زمین غضب فرماید».

امام هشتم فرمود:

«لا تبقی،اذا لساخت»:

«خالی نمی ماند و گرنه فرومی ریزد». (۳)

۱- ۱) .غیبت شیخ طوسی،ص ۱۳۲؛کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۰۱.

۲- ۲) .غیبت نعمانی،ص ۱۴۱؛بحار الأنوار،ج ۵۵۱،ص ۱۱۳.

۳- ۳) .اصول کافی،ج ۱،ص ۱۷۹؛علل الشّرایع،ص ۱۹۸؛عیون الأخبار،ص ۲۱۲.

۱۳.در حدیث دیگری از امام رضا علیه السّلام پرسیدند:

«آیا ممکن است که زمین باشد و امامی بر فراز آن نباشد؟».

امام علیه السّلام فرمود:

«لا،اذا لساخت باهلها»:

«نه،زیرا در آن صورت اهل خود را در کام خود فروبرد». (۱)

۱۴.امام رضا علیه السّلام در فرازی از یک حدیث طولانی در همین رابطه فرمود:

«لو خلت یوما بغیر حجّه لماجت بأهلها،کما یموج البحر باهله»:

«اگر یک روز زمین خالی از حجّت باشد،اهل خود را در نوردد،آن چنانکه دریا-به هنگام طوفان-اهل خود را درمی نوردد». (۲)

۱۵.و در حدیث دیگری در پاسخ پرسشی فرمود:

«معاذ اللّه،لا تبقی ساعه،اذا لساخت»:

«به خدا پناه می برم،حتّی یک ساعت هم باقی نمی ماند،بلکه اهل خود را در کام خود فرومی برد». (۳)

۱۶.و در همین رابطه فرمود:

«لو خلت الأرض طرفه عین من حجّه لساخت باهلها»:

۱- ۱) .عیون الاخبار،ص ۲۱۲؛علل الشّرایع،ص ۱۹۸.
۲- ۲) .کمال الدّین،ج ۱،ص ۲۰۲؛بحار الانوار،ج ۲۳،ص ۳۵.
۳- ۳) .همان مدرک.

«اگر زمین به مقدار یک چشم برهم نهادن خالی از حجّت باشد،اهل خود را در کام خود فرومی برد». (۱)

۱۷.علاّمه ی مجلسی قدّس سرّه در جلد«السّماء و العالم»احادیثی را از کتاب «تاریخ قم»در مورد شرافت و جلالت قم نقل می کند،در این میان دو حدیث از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که در آنها نقش قم در زمان غیبت و نشر احادیث و علوم آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از قم به همه ی اکناف جهان به تفصیل بیان شده،در این دو حدیث تأکید شده که در زمان غیبت حضرت بقیّه اللّه -ارواحنا فداه-شهر قم و ساکنان آن جایگزین حجّت خدا می شوند،سپس آمده است:

«و لو لا ذلک لساخت الأرض باهلها»:

«اگر چنین نبود،زمین ساکنانش را در کام خود فرومی برد». (۲)

۱۸.و در فرازی از زیارتنامه ی امام حسین علیه السّلام خطاب به آن حضرت می خوانیم:

«و بکم یمسک الارض ان تسیخ باهلها»:

«خداوند به وسیله ی شما زمین را نمی گذارد که ساکنانش را در کام خود فروبرد». (۳)

پس اگر آفتاب عالمتاب،مدّتی در پشت ابرهای تیره و تار پنهان شود

۱- ۱) .علل الشّرایع،ص ۱۹۹؛عیون الأخبار،ص ۲۱۲.

۲- ۲) .بحار الأنوار ج ۶۰،ص ۲۱۳.

۳- ۳) .بحار الأنوار ج ۱۰۱،ص ۲۱۲.

نور و حرارت آن کاملا به انسانها و جانوران و گیاهان نرسد،باز هم یک اثر مهمّش همواره عاید جهانیان هست و آن این که در پرتو جاذبه ی آن،تمام کرات منظومه به زندگی خود ادامه می دهند و رهسپار دیار نیستی نمی شوند.

و اگر خورشید فروزان جهان انسانیّت قائم آل محمّد علیه السّلام مدّتی در پشت پرده ی غیبت نهان شود،و آن دست نیرومند الهی در آستین غیبت فرورود و دست انسانها از دامن پرفیضش کوتاه گردد.یک فیض بسیار عظیمش همواره شامل حال جهانیان می باشد،و آن این که در پرتو آن وجود مقدّس جهان هستی به بقای خود ادامه می دهد و زمین ساکنانش را در کام خود فرو نمی برد.و آسمان بر سر انسانها فرونمی ریزد.و خداوند متعال به برکت وجود او رشته ی فیوضاتش را از انسانها قطع نمی کند.

روی این بیان در زمان غیبت نیز جهان از وجود مقدّس امام زمان علیه السّلام برخوردار است و در پرتو وجودش دیار نیستی را نمی پیمایند و به زندگی خود ادامه می دهند.و از اینجا نکته ی تشبیه امام زمان علیه السّلام در زمان غیبت به خورشید نهان در پشت ابر روشن می گردد.

علاوه بر این:«امام چنان که وظیفه ی راهنمائی ظاهری را به عهده دارد،ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز به عهده دارد و حیات معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می دهد. (1)

در پرتو همین رابطه ی درونی و پیوند معنوی انسانها با امام است که از جهان چهارپایان پا فراتر نهاده،در زمره ی انسانها قرار گرفته اند.و اگر

۱- ۱) .المیزان،ج ۱۴،ص ۳۰۴؛شیعه در اسلام،از علّامه طباطبائی،ص ۱۵۲.

یک لحظه این پیوند درونی قطع شود به عهد جاهلیّت برگشته،در زمره ی حیوانات قرار می گیرند.

و حدیث معروف به همین مطلب اشاره می کند،آنجاکه می فرماید:

«من مات و لم یعرف امام زمانه،مات میته جاهلیّه»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد بر عهد جاهلیّت مرده است». (۱)

*

۱- ۱) .منابع این حدیث را در بخش:«ضرورت شناخت امام زمان علیه السّلام»به تفصیل آوردیم.

منابع

۱-الآثار الباقیه عن القرون الخالیه،ابو ریحان محمّد بن احمد بیرونی،متوفّای ۴۴۰ ه.چاپ میراث مکتوب،۱۳۸۰ ش.تهران.

۲-آیینه ی آئین مزدیسنا،کیخسرو،پور شاهرخ کرمانی.

۳-الأئمّه الاثنا عشر،شمس الدّین محمّد بن طولون،متوفّای ۹۵۳ ه.چاپ ۱۹۵۸ م.قاهره.

۴-الاتّحاف بحبّ الاشراف،شیخ عبد اللّه بن محمّد بن عامر شبروای،متوفّای ۱۱۷۱ ه.چاپ قاهره.

۵-اثبات الهداه،شیخ حرّ عاملی،متوفّای ۱۱۰۴ ه.چاپ ۱۳۹۹ ه.قم.

۶-اثبات الوصیّه،علی بن حسین مسعودی،متوفّای ۳۴۹ ه.چاپ نجف.

۷-احتجاج طبرسی،ابو منصور احمد بن علی طبرسی-قرن ششم-چاپ ۱۴۰۱ ه.بیروت.

۸-الاحسان بترتیب صحیح ابن حبّان،(متوفّای ۳۵۴ ه.)علاء الدّین علی بن بلبان فارسی حنفی،متوفّای ۷۳۹ ه.چاپ ۱۴۰۷ ه.بیروت.

۹-احقاق الحق،قاضی نور اللّه شوشتری،مستشهد ۱۱۰۹ ه.چاپ قم.

ص:۱۸۹

۱۰-اخبار الدّول،احمد بن یوسف دمشقی قرمانی،متوفّای ۱۰۱۹ ه.چاپ قاهره.

۱۱-اختصاص شیخ مفید،متوفّای ۴۱۳ ه.چاپ قم.

۱۲-اختیار معرفه الرّجال،شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ دانشگاه مشهد.

۱۳-اربعین،شیخ بهائی،متوفّای ۱۰۳۱ ه.چاپ ۱۳۵۷ ش.تبریز.

۱۴-ارشاد،شیخ مفید،محمّد بن محمّد بن نعمان،متوفّای ۴۱۳ ه.چاپ ۱۴۱۳ ه.قم.

۱۵-ازاله الغین،حیدر علی فیض آبادی،متوفّای ۱۲۰۵ ه.چاپ دهلی.

۱۶-استقصاء الأفحام،میر حامد حسین،متوفّای ۱۳۰۶ ه.چاپ ۱۳۱۵ ه.

۱۷-اسعاف الرّاغبین،محمّد،ابن صبان مصری شافعی،متوفّای ۱۲۰۶ ه.در حاشیه ی نور الأبصار شبلنجی،چاپ بیروت.

۱۸-اصول کافی،محمّد بن یعقوب کلینی،متوفّای ۳۲۹ ه.چاپ بیروت.

۱۹-الأعلام،خیر الدّین زرکلی،متوفّای ۱۳۹۶ ه.چاپ ۱۹۸۰ م.بیروت.

۲۰-اعلام الوری،امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن طبرسی-قرن ششم- چاپ ۱۳۹۹ ه.بیروت.

۲۱-اعیان الشّیعه،سیّد محسن جبل عاملی،متوفّای ۱۳۷۱ ه.چاپ ۱۴۰۳ ه.

بیروت.

۲۲-الافصاح،شیخ مفید،متوفّای ۴۱۳ ه.چاپ تهران.

۲۳-اقبال الاعمال،سیّد ابن طاووس،متوفّای ۶۶۴ ه.چاپ بیروت.

۲۴-الزام النّاصب،شیخ علی یزدی،متوفّای ۱۳۴۳ ه.چاپ بیروت.

۲۵-الامالی،شیخ صدوق،متوفّای ۳۸۱ ه.چاپ ۱۴۰۰ ه.بیروت.

۲۶-الامام الجواد من المهد الی اللّحد،سیّد محمّد کاظم قزوینی،متوفّای ۱۴۱۵ ه.

چاپ ۱۴۱۴ ه.قم.

۲۷-الامام المهدی من المهد الی الظهور،سیّد محمّد کاظم قزوینی،متوفّای ۱۴۱۵ ه.چاپ ۱۴۰۵ ه.قم.

۲۸-الإمامه و التّبصره،علی بن حسین بن بابویه قمی،متوفّای ۳۲۹ ه.چاپ ۱۴۰۷ ه.بیروت.

۲۹-الامامه و اهل البیت،دکتر محمّد بیوّمی مهران،معاصر،چاپ ۱۹۹۳ م.بیروت.

۳۰-الاموال،حمید بن رنجویه،متوفّای ۲۵۱ ه.چاپ ریاض.

۳۱-انتظار مسیحا،در آیین یهود،جولیوس کرینستون،ترجمه ی حسین توفیقی،چاپ ۱۳۷۷ ش.قم.

*انجیل لوقا،متی و مرقس-عهدین

۳۲-اهل البیت فی المکتبه العربیّه،سیّد عبد العزیز طباطبائی،متوفّای ۱۴۱۶ ه.

چاپ ۱۴۱۷ ه.قم.

۳۳-اوپانیشاد،ترجمه ی شاهزاده محمّد داراشکوه،فرزند شاهجهان،چاپ دوّم ۱۳۵۶ ش.تهران.

۳۴-اوستا،نامه ی مینوی آیین زرتشت،جلیل دوستخواه،انتشارات مروارید، چاپ پنجم،۱۳۶۴ ش.تهران.

۳۵-الایضاح،فضل بن شاذان،متوفّای ۲۶۰ ه.چاپ ۱۳۶۳ ش.تهران.

۳۶-بحار الأنوار،علاّمه ی مجلسی،متوفّای ۱۱۱۰ ه.چاپ تهران.

۳۷-البدء و التّاریخ،احمد بن سهل بلخی،متوفّای ۳۲۲ ه.چاپ ۱۸۹۹ م.پاریس.

۳۸-البرهان،سیّد هاشم بحرانی،متوفّای ۱۱۰۹ ه.چاپ تهران.

۳۹-البرهان علی وجود صاحب الزّمان،سید محسن امین،متوفّای ۱۳۷۱ ه.

چاپ ۱۳۹۹ ه.تهران.

۴۰-بریقه المحمودیّه،شیخ ابو سعید خادمی حنفی،متوفّای ۱۱۶۸ ه.چاپ قاهره.

۴۱-بصائر الدّرجات،محمّد بن حسن صفّار،متوفّای ۲۹۰ ه.چاپ ۱۴۰۴ ه.تهران.

۴۲-البلد الامین،شیخ ابراهیم کفعمی،متوفّای ۹۰۰ ه.چاپ تهران.

۴۳-البیان فی أخبار صاحب الزّمان،محمّد بن یوسف گنجی شافعی،متوفّای ۶۵۸ ه.چاپ ۱۳۹۹ ه.بیروت.

۴۴-پیرامون معرفت امام،حاج شیخ لطف اللّه صافی-معاصر-چاپ ۱۴۰۲ ه.

تهران.

۴۵-پیشگوییهای نوستر آداموس،بانو اریکا چاتهام-معاصر-ترجمه ی پوران فرّخزاد،چاپ ۱۳۶۹ ش.تهران.

۴۶-تاج المواليد،شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ ۱۳۹۶ ه.قم-در ضمن مجموعه ی نفیسه-.

۴۷-تاریخ ابن وردی،عمر بن مظفّر حلبی شافعی،متوفّای ۷۴۹ ه.

۴۸-تاریخ الاسلام،شمس الدّین محمد بن احمد ذهبی،متوفّای ۷۴۸ ه.چاپ ۱۴۱۰ ه.بیروت.

۴۹-تاریخ تمدن،ویل دورانت،چاپ دوّم ۱۳۶۷ ش.تهران.

۵۰-تاریخ الخلفاء،جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.چاپ قاهره.

۵۱-تاریخ الخمیس،حسین بن محمّد دیار بکری،متوفّای ۹۶۶ ه.چاپ ۱۳۰۲ ه.

مصر.

۵۲-تاریخ طبری،محمّد بن جریر،متوفّای ۳۱۰ ه.چاپ ۱۴۰۳ ه.بیروت.

۵۳-تاریخ فتوحات اسلامی،شکیب ارسلان،متوفّای ۱۳۶۶ ه.ترجمه ی علی دوانی،چاپ ۱۳۴۸ ش.تهران.

۵۴-تاریخ گزیده،حمد اللّه مستوفی،متوفّای ۷۵۰ ه.چاپ ۱۳۶۲ ش.

۵۵-تاریخ مختصر الدّول،ابن عبری،غریغور یوسن ملطی،متوفّای ۶۸۵ ه.چاپ قاهره.

۵۶-تاریخ یعقوبی،احمد بن ابی یعقوب،ابن واضح اخباری،متوفّای بعد از ۲۹۲ ه.چاپ ۱۳۸۴ ه.نجف.

۵۷-تبصره الولی،سیّد هاشم بحرانی،متوفّای ۱۱۰۹ ه.چاپ ۱۴۱۱ ه.قم.

۵۸-التتمّه فی تواریخ الائمّه،سید تاج الدّین عاملی-قرن ۱۱-چاپ قم.

۵۹-تحفه الابرار،عماد الدّین طبری،متوفّای بعد از ۷۰۱ ه.چاپ قم.

۶۰-تحفه الاحباب،شیخ عباس قمی،متوفّای ۱۳۵۹ ه.چاپ ۱۳۷۶ ه.تهران.

۶۱-تذکره الخواصّ،سبط ابن جوزی،متوفّای ۶۵۴ ه.چاپ ۱۳۸۳ ه.نجف.

۶۲-ترجمه،شرح و نقد سفر پیدایش تورات،انتونیو دوژزو پرتغالی-قرن ۱۲- چاپ ۱۳۷۵ ش.قم.

۶۳-تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمّد،قاضی بهلول بهجت افندی،مشهور به قاضی زنگنه زوری،متوفّای ۱۳۵۰ ه.چاپ ۱۴۰۳ ه.تهران.

*-تفسیر برهان-البرهان

۶۴-تفسیر صافی،فیض کاشانی،متوفّای ۱۰۹۱ ه.چاپ ۱۴۰۲ ه.بیروت.

۶۵-تفسیر عیّاشی،محمّد بن مسعود بن عیّاش سلمی-قرن سوّم-چاپ ۱۳۸۰ ه.تهران.

۶۶-تفسیر قمی،علی بن ابراهیم قمی-قرن سوّم و چهارم هجری-چاپ ۱۴۰۴ ه.قم.

*-تفسیر روح المعانی-روح المعانی

*-تفسیر کنز الدّقائق-کنز الدّقائق

*-تفسیر مجمع البیان-مجمع البیان

۶۷-تقریب المعارف،ابو الصّلاح تقی حلبی،متوفّای ۴۴۷ ه.چاپ ۱۴۱۷ ه.قم.

۶۸-التّنبیه و الاشراف،مسعودی،متوفّای ۳۴۵ ه.چاپ قاهره.

۶۹-تنقیح المقال،شیخ عبد اللّه ممقانی،متوفّای ۱۳۵۱ ه.چاپ نجف.

۷۰-تهذیب التهذیب،ابن حجر عسقلانی،متوفّای ۸۵۲ ه.چاپ ۱۴۱۲ ه.

بیروت.

۷۱-تواریخ النّبیّ و الآل،شیخ محمّد تقی شوشتری،صاحب قاموس الرّجال، متوفّای ۱۴۱۵ ه.چاپ ۱۴۱۶ ه.قم.

*-تورات-عهدین-کتابات ما بین العهدین.

۷۲-الثّاقب فی المناقب،ابن حمزه-قرن ششم-چاپ ۱۴۱۲ ه.قم.

۷۳-ثواب الاعمال،شیخ صدوق،متوفّای ۳۸۱ ه.چاپ ۱۳۶۴ ش.قم.

۷۴-جاماسب نامه،جاماسب بن لهراسب،چاپ ۱۳۱۳ ه.بمبئی.

۷۵-جامع الرواه،محمد بن علی اردبیلی،قرن ۱۲،چاپ ۱۴۰۳ ه.قم.

۷۶-الجرح و التعدیل،عبد الرحمان بن ابی حاتم رازی،متوفّای ۳۲۷ ه.چاپ حیدرآباد دکن،۱۲۷۱ ه.

۷۷-جزیره ی خضراء،ناجی النّجار،ترجمه ی علی اکبر مهدی پور-نگارنده- چاپ دوازدهم،قم.

۷۸-جمال الاسبوع،سیّد ابن طاووس،متوفّای ۶۶۴ ه.چاپ تهران.

۷۹-الجمع بین الصّحیحین،محمّد بن فتوح حمیدی،متوفّای ۴۸۸ ه.

۸۰-جنات الخلود،محمد رضا خاتون آبادی،متوفّای بعد از ۱۱۲۷ ه.

-چاپ سنگی-

۸۱-الجواهر المضیئه،ملاّ علی قاری،متوفّای ۱۰۱۴ ه.

۸۲-جوهره الکلام،محمود بن وهیب قراغلی بغدادی حنفی.

۸۳-چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان،علی اکبر مهدی پور،چاپ ۱۴۱۵ ه.قم.

۸۴-الحاوی للفتاوی،جلال الدّین سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.چاپ بیروت.

۸۵-حبیب السّیر،غیاث الدّین بن همام الدّین-خواندمیر-متوفّای ۹۴۲ ه.چاپ سوّم ۱۳۶۲ ش.تهران.

۸۶-حلیه الابرار،سیّد هاشم بحرانی،متوفّای ۱۱۰۹ ه.چاپ سنگی.

۸۷-حلیه الاولیاء،ابو نعیم اصفهانی،متوفّای ۴۳۰ ه.چاپ ۱۳۵۷ ه.

۸۸-دار السلام،میرزا حسین نوری،متوفّای ۱۳۲۰ ه.چاپ سوم قم.

۸۹-دار السلام فی من فاز بسلام الامام،شیخ محمود عراقی میثمی،تهران، چاپ سنگی.

۹۰-الدّر المنثور،سیوطی،متوفّای ۹۱۱ ه.چاپ ۱۳۱۴ ه.قاهره.

۹۱-دلایل الامامه،ابو جعفر،محمّد بن جریر طبری-قرن چهارم-چاپ ۱۴۱۳ ه.قم.

۹۲-دیباچه ای بر رهبری،ناصر الدّین صاحب الزّمان-معاصر-چاپ ۱۳۴۵ ش.تهران.

۹۳-الذّخیره فی الکلام،سیّد مرتضی علم الهدی،متوفّای ۴۳۶ ه.چاپ ۱۴۱۱ ه.قم.

۹۴-الذخیره فی المحشر،ابو عزیز خطی،متوفّای ۱۲۰۰ ه.چاپ ۱۳۷۴ ه.نجف.

۹۵-الذّریعه الی تصانیف الشّیعه،شیخ آغا بزرگ تهرانی،متوفّای ۱۳۸۹ ه.

چاپ بیروت.

۹۶-ربیع الابرار،محمود بن عمر زمخشری،متوفّای ۵۳۸ ه.

۹۷-رجال شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ نجف.

*-رجال کشّی-اختیار معرفه الرّجال

۹۸-رجال نجاشی،متوفّای ۴۵۰ ه.چاپ ۱۴۰۷ ه.قم.

۹۹-الرساله الاولی فی الغیبه،شیخ مفید،متوفّای ۴۱۳ ه.چاپ کنگره ی جهانی شیخ مفید.

۱۰۰-روح المعانی،سیّد محمود آلوسی،متوفّای ۱۲۷۰ ه.چاپ بیروت.

۱۰۱-روزگار رهائی،کامل سلیمان-معاصر-ترجمه ی علی اکبر مهدی پور، -نگارنده-چاپ سوّم،تهران.

۱۰۲-الروض الانف،عبد الرّحمن بن عبد اللّه سهیلی،متوفّای ۵۸۱ ه.

۱۰۳-روض المناظر،ابو الوالید محمّد ابن شحنه ی حنفی،متوفّای ۸۱۵ ه.

۱۰۴-روضه الواعظین،ابن فتّال نیشابوری،چاپ سنگی ۱۳۰۳ ه.تهران.

*-زبور-تورات-عهدین

۱۰۵-زند بهمن یسن،تحقیق محمّد تقی راشد محصّل-معاصر-چاپ ۱۳۷۰ ش.تهران.

۱۰۶-زوائد بزّار،احمد بن عمر بزّار،متوفّای ۳۲۰ ه.

۱۰۷-سالنامه ی نسل جوان،گروه نویسندگان،چاپ ۱۳۵۱ ش.قم.

۱۰۸-سردار کربلا،عبد الرزاق مقرّم،متوفّای ۱۳۹۱ ه.ترجمه ی ناصر پاک پرور،چاپ ۱۴۲۱ ه.قم.

*-سفر پیدایش-تورات

۱۰۹-سفینه البحار،شیخ عبّاس قمی،متوفّای ۱۳۵۹ ه.چاپ ۱۴۱۵ ه.قم.

۱۱۰-سنن ابن ماجه،حافظ ابو عبد اللّه محمّد بن یزید قزوینی،متوفّای ۲۷۵ ه.

چاپ ۱۳۹۵ ه.بیروت.

ص:۱۹۶

۱۱۱-سنن ترمذی،ابو عیسی محمّد بن عیسی بن سوره،متوفّای ۲۷۹ ه.

چاپ بیروت.

۱۱۲-سوشیانت یا سیر اندیشه ی ایرانیان درباره ی موعود آخر الزّمان،علی اصغر مصطفوی-معاصر-چاپ ۱۳۶۱ ش.تهران.

۱۱۳-سوشیانت موعود مزدیسنا،ابراهیم پور داود،چاپ ۱۹۲۷ م.تهران.

۱۱۴-شرح المقاصد،مسعود بن عمر تفتازانی،متوفّای ۷۹۱ ه.چاپ قاهره.

۱۱۵-شرح نهج البلاغه،ابن ابی الحدید،متوفّای ۶۵۶ ه.چاپ قاهره.

۱۱۶-شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی،حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی، -معاصر-چاپ ۱۴۱۲ ه.قم.

۱۱۷-شواهد التّنزیل،عبید اللّه بن عبد اللّه حسکانی،قرن پنجم هجری،چاپ ۱۴۱۱ ه.تهران.

۱۱۸-شیعه در اسلام،علاّمه ی طباطبائی،متوفّای ۱۴۰۲ ه.چاپ تهران.

۱۱۹-صحیح بخاری،ابو عبد اللّه محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم،متوفّای ۲۵۶ ه.

چاپ مصر،با حواشی سندی.

۱۲۰-صحیح مسلم،مسلم بن حجّاج نیشابوری،متوفّای ۲۶۱ ه.چاپ بیروت.

۱۲۱-الصّواعق المحرقه،احمد بن حجر هیثمی مکّی،متوفّای ۹۷۴ ه.چاپ ۱۳۸۵ ه.قاهره.

۱۲۲-الطبقات الکبری،محمّد بن سعد کاتب واقدی،متوفّای ۲۳۰ ه.چاپ ۱۴۰۵ ه.بیروت.

۱۲۳-العباس،عبد الرزاق مقرّم،متوفّای ۱۳۹۱ ه.چاپ نجف اشرف.

۱۲۴-العبقری الحسان،شیخ علی اکبر نهاوندی،متوفّای ۱۳۶۶ ه.چاپ سنگی تهران.

۱۲۵-العطر الوردی،احمد بن احمد حلوانی شافعی،متوفّای ۱۳۰۸ ه.شرح محمّد بن محمّد مصری بلبیسی،چاپ ۱۳۰۸ ه.بولاق.

۱۲۶-عقدر الدّرر،یوسف بن یحیی مقدسی شافعی،قرن هفتم،چاپ ۱۳۹۹ ه.

قاهره.

۱۲۷-علل الشّرایع،شیخ صدوق،متوفّای ۳۸۱ ه.چاپ ۱۳۸۵ ه.نجف.

۱۲۸-عهدین،چاپ انجمن پخش کتب مقدّسه،۱۹۶۹ م.لندن.

۱۲۹-عیون الاخبار،شیخ صدوق،متوفّای ۳۸۱ ه.چاپ ۱۳۹۰ ه.نجف.

۱۳۰-الغدیر،علاّمه امینی،متوفّای ۱۳۹۰ ه.چاپ ۱۴۲۱ ه.قم.

۱۳۱-غیبت شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ ۱۴۱۱ ه.قم.

۱۳۲-غیبت نعمانی،متوفّای بعد از ۴۴۲ ه.چاپ ۱۳۹۷ ه.تهران.

۱۳۳-فرائد السّمطین،ابراهیم بن محمّد بن مؤیّد جوینی،متوفّای ۷۳۰ ه.چاپ ۱۳۹۸ ه.بیروت.

۱۳۴-فرهنگ معین،محمّد معین،متوفّای ۱۳۵۰ ش.چاپ تهران.

۱۳۵-الفصول المختاره،شیخ مفید،متوفّای ۴۱۳ ه.چاپ کنگره ی جهانی شیخ مفید.

۱۳۶-الفصول المهمّه،ابن صبّاغ مالکی،متوفّای ۸۵۵ ه.چاپ نجف اشرف.

۱۳۷-فهرست ابن ندیم-قرن چهارم-چاپ قاهره.

۱۳۸-فهرست شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ ۱۴۰۳ ه.بیروت.

۱۳۹-قادتنا،آیه اللّه حاج سیّد محمّد هادی میلانی،متوفّای ۱۳۹۵ ه.چاپ ۱۴۰۶ ه.بیروت.

۱۴۰-قاموس الرّجال،شیخ محمّد تقی شوشتری،متوفّای ۱۴۱۵ ه.چاپ قم.

۱۴۱-قاموس کتاب مقدّس،مستر هاکس آمریکائی،چاپ ۱۳۴۹ ش.تهران.

۱۴۲-الکامل فی التّاریخ،ابن ابی اثیر شیبانی،متوفّای ۶۳۰ ه.چاپ بیروت.

۱۴۳-کتابات ما بین العهدین،تحقیق:اندریه دوبون،سومر،مارک فیلوننکو، چاپ ۱۹۹۸ م.دمشق.

*-کتاب اشعیاء نبی-تورات-عهدین

*-کتاب حبقوق نبی-تورات-عهدین

*-کتاب دانیال نبی-تورات-عهدین

۱۴۴-کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السّلام،علی اکبر مهدی پور،-نگارنده-چاپ ۱۴۱۷ ه.قم.

۱۴۵-کشف الاستار عن زوائد البزّاز،ابن حجر هیثمی،متوفّای ۸۰۷ ه.چاپ ۱۴۰۴ ه.بیروت.

۱۴۶-کشف الاستار،میرزا حسین نوری،متوفّای ۱۳۲۰ ه.چاپ ۱۴۰۰ ه.قم.

۱۴۷-کشف الحق،میر محمّد صادق خاتون آبادی،متوفّای ۱۳۷۲ ه.چاپ ۱۳۶۱ ش.تهران.

۱۴۸-کشف الغمّه،علی بن عیسی اربلی،متوفّای ۶۹۳ ه.چاپ بیروت.

۱۴۹-کفایه الأثر،علی بن محمّد بن علی خزّازی،از علمای قرن چهارم،چاپ ۱۴۰۱ ه.قم.

۱۵۰-کفایه الطالب،حافظ محمّد بن یوسف گنجی شافعی،متوفّای ۶۵۸ ه.

چاپ سوّم ۱۴۰۴ ه.تهران.

۱۵۱-کفایه المهتدی،سیّد محمّد میر لوحی،قرن دوازدهم-نسخه ی کتابخانه ی الزّهراء اصفهان-مخطوط-

۱۵۲-کلمه الامام المهدی،سیّد حسن شیرازی،مستشهد ۱۴۰۰ ه.چاپ ۱۴۰۴ ه.

بیروت.

۱۵۳-کمال الدّین،شیخ صدوق،متوفّای ۳۸۱ ه.چاپ ۱۳۹۵ ه.تهران.

۱۵۴-کنز الدقائق،محمّد رضا مشهدی-قرن ۱۲-چاپ ۱۴۱۰ ه.تهران.

۱۵۵-کنز العمّال،متّقی هندی،متوفّای ۹۷۵ ه.چاپ ۱۳۹۹ ه.بیروت.

۱۵۶-کنز الفوائد،ابو الفتح محمّد بن علی کراجکی،متوفّای ۴۴۹ ه.چاپ ۱۴۰۵ ه.بیروت.

۱۵۷-گزیده ی کفایه المهتدی،سیّد محمّد میر لوحی اصفهانی،متوفّای بعد از ۱۰۸۵ ه.چاپ ۱۳۷۳ ش.تهران.

۱۵۸-لسان العرب،ابن منظور،متوفّای ۷۱۱ ه.چاپ ۱۴۰۸ ه.بیروت.

۱۵۹-لوائح الأنوار البهیّه،شمس الدّین محمّد بن احمد بن سالم سفارینی، متوفّای ۱۱۸۸ ه.چاپ ۱۳۲۴ ه.قاهره.

۱۶۰-المجالس السّنیّه،سیّد محسن جبل عاملی،متوفّای ۱۳۷۱ ه.

۱۶۱-مجمع الزّوائد،ابن حجر هیثمی،متوفّای ۸۰۷ ه.چاپ ۱۳۵۳ ه.قاهره.

۱۶۲-محاسن برقی،محمّد بن خالد برقی-قرن سوّم-چاپ ۱۴۱۳ ه.

۱۶۳-مختصر اثبات الرّجعه،بهاء الدّین نیلی،متوفّای ۷۹۰ ه.چاپ ۱۴۰۱ ه.قم.

۱۶۴-مختصر بصائر الدرجات،حسن بن سلیمان حلّی،متوفّای بعد از ۸۰۲ ه.

چاپ ۱۴۲۳ ه.بیروت.

۱۶۵-المختصر فی اخبار البشر،عماد الدّین اسماعیل،ابو الفداء،متوفّای ۷۳۲ ه.چاپ بیروت.

۱۶۶-المختصر فی تاریخ البشر،سیّد جمال الدّین عطاء اللّه بن سیّد غیاث الدّین، متوفّای ۱۰۰۰ ه.

۱۶۷-مدینه البلاغه،حاج شیخ موسی زنجانی،متوفّای ۱۳۹۸ ه.چاپ ۱۴۰۵ ه.

تهران.

۱۶۸-مدینه المعاجز،سیّد هاشم بحرانی،متوفّای ۱۱۰۹ ه.چاپ سنگی.

۱۶۹-مرآت الجنان،عبد اللّه بن اسعد یافعی،متوفّای ۷۶۸ ه.چاپ حیدرآباد دکن.

۱۷۰-مروج الذّهب،علی بن حسین مسعودی،متوفّای ۳۴۶ ه.چاپ قاهره.

۱۷۱-مزدیسنا و ادب پارسی،دکتر محمّد معین،متوفّای ۱۳۵۰ ش.

۱۷۲-المسائل الخمسون،محمّد بن عمر تیمی،فخر رازی،متوفّای ۶۰۶ ه.

چاپ ۱۳۲۸ ه.مصر.

۱۷۳-المستجاد من الارشاد،علامه حلی،متوفّای ۷۲۶ ه.در ضمن مجموعه نفیسه،چاپ ۱۳۹۶ ه.قم.

۱۷۴-مستدرک صحیحین،حاکم نیشابوری،متوفّای ۴۰۵ ه.چاپ بیروت.

۱۷۵-مستدرک وسائل،میرزا حسین نوری،متوفّای ۱۳۲۰ ه.چاپ قم.

۱۷۶-المسترشد،محمّد بن جریر طبری،امامی-قرن چهارم-چاپ قم.

۱۷۷-مسند ابی الحسن جوهری،حافظ ابو الحسن علی بن جعد جوهری، متوفّای ۲۳۰ ه.چاپ کویت.

۱۷۸-مسند احمد حنبل،متوفّای ۲۴۱ ه.چاپ ۱۳۱۳ ه.قاهره.

۱۷۹-مسند الشّامیّین،ابو القاسم طبرانی،متوفّای ۳۶۰ ه.

۱۸۰-مسند طیالسی،ابو داود سلیمان بن داود طیالسی،متوفّای ۲۰۴ ه.چاپ حیدرآباد دکن.

۱۸۱-مشارق الأنوار،حسن عدوی حمزاوی،متوفّای ۱۳۰۳ ه.چاپ مصر.

۱۸۲-مصباح المتهجّد،شیخ طوسی،متوفّای ۴۶۰ ه.چاپ ۱۴۱۱ ه.بیروت.

۱۸۳-المصنّف،ابن ابی شبیه،متوفّای ۲۳۵ ه.چاپ ۱۴۰۹ ه.بیروت.

۱۸۴-مطالب السّئول،کمال الدّین محمّد بن طلحه قرشی شافعی،متوفّای ۶۲۵ ه.

چاپ نجف اشرف.

۱۸۵-المطالب العالیه،ابن حجر عسقلانی،متوفّای ۸۵۲ ه.چاپ بیروت.

۱۸۶-معالم العلماء،ابن شهر آشوب،متوفّای ۵۸۸ ه.چاپ ۱۳۸۰ ه.نجف.

۱۸۷-معجم البلدان،یاقوت حموی،متوفّای ۶۲۶ ه.چاپ بیروت.

۱۸۸-معجم کبیر،ابو القاسم،سلیمان بن احمد طبرانی،متوفّای ۳۶۰ ه.چاپ ۱۴۰۴ ه.بیروت.

۱۸۹-المعیار و الموازنه،ابو جعفر عبد اللّه اسکافی معتزلی،متوفّای ۲۴۰ ه.چاپ ۱۴۰۲ ه.بیروت.

۱۹۰-المغنی،قاضی عبد الجبّار معتزلی،متوفّای ۴۱۵ ه.

۱۹۱-مفاتیح العلوم،محمّد بن احمد خوارزمی،متوفّای ۳۸۷ ه.

۱۹۲-مفهوم نسبیّت انیشتن،برتراندراسل،چاپ ۱۳۳۳ ه.

۱۹۳-مقتضب الأثر،ابن عیّاش جوهری،متوفّای ۴۰۱ ه.چاپ ۱۳۴۶ ه.

۱۹۴-مقتل الحسین،موفق بن احمد خوارزمی،متوفّای ۵۶۸ ه.چاپ قم.

۱۹۵-مناقب آل ابیطالب،ابن شهر آشوب،متوفّای ۵۸۸ ه.چاپ بیروت.

۱۹۶-منتخب الأثر،حاج شیخ لطف اللّه صافی،چاپ ۱۴۲۲ ه.قم.

۱۹۷-منتخب الأنوار المضیئه،سیّد علی نیلی نجفی،متوفّای ۷۹۰ ه.چاپ ۱۴۰۱ ه.قم.

۱۹۸-منهاج الکرامه،علامه حلی،متوفّای ۷۲۶ ه.چاپ ۱۴۲۵ ه.مشهد.

۱۹۹-مهج الدّعوات،سیّد ابن طاووس،متوفّای ۶۶۴ ه.چاپ تهران.

۲۰۰-موجز تواریخ اهل البیت،شیخ محمّد بن طاهر سماوی،متوفّای ۱۳۷۰ ه.

چاپ ۱۳۸۵ ه.نجف اشرف.

۲۰۱-موسوعه المورد،منیر بعلبکی-معاصر-چاپ ۱۹۸۰ م.بیروت.

۲۰۲-موعودی که جهان در انتظار اوست،علی دوانی-معاصر-چاپ ۱۳۴۹ ش.قم.

۲۰۳-المهدی،سید صدر الدّین صدر،متوفّای ۱۳۷۳ ه.چاپ ۱۳۹۸ ه.بیروت.

۲۰۴-مهدی انقلابی بزرگ،ناصر مکارم شیرازی-معاصر-چاپ ۱۳۹۸ ه.قم.

۲۰۵-المهدی فی القرآن،سیّد صادق شیرازی-معاصر-چاپ ۱۳۹۸ ه.بیروت.

۲۰۶-المهدی الموعود المنتظر،نجم الدّین عسکری،متوفّای ۱۳۵۹ ه.چاپ ۱۳۹۷ ه.بیروت.

۲۰۷-نجم ثاقب،میرزا حسین نوری،متوفّای ۱۳۲۰ ه.چاپ تهران.

۲۰۸-نظریّه الامامه،دکتر احمد محمود صبحی-معاصر-چاپ بیروت.

۲۰۹-نفحات اللّاهوت،علی بن حسین بن عبد العالی،مشهور به محقّق کرکی، متوفّای ۹۴۰ ه.چاپ نجف اشرف.

۲۱۰-نور الأبصار،سیّد مؤمن شبلنجی،متوفّای بعد از ۱۳۰۸ ه.چاپ بیروت.

۲۱۱-نور مهدی،گروه نویسندگان،چاپ ۱۴۰۰ ه.تهران.

۲۱۲-نوستر آداموس از آینده ی جهان خبر می دهد،پل ادوارد-معاصر-ترجمه ی عنایت اللّه شکیباپور،چاپ تهران.

۲۱۳-نهج البلاغه،سیّد رضی،متوفّای ۴۰۶ ه.تحقیق صبحی صالح،متوفّای ۱۴۰۷ ه.چاپ بیروت.

۲۱۴-هدیه العارفین،اسماعیل پاشا بغدادی،متوفّای ۱۳۳۹ ه.چاپ ۱۹۱۵ م.

استانبول.

۲۱۵-واژه های فرهنگ یهود،شلمو اشمیدت.

۲۱۶-وسائل الشّیعه،شیخ حرّ عاملی،متوفّای ۱۱۰۴ ه.چاپ ۳۰ جلدی قم.

۲۱۷-وفیات الأعیان،ابن خلّکان،متوفّای ۶۸۱ ه.چاپ بیروت.

۲۱۸-ینابیع المودّه،سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی،متوفّای ۱۲۹۴ ه.چاپ هشتم ۱۳۸۵ ه.قم.

۲۱۹-الیواقیت و الجواهر،عبد الوهّاب شعرانی،متوفّای ۹۷۳ ه.چاپ قاهره.

۲۲۰-یوم الخلاص،کامل سلیمان-معاصر-چاپ ششم ۱۴۰۵ ه.بیروت.

آثار چاپ شده ی مؤلّف

۱-ابو ریحان بیرونی/چاپ دوّم/دار التبلیغ اسلامی/قم.

۲-اجساد جاویدان/چاپ دوم/نشر حاذق/قم.

۳-ارزیابی تمدن غرب/چاپ سوّم/انتشارات رسالت/قم.

۴-ارمغان مجلسی/چاپ یازدهم/انتشارات رسالت/قم.

۵-اسرار نماز/چاپ چهارم/انتشارات رسالت/قم.

۶-اعتقادات علّامه ی مجلسی/چاپ دوّم/انتشارات رسالت/قم.

۷-اماکن زیارتی منتسب به امام زمان/سلسله مقالات/انتظار/قم.

۸-او خواهد آمد/چاپ دوازدهم/انتشارات رسالت/قم.

۹-با دعای ندبه در پگاه جمعه/چاپ اول/نشر موعود/تهران.

۱۰-بانوی اسلام/چاپ اوّل/دار التّبلیغ اسلامی/قم.

۱۱-تاریخ شیعه ی زیدیّه/چاپ اوّل/دانشگاه شیراز.

۱۲-تاریخ وهابیان/چاپ اول/نشر طوفان/تهران.

۱۳-تاریخچه ی عاشورا/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۱۴-ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد/به سه زبان/دفتر نشر/تهران.

ص:۲۰۵

۱۵-ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن/به چهار زبان/انتشارات اوس/استانبول.

۱۶-تشرفات در میان نفی و اثبات/سلسله مقالات/موعود/تهران.

۱۷-تشیّع یا اسلام راستین/چاپ ششم/بنیاد بعثت/تهران.

۱۸-جزیره ی خضراء/چاپ دوازدهم/انتشارات رسالت/قم.

۱۹-جغرافیای کشورهای اسلامی/سلسله مقالات/نسل نو/قم

۲۰-چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان/چاپ اوّل/نشر حاذق/قم.

۲۱-چهل حدیث پیرامون نور یزدان/چاپ اوّل/نشر حاذق/قم.

۲۲-چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا/چاپ اوّل/نشر حاذق/قم.

۲۳-چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا/چاپ اوّل/انتشارات رسالت/قم.

۲۴-چهل حدیث در مناقب امّ ابیها/چاپ اوّل/انتشارات رسالت/قم.

۲۵-حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی/ترکی/انتشارات زمان/استانبول.

۲۶-دانشگاه امام صادق علیه السّلام/چاپ اوّل/دار التّبلیغ اسلامی/قم.

۲۷-دراسه عن حیاه فاطمه علیها السّلام/عربی/چاپ اوّل/بحرین.

۲۸-در حریم حضرت معصومه علیها السّلام/چاپ دوم/انتشارات رسالت/قم.

۲۹-راهنمای قبله/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۳۰-روزگار رهائی/چاپ سوّم/نشر آفاق/تهران.

۳۱-روزه در اسلام/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۳۲-رهبری در اسلام/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۳۳-زندگانی کریمه ی اهلبیت/نشر حاذق/قم.

۳۴-زمینه سازان حکومت امام زمان/نشر توحید/تهران.

۳۵-زیارت عاشورا و آثار معجزآسای آن/چاپ پنجم/انتشارات رسالت/قم.

۳۶-زیارتنامه ی حضرت معصومه/چاپ دوم/نشر حاذق/قم.

ص:۲۰۶

۳۷–سند حدیث کساء/چاپ دوّم/انتشارات رسالت/قم.

۳۸–سیری در ترجمه های قرآن/سلسله مقالات/نسل نو/قم.

۳۹–سیمای مدینه/سلسله مقالات/میقات/تهران.

۴۰–طول عمر امام زمان علیه السّلام/چاپ سوّم/انتشارات طاووس بهشتیان/قم.

۴۱–عاشورا چه روزیست؟/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۴۲–علّامه ی اقبال در مدینه/چاپ اوّل/دار التّبلیغ اسلامی/قم.

۴۳–علی اول/چاپ دوم/نشر موعود/تهران.

۴۴–علی و فلسفه ی الهی/چاپ اوّل/بنیاد علّامه ی طباطبائی/قم.

۴۵–قرآن معجزه ی جاویدان/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۴۶–قربانیان الکلیسم/سلسله مقالات/نسل جوان/قم.

۴۷–کتابنامه ی آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر/چاپ اول/انتشارات دلیل ما/قم.

۴۸–کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السّلام/چاپ اول/انتشارات الهادی/قم.

۴۹–کرامات معصومیه/چاپ دوم/انتشارات حاذق/قم.

۵۰–کریمه ی اهلبیت/چاپ اوّل/انتشارات حاذق/قم.

۵۱–گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور/چاپ اول/انتشارات رسالت/قم.

۵۲–معارف اسلامی/ترکی استانبولی/انتشارات زمان/استانبول.

۵۳–میثم تمّار/چاپ اوّل/انتشارات توحید/تهران.

۵۴–میلاد نور/چاپ اوّل/مسجد صدریّه/تهران.

۵۵–نبراس الزائر/چاپ اول/انتشارات دلیل ما/قم.

۵۶–نقش امام زمان در جهان هستی/چاپ سوّم/دار التّبلیغ اسلامی/قم.

۵۷-نقش روزه در درمان بیماریها/به هشت زبان/کعبه/تهران.

*

ص:۲۰۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹